

آسیب شناسی نسل جوان

هجوم خاموش

- اینترنت و چت
- ماهواره
- اکستازی
- ایدز و اعتیاد
- مشروبات الکلی
- فرار دختران
- بد حجابی
- توبه

سید محمد سقازاده
حمزه کریم خانی

هجوم خاموش

(آسیب شناسی نسل جوان)

سید محمد سقازاده ـ حمزه کریم خانی

انتشارات عطر یاس

سازمان ملی جوانان
استان کردستان

هجوم خاموش (آسیب شناسی نسل جوان)

ناشر: عطر یاس

مولفین: سید محمد سقا زاده - حمزه کریم خانی

همکار مولفین: مجید آوج

نوبت چاپ: چهارم - ۱۳۸۷

چاپ: کمال الملک

لیتوگرافی: اهل بیت (علیهم السلام)

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

تلفن مرکز پخش:

۰۹۱۲۵۵۳۲۱۶۱ - ۰۹۱۲۵۵۳۴۰۴۹

Email: atre yas18@yahoo.com

بسم الله الرحمن الرحیم

اهدایی سازمان ملی جوانان

استان کردستان

پیشگفتار

جوان در اندیشه کشف هویت است و در برابر جاذبه‌های گوناگون، ناتوان. جوان در آستانه تکوین هویت جدید خود قرار دارد، علاقه‌مند است که جامعه، شخصیت جدیدش را به رسمیت بشناسد. گذشتن از این دوره بحرانی و دست‌یابی به هویت راستین؛ احساسی عمیق، ارزشمند و اعتماد آفرین در او پدید می‌آورد.

آری! جوانی یکی از پیچیده‌ترین مراحل مسیر پرتلاطم زندگی و در عین حال، بهترین دوران و در اصل، بهار زندگی آدمی است. این دوره، سرشار از شور و شوق، توانایی جسمی و روانی وتلاش و نوآوری است؛ به گونه‌ای که دورنمای زندگی آینده انسان را بر اساس عملکرد او در دورهٔ جوانی می‌توان پیش بینی کرد. لذا این دوره از حیات انسان در سخنان امامان معصوم عليهم‌السلام و گفتار بزرگان، بسیار مورد توجّه و سفارش قرار گرفته است.

بدون‌شک یکی از وظایف مهم خانواده و جامعه در برابر جوانان، فراهم نمودن محیطی سالم برای رشد و تربیت صحیح آنان می‌باشد که بی‌توجهی به این مسأله خسارتهای جبران ناپذیری به فرد،

خانواده و جامعه وارد خواهد ساخت.

در عصر حاضر که دشمنان اسلام و نظام در عرصه جنگ و مبارزات نظامی نتوانستند به خاک این کشور نفوذ کنند، راه تهاجم فرهنگی را در پیش گرفته تا از این رهگذر به خواسته‌های شومشان دست یابند.

باید دانست قسمت قابل توجهی از تهاجم فرهنگی دشمنان متوجه جوانان است؛ زیرا این قشر از دیگر افراد جامعه آسیب پذیرترند. بررسی پیشینه تهاجم فرهنگی نشان می‌دهد که تهاجم، پدیده نوآمدی نیست؛ بلکه تهاجم کفر و استکبار به فرهنگ توحید و عبودیت از همان ابتدای آفرینش آغاز شده است و با شیوه و ترفندهای گوناگون هم چنان ادامه دارد.

دشمن همواره می‌کوشد با مطرود دانستن امور نامحسوس و ماوراء الطبیعه، اعتباری ونسبی شمردن ارزش‌های انسانی، ناکارآمد پنداشتن دین در اداره جامعه به ویژه در عصر حاضر، و تشکیک در ضروری‌ترین باورهای دینی، به هویت دینی و فرهنگی جامعه اسلامی، به ویژه نسل جوان آسیب‌های جدّی وارد کند.

مقام معظم رهبری ـ مدّ ظلّه العالی ـ در سخنانی می‌فرمایند: «یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پای بندهای متعصبانه به ایمان ـ همان چیزی که یک فرهنگ را نگه می‌دارد ـ منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در اندلس (اسپانیای‌فعلی) کردند. جوان‌ها را ریختند در عالم

فساد، شهوت رانی و می‌گساری. این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌گیرد»[۱].

همچنین در جای دیگری مـی‌فرماینـد: «دشـمن از راه اشـاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد، کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند نه تنها یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگـی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشـمن دارد ایـن کـار را بـا مـا می‌کند»[۲].

بدون تردید همهٔ این حساسیّت‌هایی که دشمنان اسلام و انقلاب در هجمه‌های فرهنگی خویش علیـه کـشور مـا دارنـد، هـدفی جـز انحراف اعتقادی و اخلاقی نوجوانان و جوانـان مـا کـه سـرمایه‌هـای عظیم کشور به شمار می‌روند، ندارنـد. از ایـن رو مبـارزه بـا تهـاجم فرهنگی در کشوری که بیش از بیست میلیون جـوان دارد، یکـی از وظایف و تکالیف مهم در عصر حاضر به شمار مـی‌رود. مؤلفـان ایـن مجموعه نیز بر حسب احساس وظیفـه بـر آن شـده‌انـد تـا بـا ارائـه بحثهای مختلف در این کتاب به آگاه‌سـازی افـراد جامعـه بـه ویـژه جوانان در برابـر هجـوم فرهنگـی دشـمنان کـه امـروزه شـکل‌هـای جدیدی به خود گرفته است، بپردازنـد. آری! گـسترش سـایت‌هـای

---

۱ ـ روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۳۷۱/۵/۲۲.

۲ ـ سخنان مقام معـظم رهبـری در دیـدار بـا فرمانـدهان نیـروی مقاومـت بـسیج، ۱۳۷۱/۴/۲۳.

اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای مبتذل، ترویج قرصهای اکستازی و مهمانی‌های مرسوم به پارتی، افزایش اعتیاد به مواد مخدر و گسترش ایدز، ارتباط ودوستی‌های نامشروع و فرار و خانه‌گریزی دختران، گسترش بدحجابی و بی بندوباری در بین دختران نمونه‌های جدیدی از تهاجم فرهنگی به شمار می‌رود. در این مجموعه ارزشمند تلاش شده که زوایای مختلف این پدیده‌ها بررسی و آثار و پیامدهای منفی آن برای جوانان بازگو شود.

امید است این تلاش ناچیز، شناخت و آگاهی جوانان را نسبت به این معضلات اجتماعی بیش از پیش بالا برد و آنها را از گرفتار شدن در این مشکلات حفظ نماید، ان شاءَ الله.

آشیانه آل محمد ﷺ
شهر مقدس قم
فروردین ۱۳۸۵

فصل اول

اینترنت
و
پیامدهای منفی چت

اعتیاد به اینترنت

اینترنت، پدیده‌ای که در آخرین دهه از قرن بیستم پا بـه عرصـه وجود گذاشت. در اندک زمانی به گسترده‌ترین و سریع‌ترین وسـیله اطلاعاتی مبدل شد. تازه‌ترین آمارها در ایران نـشانگر آن اسـت کـه تعداد کاربران اینترنت در کشور در سال ۸۲ بیش از ۵ میلیـون نفـر بوده‌اند که این تعداد روز به روز در حال افزایش است.

خبرگزاری ایسنا در گزارش از وزارت ارتباطات و فـن‌آوری آورده است که تنها در چهار سال اخیر، تعداد کاربران اینترنت در کشور۲۵ برابر شده و بیش از ۶۴ درصـد از کـاربران ایرانـی در منـزل هـم از اینترنت استفاده می‌کنند که این مساله نشان دهنده تمایل گسترده به استفاده از این ابزار اطلاع رسانی است.

ایران در سال ۱۳۷۰ برای اولین بار توسط مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات به شبکه جهانی اینترنت متصل شد و اولین ارتباط ایران با اینترنت به طور موقت و از طریق اتریش و به وسـیله پـست الکترونیکی صورت گرفت.

رشد اینترنت در تمام دنیا به صورت انفجاری بـوده اسـت و ایـن درحـالی اسـت کـه هماننـد سـایر محـصولات عـصر نـو ارتباطـات، نگرانی‌هایی را نیز به دنبال دارد و به عبارتی هم سازنده است و هـم

مخرب.

جامعه شناسان معتقدند که یکی از شایع‌ترین نگرانی‌ها، ناشی از سهولت توزیع تصاویر و نوشته‌های مستهجن و غیر اخلاقی است.

مساله دیگر اعتیاد به اینترنت است؛ به طوری که از میان ۴۷ میلیون استفاده کننده از اینترنت در آمریکا ۲ تا ۵ میلیون نفر دچار اعتیاد اینترنتی شده‌اند و با معضلات زیادی دست در گریبان هستند، که با گسترش روز افزون اینترنت به زودی در ایران هم شاهد این مسأله خواهیم بود و مسأله آخر عوارض کار با رایانه برای کاربران اینترنت است که بیشتر وقتشان صرف کار با رایانه می‌شود.

« دکتر علی فرجام»، روانشناس اجتماعی، در مورد خطر اعتیاد اینترنتی می‌گوید: اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان درست کند و اگر استفاده کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند در معرض خطر اینترنتی قرار دارند و متاسفانه ما شاهد افزایش این پدیده درمیان جوانان هستیم؛ به طوری که بعضی از جوانان، شب‌ها را تا صبح با اینترنت می‌گذرانند و تمام مدت صبح را خواب هستند که این مسأله عواقب زیادی را به دنبال دارد.

وی می‌افزاید: ممکن است اعتیاد اینترنتی مانند سایر موارد اعتیاد آثارجسمی به دنبال نداشته باشد ولی مشکلات اجتماعی که این معضل در پی دارد به وضوح، آن را به موازات دیگر موارد اعتیاد قرار می‌دهد.

وی در مورد عوارض اعتیاد اینترنتی تاکید می‌کند: در سال ۱۹۹۸ جامعه شناسان آمریکایی با مشاهده شمار بالایی از مشکلات مرتبط با اینترنت همچون طلاق، بی اعتنایی به فرزندان، از دست دادن شغل، مقروض شدن، فرار از مدرسه و مشکلات قضایی، مرکز اعتیاد به کامپیوتر را در دانشگاه‌ها تاسیس کردند.

وی تصریح می‌کند: متاسفانه مبتلایان ایرانی کمتر حاضرند به مشکل خود اعتراف کنند و محرک اصلی آنها برای مراجعه به متخصصان عمدتاً بحران‌هایی است که در مسائل خانوادگی، تحصیلی و شغلی آنها رخ می‌دهد و دانشجویان یکی از مهمترین اقشار آسیب پذیر نسبت به اعتیاد اینترنتی هستند.

فرجام در خاتمه می‌افزاید: عده‌ای از دانشجویان ایرانی عمده اوقات فراغت خود را در اینترنت سپری می‌کنند و کار با اینترنت برای آنان جذاب‌تر از سایر فعالیت‌هاست و این در حالی است که استفاده از اینترنت بر زندگی و روابط شخصی دانشجویان اثر می‌گذارد. از این رو به دانشجویان توصیه می‌کنم که زمان مشخص و ثابتی را برای کارهای ضروری خود با اینترنت در نظر بگیرند و در صورت اضافه شدن این زمان به هر نحو ممکن از آن جلوگیری کنند.

دکتر « محمد رضا حسینی»، جامعه شناس، نیز می‌گوید: آخرین تحقیقات انجام شده در کشور نشان می‌دهد که بیشتر استفاده

کنندگان از اینترنت جوانان هستند که ۳۵ درصد از آنها به خاطر حضور در چت روم، ۲۸ درصد بازی‌های اینترنتی، ۳۰ درصد چک کردن پست الکترونیکی و ۲۵ درصد نیز مشغول جستجو در شبکه جهانی هستند.

وی تأکید می‌کند: خطر عمده اعتیاد اینترنتی متوجه افراد تنها، افسرده، درون گرا، فاقد اعتماد به نفس یا افرادی با سابقه قبلی انواع اعتیاد است.

وی تصریح می‌کند: جوانانی که از اینترنت استفاده می‌کنند معتقدند از طریق اینترنت می‌توان با تمام افراد در سرتاسر دنیا ارتباط برقرار کرد که این امر لحظات بسیار شادی را برای آنها فراهم می‌کند و هیچ آزاری هم متوجه آنان نیست.

« حسینی»، خاطر نشان می‌کند: معتادان اینترنت ترجیح می‌دهند با تشکیل گروه‌ها و برقرار کردن ارتباطات تنگاتنگ با یکدیگر به نوعی خلاهای روحی خود را مرتفع سازند و این در حالی است که هر روز جوانان بیشتری جذابیت‌های اینترنت را کشف می‌کنند و بعد از مدت کوتاهی دیگر قادر نیستند از آن دست بکشند وبه اینترنت اعتیاد پیدا می‌کنند.

این جامعه شناس می‌افزاید: برای دسته‌ای از جوان‌ها که اسیر اینترنت شده‌اند دنیای مجازی چت روم‌ها و بازی‌های اینترنتی به راحتی جایگزین افراد فامیل، دوستان، تحصیل، اشتغال و خواب می‌شود، به طوری که بعضی از جوانان ایرانی از ساعت ۱۰ شب تا ۴

صبح وقت خود را صرف اینترنت می‌کنند و در طول هفته ۴۰ تا ۵۰ ساعت با اینترنت هستند و از دنیای واقعی که در آن زندگی می‌کنند فاصله می‌گیرند.

وی در خاتمه می‌گوید: باید مراجعه کنندگان به اینترنت یاد بگیرند که چگونه برای خود محدودیت قائل شوند، تا تعادل فعالیت‌ها و برنامه زندگی روزمره آنها بهم نخورد.

عوارض جسمانی اعتیاد به اینترنت

دکتر «ارسلان لطفی»، متخصص طب‌کار، در مورد عوارض طولانی مدت کار با رایانه می‌گوید: از عوارض کار طولانی مدت با رایانه می‌توان به مشکلات بینایی، عوارض مفصلی و عضلانی، مشکلات پوستی، استرس و مشکلات عصبی اشاره کرد.

وی می‌افزاید: کار با رایانه به خصوص اینترنت که مستلزم صرف وقت بیشتری است، مشکلات زیادی برای بینایی انسان به وجود می‌آورد که از جمله آنها می‌توان به درد، سرخی و سوزش چشم، و سر درد اشاره کرد. چشمهای انسان عادت دارند تا بسیار راحت بر روی اشیای دور و نزدیک متمرکز شوند؛ به همین دلیل خستگی ماهیچه چشمی که بر روی صفحه مانیتور برای مدت طولانی متمرکز شده زیاد است.

لطفی تاکید می‌کند: یکی دیگر از عوارض کار با رایانه، دردهای

عضلانی و درد مچ دست و بازوها است، درد گردن و کمر نیز در دراز مدت باعث خمیدگی پشت می‌شود و این عمل باعث وارد شدن فشار زیاد در طولانی مدت بر روی ماهیچه و تاندون‌های فرد می‌گردد و در نهایت می‌تواند به مشکلات عضلانی و مفصلی نیز منجر شود.

وی در مورد مشکلات پوستی نیز اظهار می‌دارد: ولتاژ زیاد لامپ تصویر باعث تولید میدان الکترواستاتیک و بارهای الکتریکی مثبت در سطح خارجی صفحه نمایش می‌شود، در میدان بین بارهای مثبت و صورت اپراتور گرد و خاک و ذرات در تمامی جهات حرکت می‌کنند و افراد مدام از حساسیت‌های پوستی شکایت دارند، وجود بارهای مثبت در این میدان در کسانی که حساسیت پوستی دارند باعث خشک شدن پوست دست و صورت و ترک خوردن آن می‌شود.

این متخصص می‌گوید: بدنه رایانه‌ها و نمایشگرها بر اثر گرم شدن، بوی مخصوصی از خود متصاعد می‌کنند؛ از جمله این بوها گاز دیوکسن است که توسط بدنه رایانه‌ها تولید می‌شود و این مواد به عنوان مواد ضد حریق در بدنهٔ نمایشگرها به کار می‌روند و گاز ازن به هنگام کار چاپگر لیزری تولید می‌شود که به بافت مخاطی بینی، چشم و گلو آسیب می‌رساند. وی در مورد راه‌های پیشگیری از عوارض یاد شده می‌افزاید: از راه‌های پیشگیری از عوارض محدودیت در کار با رایانه است، کار با رایانه باید همواره توام با استراحت‌های

کوتاه مدت باشد[1].

مفهوم چت

چت به معنای گفت وگوهای عامیانه است. در محیط اینترنت نیز معنای این فناوری، گفت وگو در اتاق‌های خصوصی و یا عمومی است که بستگی به سطح برخورداری و استفاده از آن از طرف افراد دارد. در این محیط انتظار گفت وگوی تخصصی بین افراد، نیست اما بسیاری از آنها هم کارشناسانه و در مباحث مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و..... بوده و امکان بهره برداری تخصصی از آن وجود دارد.

به علت این که چت در جامعه امروزی بدون فراهم آوری زیر ساخت‌های لازم وارد شده، کاربردهای غیر مجاز، غیر اخلاقی و غیر کارشناسی چت و نهایتاً وقت‌گذاری‌های بیهوده برای آن بیشتر مطرح است.

اگر در آموزش‌هایی که به کاربران می‌دهیم، روش استفادهٔ صحیح چت را هم لحاظ کنیم، تا به عنوان امری عجیب شناخته نشود، فرهنگ استفاده صحیح از آن فراگیر می‌شود.

با عنایت به این که آموزش‌ها در سه سطح در جامعه مطرح است. می‌توانیم به صورت رسمی در آموزش رسمی و به شکل

۱ـ ر.ک. سایت باشگاه اندیشه جوان.

سرگرمی در آموزش علمی موازی در رسانه‌ها و توسط خانواده‌ها در مراکز عمومی مثل فرهنگسراها، جایگاهی برای آموزش کاربردهای صحیح استفاده از چت در نظر بگیریم.

چت برای نسل جوان جایگاه ناشناخته‌ای دارد

چت محیط گفت و گویی است که می‌توان استفاده‌های متفاوتی از آن کرد. افرادی که آگاهی و بینش لازم را از شبکه جهانی اینترنت و ابزار آن دارند، می‌توانند برمعلومات خود بیافزایند و در مقابل کسانی که آگاهی کافی ندارند، تنها وقتشان را با گفت وگوهای بیهوده هدر می‌دهند و هیچ فایده‌ای از آن نمی‌برند.

به طور کلی اگر طالب آن هستیم که از این امکانات به بهترین نحو استفاده کنیم، باید فرهنگ سازی کنیم. فرهنگ جامعه تحت تاثیر فناوری‌ها تغییر می‌کند، باید فرهنگ جدید و ساختار ارتباط تولید شده را شناخته، و هم راستا با آن گام برداریم. درغیر این صورت به یکسری افراد بی هدف، عصبی و ناراضی تبدیل خواهیم شد.

به نظر می‌رسد چت در ایران برای نسل جوان جایگاه ناشناخته‌ای دارد؛ بنابراین باید آموزش‌های لازم در سطح مربیان، والدین و جوانان در سیستم آموزشی لحاظ شود.

چت یک منبع تبادل اندیشه است و در کنار دیگر رسانه‌های

الکترونیکی باید جایگاه مناسب خود را پیدا کند و کاربران هم به نحو احسن از آن بهره‌مند شوند. برپایی کارگاه‌های گفت وگو در این زمینه در فرهنگسراها می‌توانند راهکاری مناسب برای معرفی جنبه‌های مثبت این فناوری باشد.

بررسی انگیزه‌های چت در جوانان ایرانی

در تحقیقی که توسط « محمد سعید ذکایی»، انجام شده و در پایگاه الکترونیکی www.iranwsis. org درج گردیده است، ضمن بررسی اوقات فراغت جدید برای جوانان به بررسی پدیده چت و رواج آن در بین جوانان ایرانی پرداخته شده، که در ذیل آمده است:

نخستین نسل آشنا با کامپیوتر و تکنولوژی‌های ارتباطی را باید نسل فعلی دانست که بسیاری از آنان می‌توانند با طیفی از نرم افزارهای کامپیوتری کار کنند و به راحتی آن را بفهمند.

این تحولات تکنولوژیک علاوه بر تأثیر بر ذوق، سلیقه و نیاز ارتباطی آنها، گذراندن اوقات فراغت آنها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. تحقیقات نشان می‌دهد کارکرد فراغتی و سرگرم کننده چت‌روم‌ها برای جوانان بیشترین انتخاب را به خود اختصاص داده است. دلایل و انگیزه‌های بعدی به ترتیب پیدا کردن دوست، تازگی محیط چت، مهیج بودن آن و تفاوت شخصیت‌ها در صحنه چت نسبت به صحنه‌های حقیقی زندگی عنوان شده است. از دلایل دیگر

چت، شیطنت و ماجرا جویی و نهایتاً همسریابی عنوان شده است. بدون شک کارکردهای جبرانی و تسهیل کننده اینترنت در ایجاد عرصه‌ای برای سرگرمی جوانان در خلوت فردی و جدا کردن آنان از صورت‌های عینی و ملموس مشارکت در عرصه عمومی و حقیقی جامعه بسیار است. مقایسه اجمالی انگیزه‌های دوجنس، تفاوت آشکاری را نمایان نمی‌سازد؛ تنها تفاوت قابل ذکر، استفاده ابزاری بیشتر جوانان پسر از محیط چت در دوست یابی است که این مطلب چنانکه در بخش‌های قبل بدان اشاره شد، هم برخواسته از میل این گروه به آشنایی و یافتن دوستان بیشتر در عرصه عمومی جامعه و هم اعتماد و اتکای بیشتر آنان به محیط مجازی چت روم‌هاست. مقایسه انگیزه‌های پاسخگویان از چت به تفکیک سن و تحصیلات نیز تفاوت‌های محسوسی را نشان نمی‌دهد. تفاوت‌های قابل ملاحظه مربوط به جذابیت و هیجان بیشتر ارتباطات مجازی برای گروه جوانان بزرگ‌تر با تحصیلات بیشتر و توجه بیشتر آنان به قابلیت‌ها و تأثیرات این محیط در فرایند هویت‌یابی است.

تحقیقات نیز نشان می‌دهد که بیش از نیمی از جوانان تمایل به چت با افراد ناشناس و کمتر از یک سوم آنها با افراد آشنا را دارند. بدین ترتیب فضای غالب در محیطهای چت روم‌ها گفت‌وگوهای دوستانه جوانان است که با نیت کنجکاوی، آشنایی، سرگرمی و گاه شیطنت و ماجراجویی بدان رو می‌آورند. مضمون گفت‌وگوها عموماً

پیرامون مباحث غیر جدی و پیش پا افتاده و گفت‌وگوهایی است که به صمیمیت و نزدیکی بیشتر می‌انجامد و تنها ۲۰ درصد موضوعات مورد گفت‌وگوی خود را مربوط به موسیقی، فیلم، هنر و موضوعاتی مشابه بیان کرده‌اند. اولویت سایت‌های مورد مراجعه پاسخگویان برای چت به ترتیب حدود ۸۰ درصد yahoo، ۶/۵ درصدmsn و هفت درصد سایت‌های فارسی زبان چون bedehiوroozi بوده است.

از دیگر یافته‌های جالب این تحقیق استفاده بیشتر پسران از صدا و دوربین شبکه است که آنها را از دختران متمایز می‌سازد. علاوه بر این پسران بیش از دختران اشاره به تجربه گپ هم زمان با بیش از دو یا چند نفر داشته اند.

گفت و گوهای چندگانه و هم زمان پسران بیش از آنکه نشانه تبحر و مهارت آنان در استفاده از ابزار اینترنت باشد، بر میل بیشتر آنان به استفاده از موقعیت جنسیتی برتر خود در اجتماع دلالت دارد. به همان مقدار استفاده بیشتر پسران از صدا و دوربین در محیطهای چت را می‌توان بیانگر ترس و نگرانی کمتر آنان از کنترل و شناسایی‌هایی دانست که در محیطهایی خصوصی و عمومی عمل می‌کنند. در مجموع، گفت و گوهای اینترنتی عرصه جدیدی را برای گذراندن فراغت طیف رو به افزایشی از جوانان و شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های مختلف با زمینه‌ها و علایق متنوع فراهم ساخته است.

اگر چه نگرش غالب به این میدان جدید، و بهره مندی از آن عموماً محدود به آشنایی‌ها و گفت و گوهای غیرجدی است.[۱]

روان شناسی چت کردن و کاربران چت روم‌ها

فضای مجازی چت روم‌های اینترنتی به وسیله‌ای برای پرکردن اوقات فراغت جوانان مبدل شده که مرزهای تازه‌ای در شکل‌گیری ارزشها و هویت‌یابی جوانان پیش روی آنان قرار داده است.

بررسی‌های محققان علوم و ارتباطات اجتماعی نشان می‌دهد که کارکرد غالب چت برای کاربران ایرانی جنبه فراغتی و سرگرم کننده داشته که در اشکال مثبت و منفی، تسهیل و جبران کننده نیازهای ارتباطی آنها در دنیای واقعی است.

گرچه در فضای چت، مرزبندی‌های جنسیتی روز به روز ضعیف‌تر می‌شود؛ اما با این حال در بیشتر موارد جذابیت‌های جنسیتی در روابط دنیای مجازی بیش از پیش حایز اهمیت است.

کارشناسان معتقدند که مجاورت طولانی با فضای مجازی می‌تواند به فرهنگ پذیری یکطرفه و تاثیر پذیری افراطی از هنجارها و ارزشها انجامیده و با تقویت پدیده جهانی شدن، تعلقات ملی و سنتی کاربران را تحت تاثیر قرار دهد.

---

(۱) www.iranwsis.org

«کامران سروش صحت» کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی «چت روم‌ها» را میدان‌های چند کاربردی و از پرطرفدارترین عرصه‌های مراوده در فضای مجازی دانسته و معتقد است که چت کردن در فضای مجازی، مشارکت عاطفی را جایگزین مشارکت سیاسی و معاشرت رو در روی اجتماعی کرده و نوعی رابطه غیر حقیقی را بر فضای مناسبات میان افراد حاکم کرده است که این امر پیامدهایی چون کاهش سرمایه‌های اجتماعی، انزوا و بریدگی از مشارکت‌های محسوس و عینی را در بر داشته است.

وی در توصیف چگونگی جایگزینی روابط عاطفی با روابط سیاسی و علمی در فضای چت می‌گوید: چت کننده‌ها از برقراری چند ارتباط همزمان بادیگران به شدت لذت می‌برند، این افراد در گرفتن اطلاعات خاص از مخاطب خود پیش‌دستی کرده و از این طریق به یک شناسایی اولبه از مخاطب دست می‌یابند و امکان می‌یابند که از این طریق توصیف‌های مبالغه آمیز درباره خود به کار برده و با ابراز همدردی و همسویی با مخاطب، توجه او را به خود جلب کنند.

این کارشناس معتقد است که ماهیت غیر رو در روی ارتباطات الکترونیکی اینترنتی، انگیزه بیشتری را در کاربران به ایجاد یک رابطه مخفیانه که ریسک شرمندگی در آن کمتر است، به وجود می‌آورد.

دکتر «محمد ابراهیم برزگر»، استاد روان شناس اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، با اشاره به دو فاکتور مورد علاقه در جوانان برای برقراری ارتباط با دیگران می‌گوید: «ناشناس ماندن» و «تنوع گرایی» شوق گرایش به ارتباط با چند نفر را به وجود آورده است.

وی می‌افزاید: در نمونه‌های تحقیقی به دست آمده از چند کافی‌نت مشخص شده که ۷۱ درصد از جوانان ۱۵تا۳۰سال یک بار چت کردن را امتحان کرده‌اند.

او در خصوص نتایج به دست آمده از گرایش سنجی جوانان در هفت موضوع مرتبط با چت کردن، اعلام می‌کند: نگاه به چت به عنوان بازی سرگرم کننده ۲۴درصد، چت به عنوان تداوم زندگی واقعی ۱۷درصد، چت به عنوان وسیله ای برای ارتباط دوستانه ۱۸درصد، چت به عنوان امکانی برای جستجوگری ۹درصد، چت به عنوان ارتباط نامطمئن و ناکار آمد۲۰درصد و چت به عنوان ابزاری برای سوء استفاده ۱۲درصد بوده است.

این استاد دانشگاه می‌افزاید: ۷۵درصد چت کنندگان گفته‌اند که در چت کردن نقش‌های متفاوتی را بازی می‌کنند که سهم پسران در ارایه نقش غیر واقعی نادرست از خود ۸۹ درصد وسهم دختران ۱۱درصد بوده است.

« برزگر»، بدبینانه‌ترین نظرات در گرایش چت کنندگان را مربوط به انتخاب همسر می‌داند و خاطر نشان می‌کند: به خاطر

گسترده بودن فضا و امکان نقش بازی کردن و ارایه رفتارهای دوگانه، بیشتر چت کنندگان معتقدند که محیط چت فضای مناسبی برای انتخاب همسر به شمار نمی‌آید. که در این خصوص آقایان بیشترین بی اعتمادی را به چت به عنوان ابزار انتخاب همسر دارند.

وی با اشاره به تمایل پسران به برقراری ارتباط دوستانه همزمان با چند نفر غیر همجنس تصریح می‌کند: بیشتر پسرها با آگاهی از وابستگی عاطفی در دختران، تلاش می‌کنند که ارتباط خود را با آنها تا مرز آنچه حقیقتاً به دنبال آن هستند، تعقیب کنند. این در حالی است که دخترها اغلب با وسواس و دقت بیشتری دوستی و رابطه پا برجا با یک فرد غیر همجنس را مد نظر دارند.

« برزگر»، می‌افزاید: تحقیقات جامع نشان داده که نگاه دختران به چت بیشتر جنبه تفنن و بازی دارد با این حال نکته‌ای که در وهله نخست در تضاد با این جهت گیری قرار دارد تعهد بیشتر به استفاده صادقانه از فضای مجازی و محافظه کاری و احتیاط بیشتر دختران در برقراری ارتباط آنلاین است.

دو تن از محققان علوم اجتماعی در تحقیق مشترکی که در خصوص گرایش جوانان به چت‌های اینترنتی انجام دادند، نتایجی را که در ذیل آمده ارایه دادند: ۸۸ درصد به چت به مثابه یک بازی نگاه می‌کنند، ۵۳ درصد معتقدند که چت کردن فرقی با زندگی واقعی ندارد، ۴۶ درصد معتقدند که کسانی که با آنها چت می‌کنند

خصوصیاتی مشابه با آنها دارند، ۴۰ درصد گفته‌اند که شخصیت‌شان در چت با شخصیت واقعی‌شان متفاوت است، ۷۶ درصد از چت کردن احساس آرامش می‌کنند، ۸۳ درصد شناخت شخصیت دیگران را در چت غیر ممکن می‌دانند، ۴۴ درصد فهمیدن احساسات و نظرات واقعی افراد در چت را غیر ممکن می‌دانند. ۷۶ درصد در چت به مخاطب خود اعتماد ندارند، ۷۳ درصد امکان انتخاب همسر از طریق چت را مناسب نمی‌دانند و ۴۳ درصد معتقد به وجود دردسر در دوست‌یابی‌های اینترنتی هستند.

تحقیقات این دو محقق از زاویه‌ایی دیگر همچنین نشان می‌دهد که دختران در چت کردن بیشتر مایل به شیطنت و سر کار گذاشتن هستند. در همین راستا پسران در چت کردن تلاش بیشتری می‌کنند که اعتماد دختران را برای تداوم رابطه جلب کنند.

«محمد سعید ذکایی»، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی، در بیان انگیزه اصلی از چت کردن می‌گوید: توجه بیشتر چت کننده‌ها به مسایل فراغتی و سرگرم کننده چت روم‌ها بوده است و انگیزه‌های بعدی به ترتیب شامل پیدا کردن دوست، تازگی محیط چت و مهیج بودن آن، تفاوت شخصیت در صحنه چت نسبت به زندگی حقیقی و شیطنت و ماجراجویی عنوان شده است.

این کارشناس می‌افزاید: در پاسخ به این سوال که با چه افرادی تمایل به چت کردن دارید؟ بیش از ۵۰ درصد پاسخ دهندگان گفته‌اند که بیشتر دوست دارند با افراد متنوع و ناشناس چت کنند و

کمتر از یک سوم تمایل خود را به افراد آشنا بیان داشته‌اند. همچنین ۹۸/۹درصد پاسخ دهندگان تمایل به چت کردن با افراد غیر همجنس داشته‌اند و بدین ترتیب می‌توان گفت که فضای غالب در محیط چت روم‌ها گفتگوهای دوستانه جوانان غیر همجنس است که با نیت ارضای کنجکاوی، آشنایی، سرگرمی، شیطنت و ماجراجویی است.

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی در خصوص مضمون گفتگوهای چت کننده‌ها می‌گوید: بر اساس تحقیقات انجام شده، بیش از ۴۰ درصد چت کننده‌ها به دنبال مباحث غیر جدی و پیش پا افتاده و ۲۷ درصد موضوعاتی چون موسیقی فیلم و هنر را در نظر داشته اند.

« ذکایی»، درباره الگوهای قابل توجه در روابط میان چت کنندگان می‌گوید: بیشتر جوانان کم سن وسال تر، به خصوص پسرهای جوان در گفتگوهای اینترنتی مایل به صمیمیت و نزدیکی بیشتر با دوستان غیر هم جنس خود هستند. همچنین پسران بیش از دختران مایل به گپ همزمان با بیش از دو یا چند نفر غیر هم جنس بوده و تبحر و مهارت پسران در چت کردن بیش از دختران است. همچنین پسرها ترس و نگرانی کمتری از کنترل‌ها و شناسایی‌های غیر محسوس در خلال چت کردن داشته‌اند[۱].

(۱) www. ictna. ir

چت روم‌هایی که در آنها نوجوانان جامعه ما به ابتذال و بی‌بندوباری دعوت می‌شوند، جنگ علیه فرهنگ دینی ما است . که به همراه تکنولوژی‌های دیگر غرب وارد کشور گردیده است. و حاصل آن ابتذال و فریبندگی وبی‌بندوباری می‌باشد و ابزاری است که به وسیله آن بر افکار نوجوانان و جوانان تأثیر بگذارند. امروزه بسیاری، دهکده جهانی را به تهاجم فرهنگی جهانی تبدیل کرده‌اند. به طور کلی این مساله به عنوان یک جنگ جهانی امروزی است که اندیشه‌ها وفرهنگ‌ها را نشانه گرفته است و به همین دلیل نوک حمله بیشتر به طرف نوجوانان و جوانان می‌باشد.

راهکار پیشنهادی

راهکار پیشنهادی برای کاستن از خطرات و مضرات اینترنت و پدیدهٔ چت، اول؛ آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان، البته نه به صورت تحریک آمیز که اشتیاق آنها را دوچندان نماید و دوم؛ اینکه فضای گفتگوها را باید به فضایی دیگر تبدیل کرد؛ یعنی انجمن‌ها، کانون‌ها و افرادی دلسوز باشند که وارد چت روم‌ها شوند وفضای گفتگو در آنها را تغییر دهند؛ چرا که خطر تهدید چت روم‌ها را می‌توان به فرصت تبدیل کرد و نباید به خود اجازه بدهیم که هرگاه از هر ابزار و یا وسیله‌ای احساس خطر کردیم آنرا تخریب نماییم و از بین ببریم؛ بلکه باید به خود زحمت داد و با سلاح علم و دانش و

فرهنگ به جنگ آنها رفت . البتــه در ایــن میــان نقــش خــانواده‌هــا می‌تواند بسیار مفید باشد. قطعاً اگر پدر ویــا مــادر خــانواده بخواهــد جوانش را منع کند تبعات ناخوشایندی به بارخواهد آمد؛ اما اگر پدر و مادر در کنار جوانانشان فرق نمی‌کند چه دختر یا پسر، بنشینند و با هم چت کنند مسلماً نتیجه‌ای معقول‌تر می‌تواند به دنبال داشــته باشد؛ چرا که همراهی خانواده‌ها در چت کردن فرزندانشان به مراتب بهتر می‌تواند از بکار بردن الفاظ و کلمات نامناسب جلوگیری نماید.

البته جهت آگاهی بخشی پدران و مادران بی‌سواد اینترنتی همان پیشنهادی را داریم کــه بــرای باســواد کــردن و آمــوزش خوانــدن و نوشتن از نهضتی به نام نهضت سواد آموزی داشتیم که خیلی خوب هم در کشور ما جواب داد. ما باید کاری بکنیم که پــدران و مــادران تصور نکنند که دیگر نمی‌توانند سواد کامپیوتر و اینترنت را فراگیرند بلکه آنها هم می‌توانند منطبق با جهان امروز حرکــت نماینــد و ایــن کار هم نیاز به ایجاد نهضتی ملی و فراگیر دارد؛ چرا که تا آنها خــود با سواد نگردند نمی‌توانند در آگاهی بخشی فرزندانشان مؤثر باشند و خیلی راحت به بهانه استفاده درست از اینترنت توسط نوجوانانــشان فریب می‌خورند. البته ممکن است برای خیلی از خانواده‌ها نیــز ایــن مسأله بسیار خوشایند هم باشد که فرزندانشان به جای اینکه بیرون از منزل باشند در خانه حضور دارند و کمتر موجب نگرانی آنهاســت؛

اما غافل از این هستند که در خانه و با یک دنیا انسان می‌توانند در ارتباط باشند.[۱]

چت و کاربردهای صحیح آن باید معرفی شود

امروزه با رشد عرصه ارتباطات و فناوری اطلاعات، رسانه‌های الکترونیکی هم توسعه فزاینده‌ای دارند. چت یا اتاق گفتگو هم یکی از امکاناتی است که درصد بالایی از قشر جوان در سراسر دنیا را به خود مشغول کرده است. ولی آیا چت رسانه‌ای مطلوب است یا تهدید آمیز؟

چت می‌تواند در قالب رسانه‌ای جدی مطرح شود چت، گفت‌وگویی متنی است که می‌تواند در زمینه‌های مختلف باشد. اصولاً فلسفه ایجاد چت در ایران به گونه‌ای منفی برداشت شده است؛ چراکه اغلب گمان می‌کنند چت، بیشتر گفت‌وگوهای دوستانه و سلام و احوال پرسی را تعقیب می‌کند. اما چت هم مانند سایر شیوه‌های ارتباطی، کارکردهای مختلفی دارد. وقتی وارد محیط‌های چت می‌شویم، اتاق‌های گفت و گویی در حوزه‌های مختلف است که می‌توان بحث‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی و..... را به صورت دوستانه و خودمانی در آنها انجام داد.

---

(۱) www. ayandenegar. org

رسانه‌هایی که درصد عمده نشر اطلاعاتی را برعهده دارند و عامل مؤثر در فرهنگ سازی عمومی جامعه هستند باید چت و کاربردهای صحیح آن را به مردم معرفی کنند.

چت می‌تواند در قالب رسانه‌ای جدی مطرح شود به شرط آن که کارکرد آن جدی و شناخته شده باشد. چت مثل سایر ابزارهاست، و می‌تواند دارای آثار مثبت یا منفی باشد.

نکته مهم این است که فرهنگ آن باید ایجاد شود. ورود به هر عرصه ارتباطی ابتدا با جنبه سرگرمی همراه بوده، همان‌طور که sms نیز به همین صورت باب شده است و این مسأله اشکالی ندارد. عده‌ای از چت برای آزادی فکری خود استفاده می‌کنند که در این میں خانواده‌ها باید جوان‌های شان را از جنبه‌های منفی این رسانه مصون نگه دارند.

چت تا زمانی که مهار شود مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ اما وقتی به لایه‌های ضد اخلاقی و ضد اجتماعی برود، از هم گسیختگی روابط خانوادگی را در پی‌خواهد داشت. در این میان هر چه گسستگی روابط خانوادگی بیشتر باشد، این فناوری رواج بیشتری یافته و اوضاع روحی و روانی شخص را متراکم می‌کند و هرچه اعضای خانواده روابط گرمتری داشته باشند جایگاه چت کمرنگ‌تر می‌شود.

آری! باید با آموزش صحیح اقشار مختلف جامعه از کابردهای

مثبت چت، این فناوری را برای کارهای فراملّی، علمی و نوآوری‌های ارزشمند، مورد استفاده قرار داد.

فصل دوم

ماهواره

فرهنگ و تهاجم فرهنگی

«فرهنگ»، میراث گران‌بها و حاصل هزاران سال تلاش فکری، هنری و صنعتی نسل‌های گذشته یک ملت است. هر نسلی، اندوخته‌های فرهنگی و تجارب زندگی خویش را با شیوه‌های گوناگون به نسل بعدی منتقل می‌سازد. نسل بعد نیز اندوخته‌های خود را بر آن می‌افزاید و آن را به نسل بعد از خویش انتقال می‌دهد. این جریان، همواره در طول تاریخ ادامه داشته است؛ همان گونه که شخصیت یک فرد، حاصل تجربیات فردی او است و موجب امتیازش از دیگر افراد می‌شود، فرهنگ یک جامعه نیز حاصل هزاران سال تجربه تلخ و شیرین آن جامعه است و این فرهنگ جامعه است که هویت آن را شکل داده و آن را از جوامع دیگر، متمایز می‌سازد. این فرهنگ و فضای فرهنگی، چونان فضای اطراف، ما را کاملاً احاطه کرده و در تمام صحنه‌های زندگی فردی و اجتماعی خود، آن را لمس کرده و از آن تأثیر می‌پذیریم.

این فرهنگ، بسان هر کالای گران‌بهای دیگر، همواره در معرض خطر دستبرد راهزنان وشیّادان قرار داشته است؛به ویژه در قرن‌های اخیر که کشورهای قدرتمند و استعمارگر جهان، به دو دلیل عمده، سعی در انهدام و نابودی فرهنگ جوامع و ملل دیگر داشته‌اند:

الف) دست‌یابی به اغراض سیاسی و اقتصادی

استعمارگران برای آن که سرنوشت یک ملت را به دست گرفته، از منابع عظیم مادی و معنوی آنان به نفع خویش بهره‌برداری کنند، در گام نخست، تلاش می‌کنند تا موانع فرهنگی را که جدّی‌ترین مانع بر سر راه آن‌ها به حساب می‌آید، از سر راه خویش بردارند؛ بدین منظور، از ابزار و شیوه‌های گوناگون، به ویژه برنامه‌های به ظاهر جذاب ماهواره‌ای، فرهنگ بومی را تضعیف وفرهنگ خویش را ترویج می‌کنند. بدین ترتیب، مردم کشورهای مورد تهاجم، از فرهنگ خویش فاصله گرفته، با آن بیگانه شده و به فرهنگ بیگانه و استعماری روی می‌آورند.

ب) جهانی‌کردن فرهنگ غربی و آمریکایی

در سال‌های اخیر، برای سردمداران کشورهای سلطه‌گر، خود جهانی کردن فرهنگ غربی، اهمیت بسیاری پیدا کرده است. این نظر، علاوه بر استفاده از وسایل سیاسی، تبلیغاتی و صنعتی، با نظریه‌های شبه علمی نیز پشتیبانی می‌شود. مثلاً، نظریه «دهکده جهانی» مک لوهان و امثال آن، با صراحت سعی بر آن دارد که زمینه را برای پذیرش فرهنگ غربی مساعد کرده و از حساسیت‌هایی که ممکن است در مقابل آن ابراز شود، بکاهد.

بنابراین، در اثر این حمله فرهنگی دشمن، مردم نخست دچار شک و تردید در مثبت بودن فرهنگ ملی و دینی خود شده و باورهایشان را نسبت به کارایی فرهنگ خویش از دست می‌دهند و

سپس، به تدریج، آماده تمایل و جذب فرهنگ بیگانه ـ دست کم جنبه‌هایی از آن ـ می‌شوند. و همهٔ اینها، حاصل برنامه‌های حساب شده ماهواره است.[1]

دشمن آشکار و تهاجم خاموش

عصری که درآن قرار داریم، عصر ارتباطات وعصر سلطه پدیده رسانه بر زندگی انسان‌هاست. بی‌گمان برنامه‌های رادیویی وتلویزیونی موفق شده‌اند افکار وعقاید انسان‌های بی‌شماری را دستخوش تغییر سازند. تمدن منحط غرب برای ترویج سکولاریسم اقدام به تأسیس هزاران شبکه رادیویی وتلویزیونی کرده‌اند که به صورت شبانه روزی برنامه‌های گوناگونی را با این هدف پخش می‌کنند. متأسفانه دست یابی به این شبکه‌ها درکشور ما به سادگی امکان‌پذیر است؛ زیرا امکان تهیه ودریافت وسایل ماهواره‌ای با سهولت وقیمت نازل فراهم آمده است. باید توجه داشت که وقتی سخن از ماهواره به میان می‌آید، ابتدا مسائل ضد فرهنگی آن جلب توجه می‌کند، سپس مسائل سیاسی، علمی و ورزشی ایفای نقش می‌نمایند. بیشتر شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای، دریک تقسیم بندی معمولی، به شبکه‌های سیاسی وغیر سیاسی تقسیم می‌شوند

۱ـ ماهنامه دیدار آشنا:شمارهٔ ۶۵.

که بر اساس تحقیقات به عمل آمده تمامی این شبکه‌ها، باوجود هدف‌ها و سلیقه‌های گوناگون، درهجوم به مبانی دینی به طور جدی اشتراک دارند و هرکدام بامأموریتی خاص به مقابله با اسلام برخاسته‌اند. این هجوم اگر چه آرام و خاموش آغاز شده، اکنون شکل وسیع وجدّی‌تری یافته است وبسیار حساب شده، اصول وپایه‌های اعتقادی مردم را هدف قرارداده و با دقت ماهرانه‌ای تمام گروه‌های مختلف جامعه را در برگرفته است.

فن آوری ماهواره وآمار تقریبی آن

ابتدا چنین به نظر می‌رسد که پیشرفت رسانه‌های ماهواره‌ای مطلقاً و بی‌قید و شرط، پدیده‌ای مطلوب است و برای تحقق دهکده جهانی، ضرورت تام دارد، حل [illegible] چندین ساله، معلوم شد که برخی از پی‌آمدهای [illegible] فرهنگی به شدّت آسیب‌زاست .

آلوین تافلر، نویسنده ومنتقد اجتماعی، می‌نویسد: «تکنولوژی ماهواره‌ای و دیگر رسانه‌های جدید، فرهنگ‌های ملی را از هم می‌پاشند و این ارتباط متقاطع، به هر حال تهدیدی است برای هویت ملی که حکومت‌ها برای مقاصد شخصی خود، سعی درحفظ و انتشار آن دارند».[1]

---

[1] ـ آلوین تافلر، *جابه‌جایی در قدرت*، ترجمه: شهین دخت خوارزمی، ج۲، ص۶۵۳.

گفتنی است، فرایند ارتباطات از راه دور و استفاده از ماهواره و دیگر رسانه‌های گروهی برای پخش امواج در سطح گسترده، شمشیری دو لبه است که می‌تواند پی‌آمدهای مثبت و منفی را به دنبال داشته باشد. الگو گزینی نوجوانان و جوانان از رسانه‌های تصویری در دهه‌های اخیر توجه پژوهشگران روان‌شناسی را به خود جلب کرده است. طبق آمار، درسال ۱۳۷۷از جمعیت ۶۷ میلیونی کشور، حدود ۳۵ درصد نوجوانان وجوانان به تلویزیون ماهواره‌ای دسترسی داشته و روزانه بین ۲تا۳ساعت برنامه‌های این تلویزیون را تماشا می‌کردند. بالاترین میزان بهره‌مندی، روزانه ۴/۵ساعت و پایین‌ترین آن روزانه ۱ساعت برآورد شده است.

طبق آمار، ۷۳درصد از جوانان مراکز استان‌ها به راحتی به ماهواره دسترسی دارند. جوانان تهرانی در استفاده از ماهواره رتبه نخست را دارند و پس از آن جوانان شهرها وروستاهای چهارمحال بختیاری و آذربایجان، رتبه‌های بعدی را کسب کرده‌اند. خوزستان، سیستان وبلوچستان، یزد، خراسان و اردبیل در رتبه‌های بعدی کاربران ماهواره قرار می‌گیرند[۱].

رویکرد نامناسب به ماهواره‌ها

امروزه برخی جوانان زمان زیادی از شبانه روز را به تماشای

۱ ـ ماهنامهٔ نقد سینما، شمارهٔ۱۴، تابستان ۱۳۷۷، ص۶۳.

برنامه‌های ماهواره‌ای اختصاص می‌دهند و همین امر سبب سستی نظام بیشتر خانواده‌های ایرانی شده است. برخی کارشناسان معتقدند امروزه جوانان وسایل ارتباط جمعی ساده؛ همانند تلویزیون و یا ویدئو را جوابگوی نیازهای خود نمی‌دانند؛ به همین علت همیشه به دنبال راهی هستند که با وسایل مختلف، با دنیای بیرون از خود در ارتباط باشند. برنامه‌های ماهواره‌ای زمینه ساز مفاسد اخلاقی و اجتماعی است و بیشتر از آنکه برای نسل امروز و به طور کلی مردم، مفید باشد، خطرناک ومضر است.

یک آسیب شناس اجتماعی درباره پیامدهای ماهواره بر روی جوانان می‌گوید: « با وجود اینکه برنامه‌های ماهواره‌ای محتوای علمی و آموزنده نیز دارند، امروزه بیشتر جوانان، ماهواره را برای استفاده از برنامه‌های علمی آن انتخاب نمی‌کنند و بیشتر تمایل به دیدن برنامه‌هایی دارند که آنها را در رسانه‌های داخل کشور نمی‌یابند و در واقع به خاطر برنامه‌های مبتذل و مستهجن، از ماهواره استفاده می‌کنند که زمینه انحراف و سقوط اخلاقی در این برنامه‌ها برای قشر جوان بسیار زیاد است»[۱].

چه زیبا فرموده است رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ : «کیف بکم اذا رأیتم‌المنکر معروفا؛چه می‌شود شما را؟!

[۱] ـ برگرفته از سایت اینترنتیwww. nyoir. com.

آن گاه که ناپسند را پسندیده می‌شمارید و بد را خوب می‌بینید»[۱].

اشاعه فحشا و بی‌بندوباری

بدون شک ارائه تصویرهای مستهجن و مبتذل و خلاف عفت عمومی از طریق ماهواره و نمایش آنها، یکی از عوامل گسترش بی‌بندوباری و به فساد کشاندن جوانان است.

دشمن که همواره اشاعه فرهنگ دینی و اعتقاد به خداوند ومعنویات را مانع اصلی هدف‌های خود می‌بیند، برای کم رنگ کردن این اعتقادات، با ایجاد خلل در اعتقادات قشر جوان، در به انحراف کشاندن و بی‌هویت کردن آنان می‌کوشد.

قرآن کریم درباره خطر اشاعه زشتی‌ها در جامعه اسلامی هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

« اِنَّ الذین یُحِبّون أن تَشیع الفاحشه فِی الّذین آمنوا لَهُم عذابٌ اَلیم فِی الدنیا وَالآخر ❖ وَاللّه یَعلَمُ وَاَنتُم لاتَعلمون؛ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است وخداوند می‌داند وشما نمی‌دانید»[۲].

در واقع از دیدگاه و منطق قرآن، بازگو کردن زشتی‌ها و ارائه

---

۱ ـ *وسائل الشیعه*: ج ۱۱، ص ۳۹۶.

۱ـ سورهٔ نور: آیهٔ ۱۹.

وترویج آنها، نهی شده است؛زیرا موجب آشکار سازی زشتی‌ها و برملا شدن آنها می‌شود. امام رضا ﷺ می‌فرمایند: «آن کس که گناه را نشر دهد، رانده است و آن کسی که گناه را پنهان می‌دارد، مشمول آمرزش الهی است»[۱].

شبکه‌های ماهواره‌ای در قالب میان برنامه‌ها و آگهی‌ها، مظاهر ضد اخلاقی را تبلیغ می‌کنند و این رسانه، همچون دیگر ابزار پیشرفت می‌تواند به آرمان‌های تعالی بخش انسان‌ها و جوامع خدمت یا خیانت کند که در حال حاضر، بیشترین خیانت ماهواره در ایجاد و رواج فساد و فحشا در میان جوانان است.

انواع برنامه‌های ماهواره‌ای

می توان برنامه‌هایی را که از طریق ماهواره پخش می‌شود، به دو دسته تقسیم کرد:

۱. برنامه‌هایی که اطلاعاتی را از فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون به ما می‌دهد؛ از قبیل اخبار، گزارش، فیلم‌های مستند اطلاعات علمی و مانند آن.

۲. برنامه‌های مبتذل اخلاقی، مذهبی و سیاسی در قالب مصاحبه، فیلم و گزارش.

می‌توان به دسته اول، از زاویه روابط میان فرهنگ‌ها نگاه کرد و

---

۱ ـ *اصول کافی*: ج۷، ص۳۲۸.

به دسته دوم، از زاویه تقابل میان فرهنگ‌ها.

برنامه‌های دسته دوم، مورد اعتراض کارشناسان خارجی نیز واقع شده؛ زیرا بسیاری از شبکه‌های ماهواره‌ای، به جای دولت، در اختیار بخش خصوصی است و غالب آن‌ها برای جلب مشتری بیشتر، به تهیه این گونه برنامه‌های تخریبی مبادرت می‌ورزند.

بدیهی است که در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره، مطالب جالب و موضوعات مفیدی نیز مطرح می‌شود؛مثل نحوه پیش‌گیری یا مهار حوادث و بلایای طبیعی، و پیش بینی وقوع زلزله و..... [1] اما واقعیت این است که در برنامه‌های دسته نخست نیز اخبار و گزارش و حتی فیلم‌های آموزنده با القای اندیشه‌های خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و شگردهای گوناگون خبر پراکنی و سانسور و بزرگ نمایی در موارد دلخواه، تجزیه و تحلیل‌های نادرست و تحمیل فرهنگ پوچ غربی همراه است.

درباره برنامه‌های دسته دوم، کافی است به چند گزارش در این زمینه توجه شود:

«یکی از مسلمانان هندی در نامه‌ای به روزنامه اردو زبان (revolution) نوشته است: امروز ماهواره‌ها مشکل کسانی را که به خاطر حفظ آبرو، زنان و دختران خود را به سینما نمی‌برند دوچندان کرده است؛ چون فسادی که در سینماها محبوس بود، اینک به

۱ ـ ماهنامهٔ تدبیر: سال سوم، شمارهٔ ۲۹، ص۵۲.

داخل خانه‌ها آمده است و ماهواره‌ها، زنان برهنه و یا نیمه عریـان را که در آغوش مردان جای گرفته‌اند، به نمایش می‌گذارند و ما نیز بـا محارم خود در خانه‌هایمان به تماشای آن‌ها می‌نشینیم. مردم دنیـا، تحت پوشش هنر، این گونه هنرپیشه‌ها را ارج می‌نهند؛ اما آن‌هـا در واقع، عزّت و آبرو ندارند. این برنامه‌هـای تلویزیـونی، مـسلمانان را از مذهب و دین دور می‌کند و لذا، قبل از هر کاری باید این شیطان را از خانه دور انداخت و کمی هم به فکر آخرت افتاد»[1].

یکی از روزنامه‌هـای کـشور عربـستان بـه نـام «المـسلمون» در سلسله گزارش‌های خود با عنوان«مهاجمان از پشت بام‌ها می‌آیند»، پیامدهای بسیار منفی این گونه برنامه‌ها را از زبان متخصصان مطرح می‌کند[2].

برای پی بردن به محتوای برنامه‌های جذاب ماهواره‌ای که هـدف عمده پیام‌های مـاهواره‌ای اسـت، کـافی اسـت ببینـیم رقابـت ایـن برنامه‌ها در چیست؟ آیا جز در مجموعه‌های تلویزیونی و فـیلم‌هـای سینمایی و سرگرم کننده است؟ این بدان معناست کـه برنامـه‌هـای ماهواره‌ای، عمدتاً علمی و آموزشی نیست؛ از این رو، تبلیغات غربی، مبنی بر این که منع استفاده از ماهواره، به منزله مخالفت با آزادی و برنامه‌هـای علمـی اسـت، بـی اسـاس اسـت؛زیرا مـسأله ممنوعیـت

---

۱ ـ مجله مجلس وپژوهش: شمارهٔ ۱۱، ص۲۷.

۲ ـ « مهاجمان از پشت بام می‌آیند»، مجلهٔ سروش، شمارهٔ ۶۳۲.

آنتن‌های ماهواره‌ای، ممنوع کردن بخشی از معارف و یا فنون بشری نیست، مسأله اتخاذ تصمیم درباره یک «هجوم فرهنگی و سیاسی حساب شده» است.

شگردهای تبلیغی هنری برای نفوذ

به شگردهای گوناگون تبلیغی در برنامه‌های ماهواره‌ای، به اختصار اشاره می‌کنیم تا مشخص شود، آیا این برنامه‌ها به رشد جوامع بشری کمک می‌کند یا انحطاط اخلاقی آن‌ها را تسریع می‌بخشد:

خبر و گزارش

با دقت در اخبار و گزارش‌ها و هم چنین مصاحبه‌هایی که در واقع، منابع اطلاعاتی بینندگان تلویزیون‌های ماهواره‌ای هستند، در می‌یابیم که آن‌ها همواره در انتخاب اخبار، سیاست «سانسورحقایق» را به شدت دنبال می‌کنند؛ از آن جمله:

بزرگ نمایی واقعیت‌های کوچک برای پنهان کردن واقعیت‌های بزرگ‌تر؛

انکار یا حذف بخشی از حقایق یک موضوع برای تحریف همه آن حقیقت؛

بیان یک حقیقت، همراه با تجزیه و تحلیل ویژه آن، برای تخریب

اصل موضوعی دیگر؛

اظهار یک حقیقت و ترکیب آن با دروغ‌های گوناگون، برای محو آثار و پی‌آمدهای آن حقیقت؛

انتخاب واژه‌های منفی برای بیان یک حقیقت ارزشمند، با هدف ایجاد دافعه در شنوندگان، نسبت به آن حقیقت؛

القای اندیشه‌های خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، تاریخی و علمی، در قالب «خبر و گزارش»

تخریب شخصیت‌های مفید و ترویج عناصر فاسد، به وسیله انتشار مطالبی درباره آن‌ها.

هر کس با این منابع به اصطلاح خبری مرتبط شود، گرچه فقط اندکی از دروغ پراکنی‌ها وتحریفات آن‌ها را به مرور زمان باور کند و اندیشه‌های خود را بر اساس آن بنا نهد، خواسته یا ناخواسته از اهداف آن‌ها پیروی خواهدکرد؛ بویژه با توجه به برخی اصول روان شناسی، در شکل‌گیری برداشت‌ها که حتی اگر اطلاعات درست بعدی هم در اختیار مخاطبان قرار گیرد، اطلاعات نادرست اولیه اثر خاص خود را خواهد بخشید.

برنامه‌های ورزشی یا نمایشی؟!

برنامه‌های ورزشی، بخش عمده‌ای از محتوای شبکه‌های ماهواره‌ای را تشکیل می‌دهد که توجه به نکات زیر، در بررسی آن‌ها

ضروری است:

۱. غالب این برنامه‌ها، بیش از آن که « ورزش» را ارائه دهد، بر جنبه‌های « نمایشی» تکیه می‌کند؛

۲. هنگام پخش برنامه‌های ورزشی و در لابلای آن، ترویج الگوهای لباسی و دیگر وسایل ورزشی، رقص و آواز، پخش شعارهای منفی بسیار دیده می‌شود؛

۳. از ورزش‌کارانی که از نظر افکار و اعمال، فاسد و ناشایسته‌اند، بت ساخته می‌شود که این امر، خطر عمده‌ای برای نسل جوان در پی دارد؛

۴. برهنگی زنان در قالب ورزش، به نحوی که زن ورزشکار در ذهنیت بیننده تنها در پرتو برهنگی او پذیرفته می‌شود و به مرور زمان، برهنگی زنان برای بینندگان، مقبول و بدیهی می‌نماید؛

۵. ورزش، هدف اصلی مطرح می‌شود و در نتیجه، پیروزی در آن، پیروزی در همه چیز و باخت در میدان ورزش، از دست دادن همه چیز تلقی می‌شود.

میزگردها و بمباران فرهنگی

مباحث اجتماعی و فرهنگی و حتی مسائل دینی و اخلاقی در قالب‌های«مصاحبه»، «طرح نظریه»، «میزگرد»، «نظرسنجی»، «توضیح کارشناسان» و مانند آن، پی آمدهای ویرانگری به همراه

دارد و نمی‌توان آن را تبادل فرهنگی نامید؛زیرا گویندگان این برنامه‌ها متکلم وحده هستند و مخاطبان، فقط شنونده و بیننده. آن‌ها هرگز افکار و نظریات مخاطبان را منعکس نمی‌کنند؛بلکه چنان بیننده را با نظریات مشابه و رنگارنگ، بمباران فکری می‌کنند که فرصت تأمل و مقایسه حق و باطل را از او می‌گیرند.

فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی

فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی که بیش‌ترین بیننده را از طیف‌های گوناگون در سراسر جهان دارد، عمدتا ترکیبی از چند موضوع و عامل را در قالب‌های گوناگون عرضه می‌کنند:

۱. خدشه دار کردن هر آن چه برای انسان‌ها تا کنون مقدس و خدشه ناپذیر بوده است.

۲. محور قرار دادن برهنگی زنان و شهوت گرایی مردان و خلاصه کردن رابطه زن و مرد به مسأله لذت جنسی.

۳. القای نا امیدی از آینده بشریت و ایجاد یأس از روند تاریخ و حرکت جوامع بشری .

۴. ایجاد ترس و وحشت در بیننده در اثر تماشای صحنه‌های هولناک با بهره‌گیری از تغییر نور و رنگ تصاویر و پخش آهنگ‌های هیجان آور به منظور تحریک اعصاب بینندگان تا در نهایت، اراده و استحکام روانی را از او سلب کنند.

۵. توجیه خشونت‌های وحشیانه به مثابه راه حل نهایی برای رفع اختلافات میان آدمیان، حتی در قالب فیلم‌های کارتونی و بازی‌های رایانه‌ای.

۶. عادی نشان دادن توطئه‌های رنگارنگ، فتنه‌گری‌ها، کلاهبرداری‌ها و همه رذایل اخلاقی، در قالسب ارتباط میان شخصیت‌های فیلم‌ها که پدیدآورنده بدبینی و سوء ظن در بیننده نسبت به دیگران می‌شود.

۷. ترویج فحشا و منکرات در زشت‌ترین نوع آن در قالب داستان‌های جذاب و به کمک توجیهات روان شناسانه، نظیر انواع تجاوزات جنسی، هم جنس بازی و..... .

۸. ایجاد نا امیدی نسبت به اجرای ارزش‌های انسانی و فضایل اخلاقی در جوامع بشری.

۹. القای برتری‌های نژادی یهود بر دیگران و تحریک قوم‌ها و نژادها و ملت‌ها علیه یکدیگر.

۱۰. القای برتری غربی‌ها در برابر شرقی‌ها و یا القای برتری نظام‌های سیاسی غرب در برابر غیر آن و ترویج افکار انسان مداری به جای خدا محوری در برابر اندیشه‌های الهی که در بسیاری از فیلم‌ها جلوه‌گری می‌کند.

تقابل فرهنگ دینی و غربی در برنامه‌های ماهواره‌ای

توجه به نمونه‌هایی از فرهنگ مهاجمان، ادعای ما را تأیید

می‌کند:

ـ در فرهنگ ما پوشیدگی ارزش است؛ در فرهنگ غربی، برهنگی ارزش و عامل ارتقای شخصیت زن می‌باشد؛

ـ رازداری و پرده پوشی در مسائل شخصی برای ما یک فضیلت است؛ در برنامه‌های تلویزیونی غرب، افشاگری و پرده‌دری، نشانه شجاعت و استحکام شخصیت افراد به شمار می‌رود؛

ـ ما عفاف و پرهیز از جلوه گری زنان را ارج می‌نهیم؛ آن‌ها جلوه گری و خودآرایی زنان را بالاترین امتیاز تلقی می‌کنند؛

ـ ما تفاهم، حفظ آرامش و صلح را در میان افراد، اعم از پیران، جوانان و کودکان، در کنار پیروی از ارزش‌های دینی ضروری می‌شناسیم؛ اما آنان همواره در پی طرح اختلاف و تضاد میان نسل‌های جامعه هستند و تشنج‌گرایی را با پیروی از اصل« تکیه بر تضاد و تضارب مبان نسل‌ها» دنبال می‌کنند؛

ـ ایثارگری و حفظ منافع دیگران در مکتب و فرهنگ ما ارز ش والایی دارد؛ ولی در فرهنگ غرب، فردگرایی و امتیاز طلبی، محور همه کارها است؛

ـ ما کمال جویی، ارزش‌گرایی و معنویت طلبی را موجب سعادت می‌دانیم؛ آن‌ها بیننده را به سوی سرگرمی‌های بی ارزش، لذت‌های زود گذر، رؤیاهای دروغین و مادی‌گری محض سوق می‌دهند؛

ـ برای ما «عشق»، جلوه‌ای آسمانی دارد؛ اما آنها عشق را در

حیوانی‌ترین مرحله ممکن، تعبیر و تفسیر می‌کنند؛

ـ خلاصه آن که، همت ما در شکوفایی استعدادهای خدادادی انسان‌ها، تقویت قوّه عقلانی وتهذیب نفسانی است؛ در حالی که تلاش غربی‌ها برخاسته از فرهنگشان در تحریک قوای نفسانی وتخریب نیروهای فطری و الهی بشر می‌باشد.

از ژاپن بیاموزیم!

به طورکلی، در بسیاری از فرستنده‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، مسائلی مطرح می‌شود که انسان از بیان آن‌ها شرم می‌کند. این برنامه‌ها تهدیدی علیه عفت عمومی، اخلاق اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، اقتصاد ملی و کانون گرم خانوادگی، همراه ایجاد تنش‌های روانی و مشکلات خانوادگی و پی‌آمدهای منفی اجتماعی و در نهایت، تهدید علیه امنیت ملی هستند.

از این رو، در کشورهایی مثل ژاپن، ممنوعیت ماهواره به سختی اجرا می‌شود. با این که ژاپنی‌ها از کشورهایی بودند که نزدیک به نه سال، ماهواره شان بر فراز کره جنوبی، فقط فرهنگ ژاپنی را تبلیغ می‌کرد؛ ولی با این حال، خودشان به هیچ وجه، حاضر نیستند امواج ماهواره‌های آمریکایی ـ اروپایی را در کشورشان تحمل کنند[1].

۱ـ ر. ک. ماهنامه دیدار آشنا، شماره ۶۵.

پیامدهای منفی ماهواره در ابعاد مختلف

۱. گذراندن وقت بیش‌تر برای تماشای ماهواره، نشان دهنده علاقه کم تر به مطالعه است و به احتمال زیاد، فرد را تنبل و از نظر روانی، منفعل بار می‌آورد، فعالیت ذهنی را کند و روح انسان را مسخ می‌کند. ماهواره، مُبلّغ پرخاش‌گری و ستیزه‌جویی است و گاه انسان را به ترس از خشونت واقعی مبتلا می‌سازد؛ بدین معنا که فرد از جنگ و مبارزه واقعی می‌هراسد.

۲. تماشای تصویرها وفیلم‌های مبتذل، کم کم انسان را معتاد می‌کند؛به گونه‌ای که اگر فرد روزی به سراغ ماهواره و عکس‌های مبتذل آن نرود، در زندگی خود احساس کمبود می‌کند و حالت کسالت به او دست می‌دهد.

۳. تماشای صحنه‌های مبتذل، ذهن و اندیشه انسان را تسخیر می‌کند. فردی که خود را به دیدن این گونه تصویرها عادت داده است، به کار وفعالیت سازنده اقتصادی بی‌رغبت می‌شود.

۴. ماهواره، موجب از بین رفتن حجاب‌های اخلاقی و دینی از بسیاری مسائل، به ویژه در زمینه‌های جنسی و خشونت می‌شود. در گذشته، دنیای ناشناخته و اسرار آمیز زندگی بزرگسالان، آن‌ها را از کودکان و نوجوانان متمایز می‌ساخت و به عبارت ساده‌تر، این تفکیک، بر پایه شرم استوار بود. کودکان و نوجوانان، درباره مسائل

جنسی، پول، خشونت، بیماری، مرگ و نظایر آن، لب فرو می‌بستند؛ اما به تدریج و با کسب آگاهی‌های جدید از راه ماهواره، همه آن رازداری‌ها به فراموشی سپرده می‌شود.

۵. بلوغ زودرس، از دیگر پی‌آمدهای دیدن چنین تصویرهایی به شمار می‌رود. به طور طبیعی، اگر نوجوان یا جوانی که چنین صحنه‌هایی را می‌بیند، شرایط ازدواج وتشکیل زندگی زناشویی را نداشته باشد، خواهد کوشید عطش کاذب خود را از راه‌های دیگر فرو نشاند. این جاست که مشکلات اخلاقی دیگری مانند روابط نادرست و..... پدید می‌آید.

۶. کودکان و نوجوانان، به علت هزینه کردن وقت زیادی برای تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای که تا پاسی از شب ادامه می‌یابد، صبح‌ها با تاخیر به کلاس درس می‌آیند و خواب آلود هستند؛ در نتیجه، بیش‌تر این افراد، عملکرد نامطلوبی در مدرسه دارند.

۷. نقش ماهواره در تغییر ماهیت افکار عمومی پیرامون مسائل سیاسی و اقتصادی، قابل توجه است. تصمیم‌گیری و اظهار نظر افراد در این زمینه‌ها، برخاسته از احساسات ناشی از تبلیغات است؛ زیرا تماشای تصاویر، قدرت تفکر وتعمق را از فرد سلب می‌کند و در عوض، روند تصمیم‌گیری او را با احساسات و عواطفی که از تماشای

تصاویر به وجود می‌آیند، تحت تاثیر قرار می‌دهد.

۸ . ماهواره، واقعیت‌ها را آن طور که باید و شاید به تصویر نمی‌کشاند. گاهی، بنگاه‌های استعماری و..... هستند که مسائل را بزرگ و کوچک می‌نمایند و به افراد، مجال تامل و تفکر و آزادی بیان جزئیات را نمی‌دهند؛ زیرا رابطه میان ماهواره و مخاطب، رابطه‌ای یک سویه است و در این فرآیند پیام رسانی، تعیین نوع پیام‌ها و آگاهی‌ها، در اختیار فرستنده است و گیرنده پیام، به گونه‌ای خنثی و منفعل آن را دریافت می‌کند.

۹. همان گونه که اعتیاد به مواد مخدر، ویران‌گر بنیادهای اخلاقی و خانوادگی و اجتماعی است، استفاده و اعتیاد به برنامه‌های مخرب ماهواره‌ای نیز ارزش‌های اخلاقی و خانوادگی و اجتماعی را به شدت تهدید می‌کند و بسیاری از افرادی که زمان زیادی از شبانه روز را به تماشای برنامه‌های ضد اخلاقی ماهواره و اینترنت اختصاص می‌دهند، به یقین، از همین راه، به انحراف‌های گوناگون، آلوده می‌شوند[۱].

نمونه‌ای از تأثیر ویرانگر ماهواره بر خانواده ایرانی

اکنون داستان زندگی خانواده‌ای را ورق می‌زنیم که از پیامدهای

---

۱ ـ ر. ک. ماهنامهٔ دیدار آشنا: شمارهٔ ۶۵.

زیان بار ماهواره در امان نمانده‌اند وتا سراشـیبی پرتگـاه فنـا پـیش رفته‌اند. پدری می‌گوید: «خیلی وقت‌ها آدمی می‌ماند کـه چـه کـار کند، آن هم در شرایطی که همه نوع فرهنگ به وسیله فن‌آوری، به طور غیر مستقیم به مغز انسان می‌کوبد که « انتخاب کن!» من هـم به ارزش‌های فرهنگی خودمان بسنده نکردم و به این فکر افتادم که ماهواره تهیه کنم؛ هرچند از زیان‌های این مار خوش خط و خال، در رسانه‌های همگانی چیزهایی شنیده بودم. خلاصـه آنـتن مـاهواره را تهیه کردم و کـار مـا شـب و روز تماشـای تلویزیـون و کانـال‌هـای گوناگون ماهواره بود؛ از فیلم‌های خشن گرفته تا صحنه‌های مبتـذل و شرم‌آور. در این حال، رفـت و آمـد دختـر بـزرگم بـه خانـه مـا و تماشای ماهواره، او را نیز وسوسه کرد تا شوهرش را به خریـد آنـتن وادار سازد. پس از گذشت چنـد روز اختلافـات دختـر و دامـادم بـه گوشم رسید. معلوم شـد کـه دختـرم بـا تقلیـد از هنـر پیـشه‌هـا و خواننده‌های غربی هر روز در پی مد و لباس و آرایش و خواسته‌های دیگر است. کار از کار گذشته بود که دخترم خانه‌اش را به حالت قهر ترک کرد. از سوی دیگر پسر شانزده ساله‌ام در غیاب من، دوستانش را به دیدن فیلم‌های ماهواره‌ای دعوت می‌کرد. در میان همسایه‌ها و فامیل انگشت نما و رسوا شده بودم. پسرم هر روز در پی مد و لباس بود و پول مـی‌خواسـت تـا خـود را بـه شـکل تیـپ‌هـای مـضحک

ماهواره‌ای در آورد. کار به جایی رسید که پسرم رو در روی من ایستاد و احترام پدر و فرزندی را کنار گذاشت. بسیار تندخو، بد اخلاق و بی‌شرم شده بود. دیگر از کنترل من بیرون رفته بود. در این اوضاع و احوال، دعوا و بد دهانی و ناسازگاری شبانه روزی من و بچه‌ها، خانه را به صورت جهنّمی سوزان و گردابی مهلک در آورده بود. پس از مدتی پسرم از خانه رفت و تا چند وقت نیامد. به دنبالش رفتم و او را در وضعی اسف بار و آلوده به مواد مخدر یافتم. پسرم به کلی دگرگون شده و جوانی‌اش را بر باد داده بود. آتشی را که با دست خود افروخته بودم، شیره جانم را سوزاند و خاکستر کرد. دیگر پاهایم سست شده و از خود بیزار بودم. راهی برای نجات نمی‌یافتم. یکی از همسایگان که گویا از دور شاهد نابود شدن خانواده ما بود، به دیدنم آمد و پیشنهاد کرد که اول آنتن و وسایل ماهواره را جمع کنم. در اولین فرصت ماهواره راجمع کردم؛ وسیله‌ای که در خفا و در پس پرده و دور از چشم مردم و قانون درخانه جا داده بودم، چنان جلوه گری کرد که عالم و آدم با خبر شدند. تصمیم به خود سازی و باز سازی کانون خانواده‌ام گرفتم. از دخترم نیز خواستم که به زندگی‌اش باز گردد و به آنچه دارد، قانع باشد.

به دنبال پسرم رفتم و او رابه خانه برگرداندم و زیر بال و پر خود گرفتم. به لطف خدا واراده خودمان، آفتابی دوباره درزندگی ما طلوع

کرد و کانون خانواده ما را دوباره گرمی بخشید»[۱].

آری، ماهواره که حامل پیام فرهنگ مبتذل غرب است، اثر ویران کننده‌ای بر رفتار و پرورش کودکان و نوجوانان وجوانان دارد و بر خانواده‌هاست که خود را از آثار ویرانگر این پدیده شوم در امان نگه دارند.

ماهواره و نگرانی خانواده‌ها

پدیده ارتباطات و عنصر ملموس آن به نام گیرنده‌های ماهواره‌ای علیرغم دسترسی آسان در جوامع مختلف، اثرات گوناگونی بر جای گذاشته و به منزله تیغ دودمی است ک، چنانچه برخورُد مناسبی با آن صورت نگیرد، فرهنگ منحط غرب که در صدد تسلط و نفوذ در دیگر جوامع است. اثرات خود را از طریق امواج ماهواره‌ای بر جای خواهد گذاشت. استفاده از گیرنده‌های ماهواره در سطح بسیار پایین در شهرهای بزرگی چون تهران مرسوم است و عدم برخورد با این وسیله غیر قانونی مشکلاتی را برای خانواده‌ها و اجتماع به وجود آورده است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. گرچه کشیدن حصار در عصر ارتباطات غیرممکن است؛ اما استقبال فله‌ای و منفعلانه از

---

۱ ـ *رسانه، آیینه اسوه‌ها*، اکبر ساجدی، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، فصل هفتم، ص۵۷ و ۵۶.

فرهنگ غرب هم عقلایی نیست؛ زیرا تفکر، اندیشه و ایدئولوژی ما مسلمانان و فرهنگ ملی ما مشخصه‌ها و چارچوب‌هایی دارد که خارج شدن از آن به منزله سقوط و انحطاط است. در چند سال اخیر دگرگونی و رویکردی در اجتماع به وجود آمده که این رفتارهای ناهنجار بی‌تاثیر از اثرات تصاویر ارسالی ماهواره‌ها نیستند؛ به طوری‌که بعضی‌ها راه رفتن خود را هم از ماهوارها می‌گیرند و گسترش این نوع رفتارها و هنجارشکنی‌ها می‌تواند در پرونده فکری آینده جامعه جوان ما تاثیر گذار باشد. شاید در نگاه اول و پوسته سطحی جامعه ما این باور وجود داشته باشد که عده‌ای از مردم با ماهواره مخالفتی ندارند؛ اما قشر زیرین و هسته اصلی جامعه و خانواده‌ها پیوسته از اثرات تخریبی و جنبهٔ ویرانگر ماهواره نگرانند، در این زمینه با شهروندان از اقشار مختلف به گفت‌وگو می‌نشینیم:

خانم ف ـ طاهری یک مادر است در پاسخ به این سئوال که آیا ماهواره اثرات تخریبی بر روی خانواده‌ها دارد یا خیر؟ می‌گوید: من به عنوان یک مادر پیوسته نگران هستم که آینده بچه‌های ما چه می‌شود. او می‌گوید: من دختر بزرگ دارم، گرچه از این قضیه مبرا هستیم ولی اثرات تخریبی آن را در جامعه در خیابان‌ها می‌بینیم و دخترم در انتخاب و پوشش الگوهای لباس، با آنچه که عرف عمومی جامعه و مبتنی بر فرهنگ اسلامی ماست تضاد دارد. این مادر

می‌گوید: ما زندگی سطح پایینی داریم؛ ولی مراوده‌های جامعه و این ارتباطات باعث شده است که خانواده‌ها مهار زندگی را از دست بدهند.

یک معلم می‌گوید: یک تکنولوژی وقتی وارد جامعه‌ای می‌شود بار فرهنگی خود را به همراه می‌آورد. در خصوص ماهواره و اثرات سوء آن باید بگویم؛ همین بس که بسیاری از بچه‌ها حرف ما را گوش نمی‌کنند؛ بطوری‌که بین باورهای ما و باورهای بچه‌های ما شکاف عظیمی ایجاد شده است و فکر می‌کنم که ناشی از همین ماهواره‌هاست. این شهروند می‌افزاید: خانواده‌ها سعی می‌کنند از ماهواره استفاده نکنند؛ ولی در ارتباطات اجتماعی بین بچه‌های ما در کوچه و خیابان و مدرسه و دانشگاه این بده و بستان‌ها وجود دارد و بی‌خبر از تصاویر ارسالی ماهواره‌ها نیستند و همان قشر محدودی که گیرنده ماهواره دارند، اثرات مخرب خود را بر جامعه می‌گذارند.

احمدی یک کارمند است که می‌گوید: ما معتقد به جمع‌آوری گیرنده‌های ماهواره هستیم؛ البته در این دو دهه ما شاهد بودیم با هر پدیده‌ای که برخورد قهری شد، اشتیاق بیشتر گردید؛ لذا مشکل ما ماهواره و..... نیست، مشکل این است که در بسیاری موارد دچار افراط و در جاهای دیگر، دچار تفریط شدیم و این برای جامعه ضرر

دارد.

این شهروند می‌افزاید: ما در بعد فرهنگی کار خاصی نکردیم، مسؤولان گفتند: نباید این طور بشود نباید آن طور بشود. در واقع حرف زدیم و عمل نکردیم. ماهواره آمد و وارد زندگی‌ها شد، و صد در صد اثر تخریبی خود را بر جای گذاشته است و شما می‌توانید مظاهر این تخریب را در جامعه ببینید.

محمد رضا ـ ب یک روزنامه نگار است که می‌گوید: اثرات سوء این پدیده را نمی‌توان در جامعه کتمان کرد وقتی در یک فیلم سینمایی، یا شوی تلویزیونی یک لباس یا موی سر نشان داده می‌شود، فردای آن روز خیابان‌های ما محل انعکاس رفتار و پوشش همان هنر پیشه یا خواننده ماهواره‌ای می‌شود، وقتی فلان کانال ماهواره لباسی را تبلیغ می‌کند در بین جوانان و زنان و دختران ما مد می‌شود، و چنان این پدیده با روش‌های فرهنگی خاص خودشان باورزدایی در جامعه را با زیرکی کم رنگ می‌کند که خانواده‌ها ناچار به تساهل و تسامح می‌شوند.

خانمی که با فرزندش مشغول خرید از فروشگاه است مورد خطاب قرار می‌گیرد. آیا استفاده از ماهواره اثرات سوء دارد؟ او می‌گوید: من پولی بابت خرید ماهواره و..... ندارم، ولی این را می‌دانم که وقتی من زن میانسال با ظاهری اسلامی به خیابان می‌روم و در

جامعه اسلامی خودم این همه مد گرایی، بدحجابی و بی‌حجابی را می‌بینیم نفرین بر سازنده این دستگاه می‌فرستم. این مادر با تأثر ادامه می‌دهد و می‌گوید: من ترجیح می‌دهم کمتر به خیابان بیایم و حتی گاهی اتفاق می‌افتد که برای خرید مایحتاج عمومی بیرون نروم، واقعاً از این قیافه‌ها و ترکیب‌ها خجالت می‌کشم.

چند جوان در پشت ویترین مغازه‌ای مشغول تماشای اجناس داخل مغازه هستند. خودم را معرفی می‌کنم و می‌پرسم به نظر شما ماهواره اثرات تخریبی دارد؟ یکی از آنها که کامران نام دارد، می‌گوید: آقا شما چرا به دنبال این هستید که ما چیزی را نبینیم؟ ماهواره کجایش بد است؟! از همه دنیا خبر می‌دهد تصویر پخش می‌کند. هر کس دوست دارد از هر کانال آن استفاده می‌کند. او ادامه می‌دهد: ما که بدی ندیدیم خیلی هم خوبی دارد.

با آنان وارد بحث می‌شوم، شلوار تنگ و چسبان، با خط چکمه‌ای و موهای قابلمه‌ای به راستی اگر فردا این ماهواره‌ها بیایند و مدل مو و لباس و ظاهر فردی که ساده و طبیعی است الگو بدهد از آن پیروی می‌کنید؟ می‌گویند: جوان تنوع طلب است، اگر باشد و همه استفاده کنند ما هم این کار را می‌کنیم؛ ولی فعلاً می‌بینیم آنهایی که این لباس‌ها ومدل‌ها را دارند خوب هم زندگی می‌کنند.

صاحب یک سوپر مارکت می‌گوید: ای آقا ! این کوفت و مرض‌ها

(ماهواره‌ها) کاری کردند که این جوانک‌ها حیا ندارند، والله ما هم جوانی کردیم، ولی حیا و شرافت داشتیم. مشتی از این بدقواره‌ها در مقابل اجتماع و خانواده‌ها چنان گستاخی و بی‌حیایی می‌کنند که آدم دوست دارد کور بشود؛ ولی آن‌ها را نبیند. این دختران جوان و مدپرست امروزی، با آن شمایلی که در خیابان‌ها و کوچه‌ها پرسه می‌زنند جز خجالت و شرمساری برای پدران و مادران چیزی ندارند، می‌خواهم بگویم جوانی خوب است، ولی هرکاری، راهی و چاهی دارد. بی‌حیایی هم حدی دارد.

یک خانم جوان در خصوص اثرات سوء ماهواره می‌گوید: شماها می‌خواهید همه چیز را از ما بگیرید حرفی با شماها ندارم آنچه تشخیص بدهیم همان را انجام می‌دهیم.

در این گشت و گذار، خانواده‌ها و تیپ‌های مختلف نظرات خود را اعلام کردند اکثر خانواده‌ها نگران این افسار گسیختگی و پذیرش انفعالی اثرات ماهواره‌ها هستند؛ اما برخی از جوان‌ها با اشتیاق از ماهواره یاد می‌کردند و توجهی به آثار آن در جامعه نداشتند. در واقع پوسته زیرین و سکوت خانواده‌ها و جامعه خواستار کار فرهنگی، ممنوعیت در استفاده انفعالی از این پدیده می‌باشند و برای آینده جوانان خود بیمناک هستند.

خانم شیرین ـ م در همین زمینه می‌گوید: شوهرم معتقد است

باید جوانها با جامعه روز جلو بروند، به همین منظور ماهواره خرید؛ اما از زمان ورود این دستگاه به خانه، دو پسر پشت کنکورم قید درس و..... را زده‌اند و دائم با پدرشان پای ماهواره می‌نشینند. وی ابراز می‌دارد: اخلاقشان به کلی تغییر کرده، رفتارهای ناپسندیده و پرخاشگری انجام می‌دهند، اعصابم بهم ریخته؛ چرا که تا صبح این پدر و پسرها پای ماهواره هستند. تمام کار و زندگیشان شده ماهواره.

آقای فرهاد بخشی منش، دانشجوی زبان فرانسه نیز اظهار می‌دارد: ماهواره به خودی خود یک تکنولوژی پیشرفته است که بشر برای تبادل افکار و آگاهی از واقعیات جهانی آن را ساخته؛ ولی به هرحال بیشتر برنامه‌های آن که کانال‌های اختصاصی چند کمپانی مشهور جهانی و بسیار مخرب و غیر اخلاقی است. که آثار سوء آن همه کشورها مخصوصاً کشورهای مسلمان را در بر می‌گیرد.

وی می‌افزاید: در نحوه استفاده از این پدیده باید ظرفیت فرهنگی جامعه را بالا برد و اندیشید که تماشای برنامه‌هایی که هیچ نفعی به جز تشویش روح و روان ندارد تا چه حد باعث ارتقای فکر و اندیشه است.

او می‌گوید: من دانشجوی زبان هستم، برخی برنامه‌های آموزشی و تخصصی خصوصاً اخبار به نظر من بسیار مفید و سازنده

است؛ اما گاهی اوقات برنامه‌های دیگر ماهواره‌ای حتی کار اصلی من را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

سردار ابویی نیز در همین زمینه معتقد است: بحث ماهواره در حقیقت یک بحث اجتماعی ـ فرهنگی است. او می‌گوید: به عقیده من اگر محتوای برنامه‌های صدا و سیمای ما طوری ساخته شود که جوانها را جذب کند، مطمئناً در این صورت جوانهای ما که معتقد به اصول ارزشی ومتعصب به اخلاق هستند، حاضر نیستند وقت خود را به تماشای اینگونه برنامه‌های مخرب بگذارند.

وی می‌گوید: بنابر این رسانه‌های داخلی می‌توانند نقش بسیار مؤثر و فعالی در اطلاع رسانی و تغییر سیر فکری نسل جوان ما داشته باشند.

دکتر حمید رضا ابراهیمی با بیان اینکه برخورد ما با ماهواره می‌تواند به دو گونه باشد، می‌گوید: توجه جدی به زیر ساختهای فرهنگی و تحکیم مبانی ارزشی و اعتقادی درجامعه ـ که متاسفانه در این زمینه ضعیف عمل کردیم ـ و پرکردن اوقات فراغت و خلأهای عاطفی که در این خصوص نیز تا به حال برخورد شعار گونه شده است، می‌تواند کار ساز باشد.

این استاد دانشگاه اظهار می‌دارد: بحثها و درگیریهای لفظی بر سر ماهواره تا کنون غیر اصولی بوده است. باید وضعیت فعلی

ماهواره را در رسانه‌های ملی و از جمله صدا و سیما برای مردم روشن کرد و راههای مقابله، تطابق، همسازی، بهره‌مندی صحیح یا سایر موارد برخورد با این هجوم الکترونیکی را از دیدگاههای کلی و علمی بررسی کرد. وی می‌گوید: ضعف قانون و فرهنگ دو مقوله‌ای هستند که روند استفاده از ماهواره و مبارزه با آن را دچار مشکل کرده است و لذا هر چه پرسنل ناجا تلاش می‌کنند، باز هم در عمل راه به جایی نمی‌برند؛ لذا تصور من این است که همسو با مقابله‌های قانونی باید به فکر اصلاح یا آشنایی فرهنگ عمومی با این پدیده بود.

راهکارهای پیشنهادی

الف) رسالت اصلی مسؤولان فرهنگی، ایمن‌سازی افراد، به ویژه جوانان و نوجوانان در برابر هجوم بیگانگان و افزایش قدرت مقاومت آنان است. ایمن سازی تنها با برنامه‌ریزی هماهنگ و دراز مدت، برای فرهنگ‌سازی دینی، گسترش شناخت معارف الهی و تنومند ساختن باورهای اصیل مذهبی در جامعه، میسر است که می‌توان با گذشت زمان، افراد جامعه را به خود آگاهی و خود باوری برساند. به دیگر سخن، نوجوانان و جوانان باید به گونه‌ای تربیت شوند که آگاهانه و با اختیار کامل، از آلودگی و گناه بپرهیزند. از برخوردهای

فیزیکی و محدودیت آفرینی در استفاده از ماهواره و اینترنت و..... . نیز تنها باید به عنوان برنامه تکمیلی و یکی از راه‌های ایمن سازی، بهره برد.

ب) اگر محدودیت آفرینی در استفاده از برنامه‌های ماهواره، بدون جای‌گزین کردن برنامه‌های سازنده و مورد علاقه جوانان باشد، به نتیجه نخواهد رسید و جوانان به انحراف‌ها و مشکلات دیگری دچار خواهند شد. بنابراین، با انتخاب برنامه‌های مناسب یا جای گزین کردن فعالیت‌های دیگر به جای تماشای برنامه‌های ویرانگر ماهواره‌ای، می‌توان از پی آمدهای منفی آن‌ها پیش‌گیری کرد.

ج) باید برای رشد فرهنگ اسلامی در جامعه، تلاش شود.

در این راه، از روشهای زیر می‌توان بهره گرفت:

عمل به ارزش‌های مکتبی و ملی از جانب مسؤولان و مدیران؛

۲. برداشتن محدودیت‌های غیر ضروری در زمینه‌های گوناگون، تا آن جا که به رواج ضد ارزش‌ها منجر نگردد؛

۳. تهیه فیلم‌هایی با موضوع‌های متناسب با تعلیم و تربیت اسلامی؛

۴. ارائه برنامه‌های مناسب و جذاب از تلویزیون؛

۵. تهیه نوارهای ویدیویی مجاز و تلاش برنامه‌سازان و کارگردانها برای فراگیر کردن و اشاعهٔ فرهنگ دینی در قشر جوان؛

شبکه تلویزیونی جوان ایجاد شود

یک آسیب شناس اجتماعی پیرامون مقابله باماهواره چنین می‌گوید: با وجود اینکه برنامه‌های ماهواره‌ای دارای محتوای علمی وآموزنده نیز هستند، اما امروزه بیشتر جوانان ماهواره را برای استفاده از برنامه‌های علمی آن انتخاب نمی‌کنندوبیشتر تمایل به دیدن برنامه‌هایی دارند که آنها رادربرنامه‌های داخل کشور نمی‌یابند.

او در ادامه می‌گوید: امروزه مسؤولان توجه کمتری به برنامه‌های تفریحی و علمی جوانان می‌کنند و همین امر عاملی شده تا اکثر جوانان برای تفریح و پرکردن اوقات فراغت خود به تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای بپردازند. وی می‌گوید: توجه به برنامه‌های هنری و مورد علاقه جوانان در کشور می‌تواند تا حدّ بسیاری جوانان را از برنامه‌های نامناسب ماهواره دور کند؛ اما متأسفانه در این خصوص فکر اساسی نمی‌شود.

تفریحات جوانان درکشور ما بر اساس سلیقه‌های شخصی طرح ریزی می‌شود؛ در حالی که اگر در این مورد علایق جوانان مد نظر قرار گیرد، آنها تمایل کمتری نسبت به استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای پیدا می‌کنند.

وی با اشاره به اینکه جوانان بین ۱۴ تا۲۲سال تمایل بیشتری به تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای دارند، ادامه می‌دهد: با توجه به

اینکه این قشر تمایل بیشتری در استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای دارند، این افراد بیشتر در معرض اختلالات روانی ناشی از تماشای این برنامه‌ها قرار دارند.

فصل سوم

اکستازی

از آن جایی که این روزها، شاهد تهیه، تولید و توزیـع مـوادهـای مخدّر جدید در میان نسل جوان هستیم، برآن شدیم در این فـصل، به بررسی ماده مخدری ناشناخته و جدید به نام « قرص اکستیسی» یا « قرص اکستازی» که نسل جوان آن را به نام « قرص شادی آور» می‌شناسد، بپردازیم.

از آن جایی که استفاده از این ماده مخدر و قـرص‌هـای شـادی آور، در میان نسل جوان به شدت رو به افزایش اسـت و بـه معـضلی اجتماعی و خطرناک تبدیل شده است، بـه نظـر مـی‌رسـد دانـستن مطالبی هِر چند مختصر درباره این مواد، بسیار مفید و حتی ضروری باشد.

اکستازی چیست؟

ترکیب MDMA یا سه و چهار متیلندی اکسی مت امفتامین که به نام‌های«اکستاسی»، «اکستازی»، «XTC»، «E، ای»، «x، اکس» هم معروف است، که در ایران به نام قرص شادی هم شناخته می‌شود. این ماده درسال ۱۹۱۴در آلمان به عنوان کم کننده اشتها مورد استفاده قرار گرفت که به علت اثرات بسیار مضر آن از رده مصرف خارج شد. در دهه ۷۰میلادی این دارو کاربرد مجددی یافت و در روان درمانی برای کمک به بیان احساسات بیماران استفاده شد، که درسال ۱۹۸۴با اثبات اثرات مُضر آن روی مغز حیوانات آزمایشگاهی از رده خارج شد. در سال ۱۹۸۵در آمریکا، مصرف آن ممنوع اعلام شد. در سال‌های اخیر، مصرف آن در آمریکا در پارتی‌های شبانه موسوم به«Raves» به شدت افزایش یافته که باعث نگرانی دولت آمریکا شده است. در دوره زمانی خاصی در اروپا، مصرف این مواد انرژی‌زا و شادی بخش برای کاهش مصرف سایر مواد مخدّر مثل هروئین تجویز شده است؛ به طوری که مصرف آن در اروپا درسال ۱۹۹۵ از۵۰۰ هزار قرص درسال به ۳۰ میلیون قرص در دو سال بعد رسیده است.

دو درصد مردم آمریکا حداقل یک بار این ترکیب را مصرف کرده‌اند. حداقل ۱۱/۷درصد دانش‌آموزان کلاس آخر دبیرستان در آمریکا یک بار «اکس» مصرف کرده‌اند.

مصرف این قرص‌ها در ایران نیز، به خصوص در یک سال اخیر در پارتی‌های شبانه به شدت افزایش یافته است و جوانان مرفه مصرف کنندگان اصلی این قرص‌ها هستند. لازم است عموم مردم با اثرات سوء مصرف این قرص‌ها آشنا شوند.

هم چنان که ذکر خواهد شد، مشکل اصلی در مصرف این مواد، عوارض مزمن آن می‌باشد. عوارض حاد مصرف، بیشتر در مرتبه اول مصرف و در صورت تداخل با بعضی داروهای ضد افسردگی پیش می‌آید.

چند لحظه شادی؛ یک عمر بی‌قراری

علایم آنی مصرف اکستازی با عوامل گوناگونی مانند: میزان دفعات مصرف، میزان خلوص ماده مؤثر، وضعیت روحی و جسمانی، انگیزه و موقعیت مکانی مصرف کننده ارتباط مستقیم دارد. در واقع اکستازی همانند بسیاری از مواد مخدر دیگر، فقط احساس اولیه مصرف کننده را تشدید می‌کند. این مواد تغییر ایجاد نمی‌کنند، مثلاً احساس سرخوردگی، اندوه، تبدیل به شادی و سرخوشی نمی‌شود. شاید به همین دلیل اطلاق مواد «روان گردان» به انواع محصولات اکستازی چندان درست به نظر نیاید.

هم چنین برای بسیاری از افراد، اکستازی‌محرک، هیجان آور و در عین حال آرامش بخش است و علاوه بر آن تأثیرات توهمی،

تحریک فانتزی را نیز به دنبال دارد. اما مصرف کنندگان، پیش از آن که عوارض روانی مواد را احساس کنند، ابتدا عوارض جسمانی مصرف مواد را تجربه خواهند کرد.

در افرادی که برای اولین بار اکستازی مصرف می‌کنند، حدود ۳۰ دقیقه پس از مصرف معمولاً افزایش ضربان قلب، تعریق شدید، انقباض عضلانی و عدم احساس درد، بروز می‌کند؛ اما افرادی که به دفعات این مواد را مصرف می‌کنند احساس سوزن سوزن شدن بدن، بی قراری، نا آرامی و اضطراب را تجربه می‌کنند.

افزایش دمای بدن، فشارخون و هم چنین افزایش فزاینده توان بدنی از آثار آنی جسمانی مصرف موادند. از عوارض ناخواسته که ممکن است بروز کند، می‌توان به تهوّع، خشکی دهان، انقباض عضلات فک و هم چنین عدم تعادل اشاره کرد. علاوه بر این، مصرف اکستازی همراه با فعالیت شدید بدنی ممکن است عوارض جسمانی - روانی مانند کم آبی شدید، استفراغ، ترس و واهمه شدید را در پی‌داشته باشد. این عوارض معمولاً پس از حرکت‌های شدید و طولانی در محل گرم و پرجمعیت به ویژه محفل‌های شبانه وپارتی‌ها بروز می‌کند که منجر به سکته قلبی و یا مغزی نیز شده است. مصرف کنندگان گاه تا حد مرگ می‌رقصند تا جایی که آب بدن شان به شدت کاهش می‌یابد و به دلیل مصرف مواد، سیستم گیرنده‌های درد در بدنشان مختل شده، شخص مشکلات ناشی از

کم آبی شدید را احساس نمی‌کند.[1]

اثرات جانبی مصرف اکستازی

اثرات شدید احساسی، اختلال خواب، کابوس‌های شبانه، حملات ناگهانی اضطراب، دیوانگی، انقباض شدید فک، پارگی زبان در اثر فک زدن‌های طولانی، عدم تمرکز، فراموشی، اختلال در یادگیری، افزایش دما وکاهش آب بدن (در پارتی‌هایی که این دارو مصرف می‌شود. افراد، مجبور به مصرف آب فراوان و مکرر هستند و این مسأله خطرات خاص خود را به دنبال دارد).

کاهش سدیم خون در اثر مصرف زیاد مایعات(هیپوناترمی) سردرد، سرگیجه و تشنج، سرکوب شدید خون‌سازی مغز استخوان، افت شدید خلق در روزهای پس از مصرف، خستگی و افسردگی شدید تا یک هفته پس از مصرف، احتمال اعتیاد روانی در برخی موارد، اعتیاد جسمی، صدمه به اعصاب مغزی، احتباس ادراری و سکته را می‌توان از اثرات مصرف اکستازی بر شمرد. لازم به ذکر است که، دختران جوان در صورت مصرف اکستازی به علت اثرات هورمونهای جنسی زنانه، درمعرض خطر بیش‌تری برای ابتلا به افت سدیم خون و به دنبال آن، تشنج هستند.

۱ـ ر.ک. ماهنامهٔ دیدار آشنا، شمارهٔ ۶۴ .

تأثیرات روانی

از نظر روانی، مصرف اکستازی در بسیاری از افراد، اعتماد به نفس را به شکل کاذب و موقت افزایش داده، شخص راحت‌تر با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، به طوری که معاشرتی شدن، بی‌پروایی در رفتار و گفتار، احساس محبوب بودن و مورد توجه قرار گرفتن، احساس قدرت و نیروی فوق العاده داشتن، بروز رفتارهای هیجانی و تشدید امیال جنسی از آثار مصرف اکستازی گزارش شده است.

بزرگ‌ترین مشکل مصرف کنندگان اکستازی، پایان سرخوشی اولیه است؛ زیرا با از بین رفتن تأثیر دارو، افسرده‌گی شدید و عمیق بروز می‌کند. افسردگی همراه با عوارض دیگر مانند: بی‌قراری، اضطراب، خستگی، کوفتگی عضلات، همچنین بی‌انگیزگی و بی‌تفاوتی شدید در زندگی روزمره، فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درکنار این موارد، میل مفرط و شدید به مصرف مجدد مواد نیز در فرد به وجود می‌آید، که می‌تواند اولین قدم و هم چنین قدم تعیین کننده در راه وابستگی روانی‌به مواد مخدر باشد.

عوارض دراز مدت

هنوز درمورد عوارض دراز مدت سوءمصرف اکستازی، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما در این نکته که سوء مصرف اکستازی

کارایی و عملکرد سیستم عصبی مغز را به شدت دچار آسیب می‌کند شکی وجود ندارد. بیش از همه، حافظه کوتاه مدت مغز دچار اختلال می‌شود. بعضی مصرف کنندگان می‌گویند که درحالت نئشگی، حافظه کوتاه مدت شان را به کلی از دست داده‌اند؛ اما در بعضی موارد، حافظه دراز مدت شان فعال شده است. اکستاز ی مانند دیگر مواد مخدر، سیستم ایمنی بدن را به شدت تضعیف می‌کند و آسیب پذیری بدن را در برابر بیماریهای عفونی و ویروسی به شدت افزایش می‌دهد. علاوه بر آن، ارگان‌هایی که کار دفع مواد سمی زاید بدن، کلیه و کبد را برعهده دارند دچار صدمات جبران‌ناپذیر می‌شوند. افرادی که مصرف را تازه شروع کرده‌اند پس از مدتی مصرف مداوم، اشتیاق مفرط و غیر قابل کنترل به مصرف دائمی در آن‌ها به وجود می‌آید. ضمن این که اشتیاق به مصرف این مواد، فرد را به سمت استعمال و مصرف مواد مخدر دیگر، مانند حشیش، کوکایین و حتی بعضی داروهای پزشکی روان گردان سوق می‌دهد.

قدرت تخریب اکستازی

به اعتقاد یکی از محققان برجسته آمریکایی قدرت تخریب اکستازی چنان است که حتی با یک بار مصرف آن احتمال از دست دادن ۶۰ درصد حافظه وجود دارد. اکستازی بر ساختمان ماده

وراثتی (DNA) نیز اثر می‌گذارد و نقایص ژنتیکی ایجاد می‌کند. مصرف این نوع داروها مانند سایر موادمخدر با لذت همراه است و فرد را تحریک به مصرف دوباره می‌کند، مشابه آن چه درمورد بقیه مواد مخدر صادق است. پس از یکی دوبار مصرف آن، دُز بالاتری لازم است تا فرد ارضا شود. اعتیاد دو وجه جسمانی و روانی دارد. مصرف این ماده اعتیاد جسمانی ایجاد نمی‌کند ولی وابستگی روانی فرد را به دنبال خواهد داشت. اکستازی باعث خود پرستی فرد (egoism) می‌شود، بنابراین روان را به واسطه افزایش احساس رضایت از خود و احساس امنیت، تقویت می‌کند. هر چند این ماده اعتیاد جسمانی ایجاد نمی‌کند ولی یک بار مصرف آن تا ۸۰ درصد احتمال استفاده مجدد را افزایش می‌دهد.

مسمومیت با این ماده شیمیایی به صورت افزایش فشار خون، غش و در موارد شدید تشنج و گاه کاهش هوشیاری، کُما و مرگ است. به علت اختلال در سیستم تنظیم کننده دمای بدن، مصرف زیاد این ماده می‌تواند دمای بدن را افزایش دهد که باید سریعاً درمان گردد چون در غیر این صورت تخریب عضلات و در نتیجه نارسایی کلیه اتفاق می‌افتد، قلب به شدت می‌تپد، فشار خون بالا می‌رود و هر لحظه احتمال خون‌ریزی مغزی یا حملات قلبی وجود دارد.

آثار مخرب مصرف اکستازی از نگاه صاحب نظران

دکتر «آذردخت مفیدی»، روان پزشک و روانکاو سازمان پزشکی قانونی کشور، آثار مصرف اکستازی را بر روان این گونه تشریح می‌کند: روان به سه جزء خود آگاه، پیش آگاه و ناخود آگاد تقسیم می‌شود. در سطح خود آگاه انگیزه‌ها رفتارها و احساساتی مطرح هستند که نسبت به آنها آگاهی داریم. تفکرات و احساسات موجود در سطح پیش آگاه با تمرکز قابل دسترسی‌اند و نسبت به سطح ناخودآگاه آگاهی نداریم. اکستازی به معنای جذبه است. جذبه حالتی در روان است که در آن سطح خود آگاه موقتاً محو می‌شود و فرد در مقابل سطح پیش آگاه و ناخود آگاه خود قرار می‌گیرد. احساسات، تفکرات و اعمال ما را سطح خود آگاه کنترل می‌کند. با از بین رفتن کنترل خودآگاه، افکار وتعارضات ناخودآگاه بروز می‌کنند. برای مثال، فردی را در نظر بگیرید که از اجتماع وحشت دارد. این فرد در شرایط معمولی ارتباط صمیمانه‌ای با اطرافیان برقرار نمی‌کند. اما به دنبال مصرف این دارو، ترس خودآگاه وی از اجتماع محو می‌شود وتمایل فرد به برقراری ارتباطات اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین در شرایط طبیعی، مواجه شدن ما با عوامل استرس‌زا موجب ترشح هورمون‌های خاصی می‌شود که بدن را در وضعیت فرار و گریز قرار می‌دهد. مصرف اکستازی نیز چنین وضعیتی را در بدن ایجاد می‌کند. تمام مکانیسم‌های دفاعی بدن به

کار می‌افتند و انرژی فرد زیاد می‌شود.

مهم‌ترین اثر این دارو امنیت بخشی روانی است. به طور کلی، انگیزه انسان برای هر عملی از سه عامل منشأ می‌گیرد : عشق، ترس وگناه. این نوع داروهای روان گردان احساس ترس و گناه را در روان به حداقل می‌رسانند. درنتیجه، اعتماد به نفس فرد افزایش می‌یابد و تمایل طبیعی او برای برقراری ارتباط صمیمانه فیزیکی و عاطفی زنده می‌شود. هر فرد با رشد مکانیسم‌های روانی خود احساس امنیت می‌کند و با محیط پیرامونش سازگار می‌شود. اگر فردی احساس امنیت را با مصرف دارو یاماده خاصی به روان خود القا کند، در دراز مدت توانایی‌اش برای خلق چنین شرایطی به حداقل می‌رسد. یعنی اکستازی یک شخصیت کاذب ایجاد می‌کند و به دنبال قطع دارو، فرد به وضعیت روانی نابسامان اولیه باز می‌گردد.

دکتر«فرید فدایی»، روان پزشک وعضو هیأت علمی دانشگاه، در مورد آثار منفی اکستازی می‌گوید: این دارو باعث ایجاد احساس سرخوشی و قدرت می‌شود. توجه و تمرکز فرد نیز به دنبال مصرف اکستازی افزایش می‌یابد.

اثر MDMA ، ۲۰ تا۴۰ دقیقه پس از خوردن قرص اکستازی ظاهر می‌شود. احساس خشنودی، نشاط، صمیمت و نزدیکی به افراد به شکل افراطی در فرد به وجود می‌آید. این آثار ۶۰ تا۹۰دقیقه پس از مصرف اکستازی به حد اکثر خود می‌رسند و ۳ تا ۴ ساعت پس از مصرف از بین می‌روند و خستگی، اضطراب و افسردگی جانشین آنها

می‌شود.

دکتر «مهدیس کامکار»، روان پزشک، به اختلالات درکی ناشی از مصرف اکستازی اشاره می‌کند: درک هر پنج حس در فرد مختل می‌شود. یعنی فرد بدون وجود محرک خارجی، حسی را درک می‌کند. درحالت طبیعی، برای درک هر حس، قسمتی از قشر مغز فعال می‌شود. به دنبال ایجاد اختلال در سیستم اعصاب مرکزی، مناطق مختلف قشر مغز بدون وجود محرک واقعی فعال می‌شود. درک هر حس زیاد می‌گردد. برای مثال، فرد صدای شخصی را که در نزدیکی او نشسته است از فواصل دور دست می‌شنود. این وضعیت بسیار وحشتناک و رعب‌آور است و فرد دچار روان پریشی می‌شود. به دنبال مصرف اکستازی، شعور، آگاهی و روان فرد مختل می‌شود. او نمی‌داند که کجاست، کیست و متعلق به چه زمانی است؟ همچنین، این ماده آستانه تحریک پذیری روانی را پایین می‌آورد.

دکتر« ساحل همتی گرگانی»، روان پزشک وعضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، می‌گوید: اکستازی برقدرت سنجش واقعیت اثر می‌گذارد و فرد را مستعد جنون می‌کند. این افراد به خصوص نسبت به حرکات غیر کلامی اطرافیان حساس می‌شوند. مثلاً فکر می‌کنند که سایرین مشغول بدگویی از آنان هستند.

افزایش قوای فکری، افزایش احساس رضایت از وضع موجود، افزایش انرژی بدن، احساس راحتی و آرامش، احساس نزدیکی وتعلق به دیگران، احساس عشق و یک دلی و بخشش و عفو، تقویت حس قدردانی، احساس عطش، کاهش تمایل به خوردن، اصرار به در آغوش گرفتن و بوسیدن دیگران، افزایش سرعت عمل، حرکات غیر ارادی چشم، غیر ارادی بودن احساسات، پرچانگی و حرکت دادن زبان و فک، دندان قروچه و یا ساییدن دندان‌ها به هم، گرفتگی عضلات، افزایش ضربان قلب، افزایش فشار خون و پس از بر طرف شدن اثر تخدیر آن؛ پیامدهایی چون بی قراری، اضطراب، نگرانی، لرزش اندام‌ها، افزایش دمای بدن یاکاهش آن، از دست رفتن آب بدن، سردرد، سرگیجه و از بین رفتن تعادل از دیگر علایم مصرف داروی روان افزای اکستازی هستند. به دنبال افزایش فعالیت سیستم عصبی خودکار و افزایش فشار خون، فرد مستعد ابتلا به حملات قلبی و مغزی می‌شود؛ به علاوه گاه کاهش حجم آب بدن به قدری زیاد است که منجر به مرگ فرد می‌شود.

آیا اکستازی اعتیاد آور است؟

دکتر «محسن وزیریان»، رئیس اداره پیشگیری و درمان سوء مصرف مواد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، می‌گوید: مصرف قرص‌های روان گردان مانند سایر مواد مخدر با لذت همراه

است و فرد را تحریک به مصرف دوباره می‌کند، مشابه آنچه در مورد بقیه مواد مخدر صادق است. پس از یکی دوبار مصرف آن، دُز بالاتری لازم است تا فرد ارضا شود.

اکستازی اعتیاد جسمانی ایجاد نمی‌کند. گروهی از افراد به طور ژنتیکی دارای استعداد گرایش به اکستازی هستند. این افراد کسانی هستند که مراکز پاداش در مغز آنها ضعیف عمل می‌کند. درنتیجه این نقصان، آنان نیاز به یک عامل خارجی دارند تا احساس رضایتمندی را ایجاد کند. چنین شرایطی منجر به اعتیاد فرد به یک محرک کاذب می‌شود.

دکتر «فرید فدایی»، می‌گوید: هر چند این ماده اعتیاد جسمانی ایجاد نمی‌کند، ولی یک بار مصرف آن تا ۸۰ درصد احتمال استفاده مجدد را افزایش می‌دهد.

مسمومیت با اکستازی

آنچه به دنبال مسمومیت با اکستازی اتفاق می‌افتد کما و مرگ است. فرد به شدت عرق می‌کند و حجم زیادی از آب بدنش را از دست می‌دهد. مردمک چشم گشاد می‌شود. تب بالا می‌رود و فرد گرمازده می‌گردد. قلب به شدت می‌تپد، فشار خون بالا می‌رود و هر لحظه احتمال خونریزی مغزی یا حملات قلبی وجود دارد.

هنوز پاد زهر مؤثر برای درمان مسمومیت ناشی از مصرف

اکستازی شناخته نشده است، درمورد این قبیل افراد، پزشکان به اقدامات حمایتی مانند پایین آوردن فشار خون، جبران آب از دست رفته و کنترل درجه حرارت بدن اکتفا می‌کنند.

اکس پارتی

میهمانی‌های ریو (دیوانگی) در دهه هشتاد میلادی، بحران جدیدی در اروپا و آمریکا به وجود آوردند. اکستازی به طور غیر قابل مهاری در میان جوانان نفوذ کرده بود و روز به روز بر تعداد مصرف کنندگان آن افزوده می‌شد. کسانی که به این قبیل میهمانی‌ها می‌رفتند، هماهنگ و عجیب بودند و یکسان لباس می‌پوشیدند تا خود را به صورت یک گروه درآورند. بزرگ‌ترین گروه اکس بازها فرقه لاین پت (Lion path) بود. اعضای این فرقه گمان می‌کردند که با خوردن قرص‌های اکستازی به روشنایی می‌رسند!! اما اصطلاح اکس‌پارتی دربارهٔ مجالسی است که معمولاً از ابتدای شب تا بامداد روز بعد به طول می‌انجامند. این میهمانی‌ها با رقص‌های تند و متمادی در حین پخش موسیقی‌های تند همراه‌اند. در این میهمانی‌ها قرص اکستازی در ظرف‌هایی دست به دست می‌گردد. از آن جا که پس از مصرف اکستازی باید مقدار زیادی آب به بدن رساند اصطلاح «آب خوردن» برای مصرف زیر زمینی و پارتی‌های مخفیانهٔ قرص اکس به کار می‌رود. در برخی از میهمانی‌ها به منظور

جذب مصرف کنندگان، قرص‌ها را به صورت رایگان عرضه می‌کنند.

دکتر «آذر دخت مفیدی»، علت تمایل مصرف کنندگان اکستازی به استفاده گروهی از آن را چنین توجیه می‌کند: این تمایل به مصرف گروهی در مورد تمام مواد مخدر وجود دارد. اما در مورد اکستازی یکی از دلایل مطرح، نیاز به وجود یک فرد حمایت کننده است. مصرف انفرادی این دارو در تنهایی خطر آفرین است. از سوی دیگر، احساس سرخوشی دسته جمعی برای هرکدام از مصرف کنندگان حکم تأیید را دارد و فرد متقاعد می‌شود که کار درستی انجام می‌دهد. دلیل دیگر، نباز مصرف کنندگان به برقراری ارتباط صمیمانه اجتماعی است. آنها همدیگر را در آغوش می‌گیرند و از بودن در کنار هم لذت می‌برند.

دکتر «فرید فدایی»، می‌گوید: معتادان به دلیل مشکلات شخصیتی همیشه به دنبال یافتن هویت گروهی هستند. آنان جایگاه فردی خود را نیافته‌اند و می‌خواهند دریک گروه، هویتی بیابند.

پارتی

افزایش حضور جوانان دختر و پسر در پارتی‌های دوستانه، زنگ خطری را برای برخی خانواده‌ها به صدا در آورده است. به عقیده بسیاری از جوانانی که در این مهمانی‌ها حضور می‌یابند، فرار از مشکلات و گذراندن لحظاتی شاد با حضور در میهمانیهای موسوم به

rave بـه دسـت مـی‌آیـد. سـاعتهای متمـادی رقـص بـا موسـیقی الکترونیکی در پارتی‌هـای مختلطـی کـه امـروزه در گوشـه و کنـار شهرهای بزرگ با حضور دختران کم سن و سال بـا بـزک‌هـای تنـد عروسکی و پسران جوانی که شـادی را بـا اکـس تجربـه مـی‌کننـد، جوانان را به سمت دنیای خیالی می‌کشاند.

پارتی‌های شبانه که اغلب در اواخر هفته و در مناطق دور افتـاده شهر برگزار می‌شود، دغدغه برخی جوانان ایرانی شده است و حتـی آنهایی که تمایلی به حضور در این گونه جشن‌ها ندارند، آماده‌اند که برای یک بار آن را امتحان کنند.

یکی از پژوهشگران اجتماعی بـا تحقیقـی بـر روی ۲۳۰جـوان و نوجوان دختر و پسر دریافته است که نزدیک به ۵۶ درصـد جوانـان علاقه دارند که همراه با دوستانشان در میهمانی‌های شـبانه شـرکت کننـد. همچنـین۴۳/۶ درصـد از ایـن عـده، بـیش از یکبـار در میهمانی‌های مختلط به همراه دوستانشان شرکت کرده‌اند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهـد، ۸۸ درصـد از افـرادی کـه حـضور در پـارتی‌هـای مخـتلط را تجربـه کـرده‌انـد، بـدون اطـلاع خانواده‌هایشان در چنین جشن‌هایی شرکت کرده‌اند.

۳۱ درصد از جوانان پاسخ داده‌اند که از ترس خانواده‌هایـشان در چنین جشن‌هایی شرکت نمی‌کنند.

این یافته‌ها همچنین بیانگر آن است که ۱۲ درصد جوانـان اصـلاً تمایلی به حضور در میهمانی‌های مختلط ندارند با این حال به نظـر

می‌رسد که صرفنظر از یافته‌های پژوهشگران، آمارهای تکان دهنده از حضور جوانان در میهمانی‌های مختلط بسیار نگران کننده به نظر می‌رسد.

اکس پارتی، نوع هیجان انگیزتر این پارتی‌ها است. که در این گونه جشن‌ها غالباً میهمانان به وسیله قرص‌های اکس مورد پذیرایی قرار می‌گیرند. تا با انرژی مضاعف در میان دوستان خود ظاهر شوند و نوع سوم و خطرناک اینگونه پارتی‌ها «سکس پارتی» است که در آن همه چیز از کنترل افراد خارج است و هر نوع حادثه زیان باری محتمل به نظر می‌رسد.

پارتی‌های خطرناک را می‌توان به نمایشنامه‌هایی زیبا از عقده‌های فرو خورده جوانان تشبیه کرد که مصرف اکس و مشروب، دنیای خیالی جذابی برای جوانان ایجاد می‌کند، برخی از آنها پس از مصرف قرص‌ها به نقاشی بر روی دیوارها می‌پردازند یا اینکه تمایل پیدا می‌کنند در مکان‌های بلند بایستند.

یک متخصص بیماریهای آمیزشی، افزایش روابط غیر متعارف جوانان در پارتی‌ها را که با مصرف انواع مواد مخدر و لذتهای خطرناک همراه است، هشدار برانگیز می‌داند.

بیماری‌های مقاربتی و آمیزشی و عفونتهای تناسلی به علت افزایش روابط غیر متعارف جنسی در بین نوجوانان در حال افزایش است، که مهمترین این بیماریها ایدز، هپاتیتB، تب خال و زگیل

تناسلی است که موارد آن در سالهای اخیر قطعاً افزایش یافته است.

وی با اشاره به اینکه بسیاری از مبتلایان به این بیماریها اصلاً به پزشک مراجعه نمی‌کنند و به طور کلی مراجعه به پزشک در مورد بیماریهای مقاربتی در جامعه فرهنگ نشده است، می‌گوید: تا زمانی که علایم بیماری در حد بالایی بروز نکند مسأله آشکار نمی‌شود، بنابراین نمی‌توانیم آمار دقیقی از افزایش این نوع بیماریها در جامعه ارائه دهیم.

دکتر«حسین عمادی» یکی از متخصصان علوم پزشکی می‌افزاید: این نوع مجالس به طور کلی در شهرهای بزرگ و حاشیه آنها بیش از نقاط دیگر است و به خصوص در اقشار بسیار مرفه و خیلی فقیر چشمگیرتر است بنابراین باید هر چه زودتر برای کنترل تبعات غیر قابل جبران آن وارد عمل شویم.

وی می‌گوید: نمی‌توان همه مشکل را در خانواده‌ها دانست و والدین را مسؤول اصلی آن بدانیم، جامعه نیز در مورد چنین مسائلی مسئولیت دارد. در همه دنیا نیز چنین مسئلی وجود دارد که دولت و وزارت آموزش و پرورش با آموزش مهارتهای زندگی، نوجوانان و جوانان را نسبت به خطراتی که مصرف مواد مخدر، قرصهای روانگردان و شرکت در مجالس غیر متعارف دارد، هوشیار و آگاه می‌کنند.

اکستازی وممنوعیت جهانی

مجلس انگلستان، پیش از رسیدن قرص‌های اکستازی از آمریکا به این کشور، مجازات سنگینی را برای تولید، توزیع و مصرف این قرص‌ها وضع کرد. اما نتیجه کاملاً بر خلاف انتظار بود جوانان انگلیسی بسیار بیشتر از آمریکایی‌ها به اکستازی روی آوردند. زندگی برخی از جوانان انگلیسی آن چنان به اکس وابسته شد که بار سفر بستند وخود را به آمریکا رساندند. در دهه ۱۹۹۰، در گوشه و کنار خیابان‌های آمریکا جوانانی ژنده‌پوش به چشم می‌خوردند که کشورشان را برای راحت‌تر مصرف کردن قرص‌های اکس ترک کرده بودند؛ اما قرص‌های اکستازی، با همان سرعتی که جای خود را در میان جوانان آمریکایی و اروپایی باز کردند، از رواج افتادند. در قانون کیفری امریکا جرم کسی که این قرص‌ها را به دوستانش می‌دهد از جزای فروشندگان قرص‌ها بیشتر است. در این کشور سالانه ۳/۴میلیون نفر دست کم یک بار از اکستازی استفاده می کنند.

اکستازی و ایدز

کارشناسان از ارتباط مصرف قرص‌های شادی آور و افزایش خطر ابتلا به بیماری مهلک «ایدز» خبر دادند.

به گزارش یک پایگاه اینترنتی به نقل از روزنامه انگلیسی «گاردین»، بیش از ۶۰ درصد معتادان به مواد مخدر در کشورهای

آسیایی، ناقل ویروس ایدز هستند و این آمار درحال افـزایش اسـت. دکتر « آذرخش مکری» روان پزشک و عضو هیأت علمـی دانـشگاه علوم پزشکی دانـشگاه تهـران، در مـورد قـرص‌هـای «تـوهم زا» یـا شادی‌آور می‌گوید: وقتی صحبت از قرص می‌شود نبایـد ایـن تـصور پیش آید که این‌ها در یک کارخانه داروسازی و زیر نظـر متخـصص تولید می‌شوند.

یکی از راه‌های اصلی ابتلا به ویروس HIV و بیماری ایدز، انجام رفتارهای جنسی پر خطر است و اکنون هم افزایش مصرف داروهای توهم زا بـه مـوازات شـیوع ایـن بیمـاری بـه شـدت باعـث نگرانـی متخصصان شده است.

دکتر «آذرخش مکری»، می‌گویـد: ایـن داروهـا چـون محـرک هستند معمولاً نیروی جنسی را افزایش می‌دهند و به دلیل به وجود آوردن اعتماد به نفس کاذب، رفتارهای پر خطـر و بـی‌بنـدوباری در نزد مصرف کنندگان آن بیش‌تر دیده می‌شود.

مصرف کنندگان قـرص‌هـای شـادی آور از لحـاظی هـم، خطـر عوارض رفتارهای خـود را کـم‌تـر درک مـی‌کننـد و ایـن مکانیـسم می‌تواند باعث افزایش ابتلا به ویروس HIV شود.

ماده‌ای اعتیادآور برای جوانان

دکتر «محسن وزیریان»، درمورد آمار مصرف کنندگان اکستازی

در ایران می‌گوید: طبق آماری که درسال ۱۳۸۰ از یک تحقیق به دست آمده است، بیش از ۴۰ هزار نفر در ایران این دارو را تجربه کرده‌اند. بخش عمده‌ای از مصرف کنندگان اکستازی را دانش‌آموزان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. البته این نمونه‌ها را نمی‌توان به کل جامعه تعمیم داد. موضوع پر اهمیت دیگر، الگوی مصرف داروهای نشاط آور است. اگر در مصرف مواد مخدری مانند هروئین، به ازای هر ۱۰ مصرف کننده مرد، یک مصرف کننده زن وجود دارد، درمورد اکستازی این نسبت ۲ به ۱ است.

دکتر «حمید مرتضوی»، مشخصات اغلب مصرف کنندگان اکس را چنین توصیف می‌کند: مرد یا زنی جوان، تحصیل کرده یا دانشجو، دارای وضعیت اقتصادی خوب که در خانواده‌ای از هم پاشیده رشد کرده یا تنها زندگی می‌کند.

تمایل زنان به اکستازی

در مقایسه با سایر مواد اعتیادآور، تمایل زنان به استفاده از اکستازی به مراتب بیشتر است. دکتر «آذردخت مفیدی»، این الگو را بخشی از بحران زن مدرن ایران می‌خواند و می‌گوید: گاهی زن مدرن، قدرت را در طرد زنانگی خود می‌داند. بنابراین به سمت دنیایی مردانه کشیده می‌شود.

دکتر «حمید مرتضوی»، می‌گوید: زنان تمایل بیشتری به

استفاده از اکستازی دارند. زیراحالت نشئه و خمودگی‌ای که به دنبال اعتیاد به سایر مواد مخدر ایجاد می‌شود، در مصرف این دارو مشهود نیست. به علاوه، استفاده از آن راحت و سریع است و نیازی به سرنگ تزریقی و آتش ندارد. همچنین، قرص‌های کوچک اکس به راحتی حمل می‌شوند و مخفی کردن آنها آسان‌تر است.

دکتر «ساحل همتی»، می‌گوید: به طور کلی، افسردگی و اختلالات اضطرابی در میان زنان شیوع بیشتری دارد. از طرف دیگر آنان به درمان‌های بی سر و صدا علاقه مندند. بنابراین برای رفع حالات نا مناسب روانی خود مصرف قرص‌های کوچک اکس را ترجیح می‌دهند.

اکس پارتی‌ها تاریک هستند. تنها صدای موسیقی می‌آید و بوی عرق تن‌هایی که به شدت می‌رقصند. اکستازی باعث گشادی مردمک چشم می‌شود و مردمک گشاد شده، چشم را در برابر نور حساس و آسیب‌پذیر می‌کند و این، علت تاریکی مجالس اکس پارتی است[۱].

---

۱ ـ ر. ک. فصلنامه علمی ـ آموزشی دانشکده پزشکی بقیة الله (عج)، شماره‌های۷و۱۳و۱۴ .

فصل چهارم

سیگار
و
اعتیاد به مواد مخدر

سیگار زمینه ساز اعتیاد

در جامعه ما مصرف سیگار شیوع بسیار زیادی در اقشار مختلف پیداکرده است و روز به روز نیز شاهد افزایش آن هستیم.

بسیاری از افراد مصرف سیگار را فقط کاری بالاتر از مصرف چای می‌دانند، در حالی که مصرف سیگار نوعی اعتیاد است. طبق تحقیقات انجام شده، سیگاری‌هایی که برای مدت طولانی به صورت شدید به کشیدن سیگار عادت دارند، معتادان واقعی هستند. آنها هنگام ترک سیگار واکنش‌هایی مشابه واکنش ترک سایر مواد نشان می‌دهند.

ترک سیگار برخلاف آن چه در نظر اول به ذهن می‌آید، کار دشواری است، چنانچه طبق یک تحقیق که روی ۱۳۶معتاد به تریاک و هروئین در کرمان انجام شده ۲۴ درصد آنها ترک سیگار را مشکلتر از ترک مواد فوق می‌دانستند.

استفاده از مواد مخدری که قانون منع نکرده است مانند توتون، پیش از استفاده از مواد مخدر غیر قانونی آغاز می‌شود. در تحقیقاتی که در سایر کشورها انجام شده، به دست آمده که استفاده نوجوانان از مواد مخدر، طی چهار مرحله متمایز صورت می‌گیرد: ۱ـ سیگار؛ ۲ـ ماری جوانا، حشیش؛ ۳ـ مشروبات الکلی؛ ۴ـ سایر مواد مخدر؛ داخل شدن درهر مرحله الزاماً به معنی آن نیست که شخص به

مرحله بعدی روی خواهد آورد؛ بلکه از میان افرادی که دریک مرحله هستند، تنها عده‌ای به مرحله بعدی می‌روند. درعین حال مشخص است که هر چه نوجوان یکی از مرحله‌های استفاده از مواد مخدر را زودتر آغاز کند، احتمال استفاده از مواد مخدر دیگر بیشتر خواهد بود. همچنین استفاده بیشتر از مواد مخدر در هر مرحله، با قدم گذاردن به مرحله بعد در رابطه است.

آیا مصرف سیگار لذت بخش است

استعمال سیگار همواره خوشایند نبوده، گاهی با سوزش، تنگی نفس، سرفه و حتی تهوع و سرگیجه همراه است. سیگاری‌ها مدعی‌اند سیگار باعث رفع خستگی می‌شود؛لیکن مدارک نشان می‌دهند، استعمال دخانیات باعث افزایش تنش‌هایی مثل سردرد و لرزش‌دست می‌گردد. طبق بررسی‌ها اگر فردی سریعاً پس از دود کردن اولین سیگار، سراغ سیگار بعدی رود و این کار از سوی نگرش‌های وی تأیید شود، احتمال اعتیاد منظم وی افزایش می‌یابد. از طرفی اگر این تجربه اولیه خوشایند بوده و مشکلاتی برای او ایجاد نکند، اعتیاد مستمر پیدا می‌کند.

تصور سیگار به عنوان وسیله‌ی جهت کاهش اضطراب در اعتیاد مؤثر است؛ ولی اگر سیگار احساس اضطراب ناخوشایندی را در فرد دامن بزند، احتمال ترک سیگار وجود دارد. از سوی دیگر اگر سیگار

کشیدن وسیله‌ای برای پذیرش در گروه تلقـی شـود، اعتیـاد بـه آن افزایش می‌یابد.

طبق تحقیقی که در سال ۱۳۸۰ انجام شد، مشخص گشت کـه شانس سیگاری شدن در افرادی که سـیگار را تجربـه کـرده‌انـد، در میان پسرها ۲۰ درصد و در میان دخترها ۳ درصد است. ایـن ارقـام نشان می‌دهد که درمیان پسران تجربه سیگار خطر بیـشتری بـرای سیگاری شدن به دنبال داشته است.

انگیزه‌های سیگارکشی بر اساس تحقیقات

۱. سیگارکشی به خاطر ایجاد واکنشهای عاطفی مثبـت، شـامل تحریک و برانگیختگی، تن آرامی، لذت‌بری از طعم، نگهداری وسایل سیگار کشی(مثل فندک‌های تزئینی و فانتزی)؛

۲. سیگارکشی برای کاهش واکـنش‌هـای عـاطفی منفـی، مثـل کاهش تنش و اضطراب؛

۳. سیگارکشی به دلایل اجتماعی متعدد به ویژه تعلق گروهـی، همانند سازی با دیگران و تعریف تصور از خود؛

سیگارکشی در اثر عادت، بدون انگیزه‌های دیگر؛

۵. اعتیاد به سیگار، یعنی فرد سیگار می‌کشد؛ زیرا در اثر عوامل بیولوژیک، وابستگی به نیکوتین پیدا کرده است؛

در واقع اکثر افراد بزرگسال بـه خـاطر ترکیبـی از عوامـل فـوق

سیگار می‌کشند؛ ولی کودکان و نوجوانان بیشتر به خاطر فرار از فشارهای اجتماعی ناشی از خانواده، تعامل با خانواده یا دوستانی که سیگار مصرف می‌کنند و طغیان جوانی، به سیگار رو می‌آورند.

در محیط مدارس راهنمایی و دبیرستان، انواع نوجوانان و جوانان از خانواده‌های مختلف وجود دارند. برخی از دانش‌آموزان از محیط و خانواده‌های اعتیاد خیز به مدرسه می‌آیند و در محیط مدرسه به راحتی به اشاعه سیگار و مواد مخدر می‌پردازند. طبق تحقیقات، کلاس دوم راهنمایی یک سن و یک مرحله بحرانی است که در آن فشارها برای سیگارکشی افزایش می‌یابد. در واقع در این زمان اولین آثار بلوغ در پسران دیده می‌شود؛ ارتباط نوجوان با همسالان خود بیشتر می‌شود و آنها با موقعیت‌های اجتماعی بیشتری روبرو می‌شوند. دنیای نوجوان‌ها بیش از گذشته از والدین و سایر بزرگسالان جدا می‌شود و دسترسی آنها به سیگار و مواد مخدر راحت‌تر صورت می‌گیرد. یکی از منابع اضطراب دانش‌آموز در این دوره، پذیرش او از سوی همسالان است. که آنها را با فشار زیادی مواجه می‌سازد. میل به استقلال در آنها بسیار زیاد است و آنها در مورد آنچه به ایشان آموخته شده است، با دیده تردید می‌نگرند.

به واسطه جمعیت زیاد دانش‌آموزان، مسؤولان مدارس معمولاً نمی‌توانند تحت نظارت افراد شایسته آنها را در کلاس، زمین ورزش و محیط‌های دیگر سازمان بخشیده و بر آنها تسلط کافی داشته باشند. از سوی دیگر نوجوانان و جوانانی که به طور مداوم در

فعالیت‌های درسی شکست می‌خورند و پیوسته مورد ملامت و سرزنش مسؤولان آموزشگاه‌ها و اولیای خویش قرار می‌گیرند؛ به ناچار می‌کوشند به نحوی این شکست را جبران کنند و مفرّی برای رهایی فکری خود بیابند و از این طریق به مصرف سیگار رو می‌آورند. البته درحال حاضر مشاوران آموزش و پرورش، تاحدود زیادی به نظارت منطقی و بدون فشار بر جوانان کمک کرده‌اند و مجالی مناسب برای ابراز مشکلات و یافتن راه حل‌هایی برای آنها فراهم کرده‌اند.

در یک کار پیشگیری، پژوهشگران به تدوین یک مجموعه ویدیویی در چهار قسمت ده دقیقه‌ای پرداختند که برای استفاده دانش‌آموزان کلاس اول دبیرستان در نظر گرفته شده بود. این مجموعه به شرح منابع عمده فشار برای سیگارکشی می‌پرداخت و به دانش‌آموزان راه برخورد کارآمد و مؤثر با آنها را نشان می‌داد. از آنجا که پیام‌های سنگین یا مصنوعی مسؤولان اغلب موجب واکنش‌های منفی در شاگردان می‌شود، در این مجموعه از بازیگرانی که خود دانش‌آموزان بودند، استفاده شده بود. این بازیگران مستقیماً بیان می‌کردند که از آنها خواسته شده است که راه‌های احتمالی پاسخ به وضعیتهای گوناگون در اجتماع را نشان دهند. مطالعات بلند مدت، کار این روش بر روش‌های دیگر را تأیید کرد، به عبارت دیگر پیام‌هایی که بر پیامدهای فوری سیگارکشی تأکید می‌کنند در

ایجاد تغییر واقعی در نگرش‌ها و نیت‌های کودکان مؤثرتر است، تا برنامه‌های ترساننده مثل جامعه سرطان شناسان که بر پیامدهای بلند مدت سیگار کشیدن تأکید می‌نماید.

نگرش وتصور ذهنی نسبت به سیگار و مواد مخدّر

جوانان به واسطه ذهنیت مثبتی که از سیگار و مواد مخدر دارند، درمعرض مصرف آن قرار می‌گیرند. تصوراتی مثل این که«مواد مخدر باعث کیف و لذت است»، «رسیدن به آرامش»، «رفتن به عالم هپروت و راحتی از فکر و خیال» و همچنین بسیاری از افراد سیگاری معتقدند «سیگار، برای افراد مسن و بیماران قلبی مضر است» و « من کاملاً سلامت هستم و سیگار برایم ضرری ندارد». تمامی این موارد باعث آمادگی جوان برای مصرف سیگار و سایر مواد مخدر می‌شود.

توصیه‌هایی به اولیا و مربیان

۱ـ افرادی که عادت به مصرف سیگار دارند، باید توجه نمایند مبتلا به عادتی ناپسند هستند و در صورتی که تاکنون قادر به ترک سیگار نشده‌اند، دست کم باید هر آنچه مربوط به سیگار است (مثل فندک و کبریت) را از چشم فرزندان مخفی کنند. معلمان در دفتر مدرسه نباید سیگار مصرف کنند؛ زیرا دود حاصل از آن به سالن

مدرسه رفته، دانش‌آموزان متوجه سیگار کشیدن معلـم‌هـا ودبیـران خود می‌شوند.

۲ـ از طریق اطلاع رسانی و آگاه سازی کودکان و نوجوانان، آنها را با جنبه‌های مختلف مصرف سیگار آشنا کرد. روال مصرف سـیگار در آمریکا نشان می‌دهد که اطلاع رسانی و آگاهی مردم از ضررهای سیگار، می‌تواند باعث کاهش مـصرف آن شـود؛برای مثـال در سـال ۱۹۵۴مقاله تحقیقی پیرامون پیامدهای مصرف سیگار منتـشر شـد. در آن زمان کل مصرف سیگار در آمریکا به شـدت پـایین آمـد؛ امـا مجدداً به طور تدریجی در سال‌های بعد بـالا رفـت. در سـال ۱۹۶۹ گزارشی درباره سیگار کشیدن و بهداشت انتـشار یافـت کـه فـروش سیگار را دوباره کاهش داد. همـانطور کـه قـبلاً گفتـیم وجـود یـک نگرش مثبت به سیگار عامل مهمی در روی آوری بـه سـوی اعتیـاد است. با تبلیغات و آگاه سازی در رسانه‌های عمومی و نیز گنجانـدن مطالبی در کتاب‌های درسی، می‌توان نگرش افـراد را از سـن پـایین نسبت به سیگار منفی کرد و آنها را برای مقابله باسیگار ومواد مخدر آماده ساخت. همچنین باید جوانان را نسبت به تأثیر فشار گروه‌های همسال برای مصرف سیگار و والدینی کـه سـیگاری هـستند، آگـاه کرد.

۳ـ هدایت وراهنمایی والـدین؛ از طریـق رسـانه‌هـای گروهـی و مدارس، آموزش‌هـا و اطلاعـات لازم در زمینـه جلـوگیری از اعتیـاد

جوانان در اختیار آنها قرار گیرد.

۴ـ سرگرم کردن و پرکردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان با فعالیت‌های سازنده و مفید.

۵ـ استفاده از تجارب علمی وعملی کشورها و سازمان‌هایی که در زمینه مبارزه با دخانیات و اعتیاد فعالیت کرده‌اند.

توصیه‌هایی برای مصرف کنندگان سیگار

۱ـ ترک سیگار باعث ایجاد یک احساس موفقیت درونی در شما می‌شود و با این کار می‌توانید به خودتان ببالید که بر این مشکل غلبه کرده، اراده لازم برای انجام کارهای مهم را دارید.

۲ـ به خودتان انگیزه و هدف بدهید. روی یک کاغذ تمام انگیزه‌های خود را برای ترک سیگار بنویسید. در این لیست که در واقع اهداف شما هستند، موارد ذیل را در نظر داشته باشید. بهبود سلامت، بهبود اشتها و خواب، انرژی فکری و جسمانی بیشتر، پس انداز هزینه‌های سیگار وضایعات مربوط به آن، تمیزی بیشتر لباس، لب‌ها و دندان‌ها، دهان ونفس خوشبو و بدون بوی سیگار. این نکته مهم است که تصورتان درمورد این که « بهتر است سیگار را ترک کنم» به این تصمیم که «حتماً باید سیگار را ترک کنم» تبدیل شود.

۳ـ زمان مناسب برای ترک سیگار را در نظر داشته باشید. یکی

از بهترین اوقات برای ترک هنگام زکام یـا سـرماخوردگی اسـت. در این شرایط معمولاً دخانیات طعم و احساس نامطبوعی در فرد ایجاد می‌کند. اگر یک سفر کوتاه یا کار جدیدی در زندگی برایتـان پـیش آمده است، از این فرصت هم برای ترک سیگار استفاده کنید.

۴ـ موقعی که به صورت قطعی تصمیم به ترک سـیگار گرفتیـد و«روز رهایی» رامشخص کردید، آن را بـه همـه دوسـتان و اعـضای فامیل اطلاع دهید. ازمدتی قبل مرتب به خود تلقین کنیـد کـه بـه بهترین وجه، سیگار را در تاریخ مشخص شده کنار خواهید گذاشت.

۵ ـ برای اکثریت قریب به اتفاق افـراد، فقـط اراده بـرای تـرک دخانیات کفایت نمی‌کند و به دارو درمـانی، روان درمـانی و وسـایل کمکی ساده‌ای نیاز است. دقت نمایید که برای ترک اعتیاد فقـط بـا پزشک ومشاورانی کـه در ایـن مـورد تبحّـر لازم را دارنـد، مـشورت نمایید[1].

---

[1] ـ روزنامه همشهری: ۱۳۸۳/۱۰/۱۳ .

اعتیاد به مواد مخدّر

اعتیاد چیست؟ معتاد کیست؟

کمیتهٔ متخصصان تشخیص مواد اعتیاد آور که وابسته به سازمان کمیسیون بهداشت جهانی است، اعتیاد را چنین تعریف می‌کند: اعتیاد به مواد مخدر مسمومیت حاد یا مزمنی است که مضر به حال شخص و اجتماع است و زاییده مصرف دارویی طبیعی یا صنعتی به شمار می‌رود. خصوصیات این حالت عبارتند از: اوّل، احساس نیاز و احتیاج به ادامهٔ استعمال دارو و به دست آوردن آن به هر طریقی که ممکن باشد. دوم، علاقهٔ شدید به ازدیاد میزان مصرف دارو. سوم، وابستگی روانی و جسمی به آثار داروهای اعتیاد آور به طوری که وقتی دارو به بدن نرسد، اثرات روانی و جسمی که به آثار قطع دارو مرسوم است در وی ظاهر می‌شود.

سازمان بهداشت جهانی نیز اعتیاد را وابستگی به مواد افیونی دانسته است که می‌تواند به صورت جسمی، روانی و یا ترکیبی از این دو باشد. و در صورت قطع مصرف مواد، حالت بهنجاری خود را از دست داده و نشانه‌های مرضی زیر را بُروز دهد: پیچش‌های شدید عضلانی، دردهای استخوانی، اسهال شدید، انقباض‌های شکمی، آبریزش بینی، اشک ریزش، سیخ شدن موها، خمیازه، بالارفتن فشار خون، تندی ضربان قلب، اضطراب، میل شدید برای مصرف مواد

افیونی، بی‌اشـتهایی، بـی‌خـوابی، پرخاشـگری، عـصبانیت، تحریـک پذیری، پرحرفی و دیگر علائم مَرَضی ایـن نـشانه‌هـا از شخـصی بـه شخص دیگر و از موادی به موادِ دیگر فرق می‌کنـد و ممکـن اسـت صورت‌های خِفیف، متوسط و شدید داشته باشد.

کمیته متخصصان تـشخیص مـواد اعتیـاد آور در تعریـف معتـاد می‌گوید: معتاد عبـارت اسـت از شخـصی کـه در نتیجـه اسـتعمال متمادی دارو، در بدن وی حالت مقاومت اکتـسابی ایجـاد شـده، بـه طوری که استعمال مکرّر آن موجب کاسته شدن تدریجی اثرات آن می‌شود. و در صـورتی کـه دارو بـه فـرد نرسـد، اخـتلالات روانـی و فیزیکی موسوم به سندروم محرومیت حاصل می‌شود[۱].

اعتیاد بلای عصر حاضر

ایران به لحاظ جغرافیایی همسایه بزرگترین کشور تولید کننـده خشخاش و مخدرهای طبیعی است که به طور متوسط سالانه حدود سه هزارتن مواد مخدر تولید می‌کند و در سال‌های اخیـر نیـز بنـابر اطلاعات دریافتی با کمک و همکاری بیـشتر کـشورهای مـستقر در افغانستان، کشاورزان خشخاش کار توانستند این میـزان را بـه پـنج هزارتن برسانند؛ لذا با توجه به فرهنگ اعتقادی اسـلامی ایرانیـان و ناهنجار شناختن مصرف مواد مخدر، جامعه ایران در بعد مبـارزه بـا

---

[۱] ـ مجله حقوق زنان: شمارهٔ ۱۱.

عرضه و تقاضا هر ساله هزینه‌های هنگفتی صرف می‌کند؛ به طوری که طی این سال‌ها سهم ایران از این مبادلات به شهادت رسیدن ۳۴۸۶ نفر از بهترین جوانان ایرانی در راه مبارزه با باندهای قاچاق مواد مخدر، وجود دومیلیون معتاد رسمی و تفننی، سیصد هزار معتاد تزریقی، ارتباط مستقیم ۶۰ درصد طلاق‌های کشور با اعتیاد، وارد آمدن سالانه بین ۴ تا ۵ هزار میلیارد تومان خسارت مالی از این طریق به کشور و مرگ روزانه ۱۰ تا ۱۲ معتاد و صدها معضل و مشکل دیگر است.

قائم مقام سازمان بهزیستی کشور از وجود ۱۸۵ میلیون معتاد و۱۰ میلیون قاچاقچی در جهان بر اساس آمارهای رسمی خبر داده و می‌گوید: درحالی که اعتیاد عامل ۴۰ درصد سرقت‌ها، ۵۵ درصد طلاق‌ها، ۶۵ درصد کودک آزاری وهمسر آزاری‌ها و بیش از۷۰ درصد ابتلا به ایدز در کشور است.

وی همجواری ایران با کشور افغانستان را تهدید بزرگی در زمینه مصرف مواد مخدر دانست وافزود: سالانه بیش از چهار هزار تن مواد مخدر در افغانستان تولید می‌شود که کشور ما بهترین راه توزیع و یا عبور مواد مخدر به دیگر کشورهای مصرف کننده است.

وی با بیان اینکه درطول ۲۵سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، تاکنون ۴۶هزار تن تریاک در افغانستان تولید شده که این رقم در ۲۵سال قبل از آن ۲۶۵ تن بوده است، اظهار می‌دارد: مواد مخدر امروزه به عنوان اولین و مهمترین منبع درآمد اقتصادی جهان

است؛ به طوری که سالانه ۱۶۰۰میلیارد دلار درآمد مالی از این بخش تامین می‌شود.

وی می‌افزاید: اگر چه امروز آمریکا بر افغانستان حاکم است؛ اما نه تنها مانع تولید مواد مخدر در این کشور نمی‌شود؛ بلکه کشاورزان آنها را نیز به کشت مواد مخدر تشویق می‌کنند که همین لزوم هوشیاری مسؤولان ومتولیان امر را نسبت به این خطر بزرگ ـ که تهدید جدی برای نسل‌های آینده این کشور به شمار می‌رود ـ هر روز بیش از روز گذشته آشکار می‌سازد.

هر دقیقه یک معتاد می‌میرد!!

یکی از مسؤولان ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور می‌گوید: در ایران هر دقیقه یک معتاد می‌میرد و طی چند سال اخیر نیز حدود دومیلیون و هفتصد هزار معتاد دستگیر شده‌اند که سن آنها بین ۱۰تا۱۰۰سال بوده است.

در حالی که این مسؤول از مصرف روزانه ۲ تن مواد مخدر به ارزش ۴۵ هزار میلیارد ریال درکشور خبر می‌دهد. برخی کارشناسان و دستگاه‌ها معتقدند که روزانه بین دو تا شش تن مواد مخدر توسط معتادان ایرانی مصرف می‌شود و۱۲میلیون نفر نیز به نوعی درگیر با مشکل مواد مخدر هستند و به طور متوسط هر فرد معتاد درطول زندگی خود حدود ۱۰نفر را به کام اعتیاد می‌کشاند که البته با توجه

به ادامه روند رشد۱۳/۲درصد بیکاری در سال می‌توان حدس زد که اغلب آنها جوانان بیکار یا فاقد هرگونه مهارت اجتماعی هستند.

بنابر آمار رسمی پزشکی قانونی در سال ۱۳۸۱، ۳۵۰۰ نفر و در سال ۱۳۸۲، ۴۵۰۰ معتاد جان خود را از دست دادند که اغلب آنها در تهران فوت کرده‌اند.

این در حالی است که بر اساس برآوردهای صورت گرفته در همین زمان ورود مواد مخدر به کشور فقط بین ۲۰ تا۳۰ درصد افزایش داشته است.

۴۷ درصد معتادان بین ۲۵ تا۴۰سال هستند!

بر اساس آمار سازمان ملل ۳ درصد از معتادان دنیا را جوانان ۱۵تا۲۰ سال تشکیل می‌دهند که درکشور ما نیز فقط ۳درصد از معتادان رسمی کشور را جوانان زیر ۲۰ سال تشکیل می‌دهند.

سردار ابویی به راهکارهای مبارزه وکنترل ورود، توزیع ومصرف مواد مخدر در کشور اشاره می‌کند و معتقد است: متوازن ساختن همه فعالیت‌هایی که در راستای مبارزه با مواد مخدر صورت می‌گیرد به خصوص در بعد فعالیت کاهش عرضه وتقاضا، جمع آوری معتادان خیابانی از سطح شهر و ایجاد مراکز بازپروری و نگهداری معتادانی که اقدام به ترک نمی‌کنند و مجازات قاطع و به موقع با عناصر اصلی قاچاق مواد مخدر که در تمام این موارد

نیازمند برنامه ریزی‌های کارشناسانه در دوره زمانی ۵ تا ۱۰ساله در امر پیشگیری و درمان اعتیاد هستیم.

وی با بیان اینکه نمی‌توان آمار دقیقی از میزان مصرف مواد مخدر درکشور ارائه داد، اظهار می‌دارد: خوشبختانه درحال حاضر میزان گرایش به مصرف مواد مخدری همچون هروئین کمتر شده و ما بیشترین کاهش در گرایش به مصرف مواد را در هروئین شاهد بوده‌ایم؛ درحالی که میزان مصرف حشیش به دلیل افزایش کشفیات مواد مخدر همچون تریاک و هروئین و افزایش ناخالصی این مواد افزایش یافته است. بنابر اعلام رسمی برخی از کارشناسان و مسؤولان سازمان بهزیستی کشور اعتیاد به مواد مخدر در بروز بسیاری از بزه‌ها از جمله ۵۰ درصد طلاق‌ها و از هم پاشیدگی کانون خانواده، ۴۰ درصد اعمال خشونت علیه کودکان، ۶۷ درصد انتقال ویروس ایدز و درصد قابل توجهی از خودکشی، دیگر کشی، خشونت و فحشا موثر است و همچنین ۶۵ درصد بزهکاری کودکان و ۳۰ درصد کودک آزاری نیز بنابر تحقیقات صورت گرفته در خانواده‌هایی روی می‌دهد که طلاق به علت اعتیاد یکی از والدین در آن به وقوع پیوسته.

شایان ذکر است که اغلب داد خواست‌های ارایه شده برای طلاق از سوی زنان نیز به خاطر اعتیاد همسر انشان است و همچنین اعتیاد علت العلل اکثر خود کشی‌ها است.

بیش از ۹۰ درصد معتادان ایرانی متاهلند!

نتایج بررسی مشترک دفتر کنترل مواد مخدر سازمان ملل و سازمان بهزیستی بین سالهای ۷۸ـ ۷۷ بیانگر این امر است که ۹۳/۴ درصد از معتادان ایرانی را مردان متاهل بین ۲۳تا۴۴سال تشکیل می‌دهند که این افراد می‌توانند به نوعی بر روی سایر اعضای خانواده نیز تأثیر منفی برجای بگذارند. یکی از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی با بیان این مطلب اظهار می‌دارد: چنانچه تعداد کل معتادان ایرانی را دو میلیون نفرمحاسبه کنیم که تنها ۷۰٪ درصد آنها متاهل باشند و فقط ۸۵ درصد آنها بیش از دو فرزند نداشته باشند، بر این اساس حدود دو میلیون و ۵۰۰ هزار کودک، با پدران معتاد درکشور، شرایط سخت ودشواری را درمحیط خانواده تجربه می‌کنند.

وی با بیان اینکه نوعی نگرانی و اضطراب دائمی بر فضای خانواده معتادان سایه افکنده، اظهار می‌دارد: اعضای خانواده همواره دچار بیم دستگیری پدر خانواده هستند، فرزندان هنگام مراجعه پدر به خانه به جای اینکه او را با دست پرببینند، معمولاً هنگام رفتن از منزل نظاره‌گرند که با دست پر از منزل خارج می‌شود تا وسیله‌ای را به پول تبدیل کند.

این جامعه شناس حمایت از مادران برای سرپرستی فرزندان، حمایت قانونی از زنان شوهر معتاد و واکسیناسیون اجتماعی

کودکان در برابر اعتیاد را از جمله راهکارهای پیشگیرانه دانست ومعتقد است: بسیاری از مهارتهای فردی و اجتماعی نظیر تصمیم‌گیری به موقع و به جا، جلوگیری از بروز کم‌رویی در کودکان و پرورش اعتماد به نفس آنها از موارد محتوایی این واکسیناسیون اجتماعی به شمار می‌آید.

وی تصریح می‌کند: در نتیجه این واکسیناسیون اجتماعی، نوجوانی که اکنون دیگر خجالتی بار نیامده، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار شده و جسارت نه گفتن به پیشنهادهای خلاف را می‌آموزد؛لذا چنانچه درشرایط آسیب‌زا قرار بگیرد از جمله دعوت شدن به کشیدن سیگار و یا مصرف مواد مخدر به راحتی می‌تواند مناسب‌ترین تصمیم را بگیرد.

اما در این میان برخی از مسؤولان امر نیز یکی از دلایل افزایش آمار تعداد معتادان جامعه و به طبع آن کاهش سن اعتیاد و گرایش جوانان وحتی نوجوانان به سوی مصرف مواد مخدر را کمرنگ شدن نقش اقدامات پیشگیرانه و بها ندادن به آن عنوان می‌کنند؛ بطوری که معتقدند در ایران به درمان، بیش از پیشگیری اهمیت داده می‌شود.

آری! بالارفتن آمار اعتیاد در ایران به دلایل مختلفی مانند اعتیاد حمل کنندگان مواد، پرداختن به بحث درمان بیش از پیشگیری و عدم آموزش واطلاع رسانی کافی افراد جامعه در مبارزه با اعتیاد و

همچنین افزایش مراکز تـرک اعتیـاد و داروهـای جـایگزین صـورت گرفته است .

در زمینه مبارزه با اعتیاد گامهای کندی تـا بـه امـروز برداشـته شده است، بایـد آموزشـها را از طریـق آمـوزش چهـره بـه چهـره و همچنین برگزاری کلاسهای آموزشی در سطح مـدارس، دبیرسـتان، دانشگاه و مهدهای کودک و تمامی آموزشگاهها برای افراد خانواده‌ها فراگیر کنیم.

اگر به بحث آموزش اعتیاد نگاه و برنامه ریزی درسـتی شـود، در سالهای آینده با مشکل و معضل بزرگ اعتیاد روبرو نخواهیم شد.

یک ستاد نهادی مانند ستاد مبارزه با مواد مخـدر نمـی‌توانـد بـه تنهایی این معضل را حل کند و نیاز به همکاری و همـاهنگی تمـام نهادهای مرتبط مانند صداوسیما، آموزش وپرورش، وزارت بهداشـت و.....وجود دارد.

برای کاهش اعتیاد، باید مکانیزمهای قویتری برکنترل توزیع مواد درکشور صورت گیرد و همچنین زندانیان معتاد نیز از سایر زندانیان جدا شوند.

در ایران زمانی که معتادان مواد مخدر محدود به تعداد اندکی از جمعیت بزرگسال بود اعتیاد به عنوان یک مُعضل و پایه آسیب‌های اجتماعی تلقی نمی‌شد؛ ولی با توجه به ساختار جمعیت فعلی کشور و فراهم بودن بسترهای لازم برای شیوع مصرف ایـن مـاده در بـین جوانان، از قبیل افزایش نرخ بیکاری، اقتصاد بیمار، بـالا رفـتن سـن

ازدواج و..... حدود ۴۴ میلیون نفر از جمعت جوان کشور در معـرض این آسیب و خطر جدی قرار دارنـد و بـالطبع بایـد را هکارمناسـبی جهت مصون سازی جوانـان و نوجوانـان کـشور در برابـر ایـن بـلای خانمان سوز ارائه داد[۱].

عوامل مؤثر اعتیاد در ایران

مسأله اعتیاد به مواد مخدر، منحصر به کشور مـا نیـست و کلیـهٔ جوامع بشری را تهدید می‌کند، کشور ما به فراخور امکانات با تهیه و طرح و تنظیم برنامه و مدیریت و صرف مبالغ هنگفتی در پیشگیری و جلوگیری از ورود مواد مخدر، مبارزه‌ای سخت و پی‌گیـر را دنبـال می‌نماید، که تا کنون با وجود کوشش فراوان، به علت عدم همکاری کشورهای دیگر متأسفانه به نتایج مطلوب و دلخـواه نرسـیده اسـت. مبارزه با اعتیاد در کشور ما نیازمند همکاری دولت و عـزم همگـانی است؛ چرا که ثابت شده است حتـی بـا وضـع و اجـرای شـدیدترین قوانین جزایی در جوامع، مشکل این عارضه روانی ـ اجتماعی به طور کامل حل نمی‌شود. شناخت عواملی که باعث می‌گردد شخص سالم به استعمال مواد مخدر پناه ببرد، یکی از ارکان اساسی مبارزه با مواد مخدر است.

---

۱ ـ خبرنگاری مهر: ۱۳۸۳/۱۰/۷.

عوامل مؤثر در اعتیاد

الف) عواملی فردی:

۱ـ فقدان ارزشهای مذهبی و اخلاقی؛

۲ـ اختلالات روحی و روانی(احساس حقارت، پایین بودن عزت نفس، نارسایی‌ها و کمبودهای شخصیتی، وابستگی شخصیت، اضطراب‌ها و تشویش‌ها، محرومیت‌های جنسی و تأخیر در ازدواج، فقر در معاشرت و دوستی، شکستها و ناکامیها همه کمک می‌کنند شخصیت‌های آسیب‌پذیر زودتر و راحت‌تر به دام اعتیاد بیفتند)؛

۳ـ زمینه تربیتی: فردی که یکی از اعضای خانواده یا بستگانش معتاد باشند احتمال اعتیادش بیشتر است؛

۴ـ افت تحصیلی یا ترک تحصیل؛

۵ـ بیماری‌های جسمی: مانند فرد سستی که دچار کمر درد یا پا درد است به جای مراجعه به پزشک تریاک مصرف کند؛

ب) عوامل خانوادگی

نفاق و ناسازگاری و درگیری در محیط خانواده؛

سطح سواد پایین والدین؛

خانواده‌های از هم گسیخته و نابسامان(تک سرپرست یا بی‌سرپرست)؛

عدم آگاهی نسبت به روش‌های تربیتی(والدین خودکامه یا مستبد و یا والدین سهل انگار و بی بندوبار)؛

وجود فردی معتاد یا قاچاقچی در خانواده؛

افزایش تعداد افراد خانواده؛

۷ ـ عدم وجود ارتباطات دوستانه و صمیمانه میان والدین و فرزندان؛

ج) عوامل اجتماعی

بیکاری: دکتر «حسین فرجاد»، در کتاب «*آسیب شناسی اجتماعی*» می‌نویسد: بیکاری به عنوان یک مسأله اجتماعی زمینه مساعد برای انحرافات اجتماعی به ویژه اعتیاد است، افراد بیکار چون بیش‌ترین اوقات خود را در قهوه خانه‌ها می‌گذراند و این گونه اماکن بهترین و مناسب‌ترین جا برای فروش و مصرف مواد مخدر است، در نتیجه برای گرایش و کشش به طرف اعتیاد عامل مساعد به شمار می‌آید که در اصل از بیکاری مردم ناشی می‌شود.

فقدان توانایی مالی: دکتر «حسین فرجاد»، در کتاب «*آسیب‌شناسی اجتماعی*» می‌نویسد: فقر یکی از عوامل افزایش اعتیاد است. طبق آمار بیش‌ترین معتادان را افراد فقیر در جامعه تشکیل می‌دهند، ولی نمی‌توان گفت، بین فقر و اعتیاد رابطه مستقیم وجود دارد.

رفاه اقتصادی توام با بیکاری.

مهاجرت به شهرهای بزرگ، اختلافات فرهنگی، تنهایی و عدم حمایت خانواده و بستگان، وضع بد مسکن و محیط، زمینه را برای

گرایش اعتیاد فراهم می‌کند.

مصرف مواد مخدر به عنوان هنجار اجتماعی، در جوامعی که مصرف مواد مخدر نه تنها ضد ارزش تلقی نمی‌شود؛ بلکه جزیی از آداب و سنن جامعه و یا نشان تمدن و وسیله احترام و پذیرایی است، مقاومتی برای مصرف مواد مخدر وجود ندارد و سوء مصرف اعتیاد شیوع بیش‌تری دارد.

دوستان یا اطرافیان معتاد، که با تشویق فرد به مصرف مواد، او را در معرض خطر مصرف قرار می‌دهند.

۷ـ نداشتن فرهنگ صحیح درمان.

۸ ـ عدم وجود هماهنگی بین ارگانهای مختلف جهت حل مسأله اعتیاد.

زیان‌های مرگبار مواد مخدر

پس از شناخت عوامل گرایش مردم به مواد مخدر، لازم است آثار مخرب این معضل اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد تا جوانان عزیز پیش از ارتکاب و وسوسه مصرف مواد مخدر به عواقب ویرانگر آن آگاهی داشته باشند و لذت جویی چند لحظه را با زندگی شیرین و ر افتخار معامله نکنند و سودا گران زراندوز را مأیوس نمایند. در این بخش به گوشه‌ای از این آسیب‌ها و آثار زیانبار در ابعاد فردی و اجتماعی اشاره می‌کنیم.

آسیب‌های جسمی

۱ـ معتادان به تریاک هشت برابر بیشتر از افراد عادی به سرطان مثانه مبتلا می‌شوند.

۲ـ به علت توقف فعالیت حرکتی روده‌ها یبوست شـدید در آنهـا ایجاد شده و باعـث اخـتلال در جـذب مـواد غـذایی و ویتـامین‌هـا می‌شود. این امر منجر به عدم تغذیه و تأمین کلیه سلول‌هـا شـده و موجب مرگ تدریجی آنها می‌گردد. عدم درمـان بـه موقـع در ایـن مورد امکان مرگ معتاد را فراهم می‌کند.

۳ـ معتادان دچار انواع بیماری‌های پوسـتی مـی‌شـوند کـه ایـن امراض در کسانی که به شیوۀ تزریق مواد معتادند بیشتر است.

۴ـ عفونتهای خطرناک، اختلالات گوارشی متعـدد، کـاهش وزن، سوء تغذیه، آسیب‌های عضلانی، اخـتلالات کبـدی و کلیـوی، ایـدز، هپاتیت، کزاز، بیماریهای مزمن تنفسی، اختلال‌هـای قلبـی عروقـی سکته‌های قلبی و مغزی و اختلال خواب و..... از زیـان‌هـای مرگبـار اعتیاد به مواد مخدر به شمار می‌رود.

علایم محرومیت از مواد

فرد معتاد با مصرف مواد مخدر جسم نیرومند و پرتـوان خـود را آشیانه امراض قرار می‌دهد. معتاد اگر ده تا دوازده سـاعت مـواد بـه بدنش نرسد، جسمش دچار اختلال‌های فراوانی می‌شود کـه عبـارت

است از ناراحتی‌های عصبی، اضطراب، بی قراری، عطسه‌های شدید، ریزش آب از بینی و چشم‌ها، عرق زیاد، بی‌اشتهایی، بی‌قراری، افسردگی احساس مرگ قریب الوقوع، تحریک پذیری، ناراحتی‌های شدید عضلانی و فشارهای شدید در ستون فقرات و دل درد بی‌اشتهایی به غذا، لاغر شدن بدن، عفونت مغز، سیخ شدن موی بدن، کاهش میل جنسی، عفونت استخوان و احتمال سکته مغزی و..... البته اگر فرد این فشارها را تحمل کند اعتیادش از بین می‌رود. ولی این امر از لحاظ پزشکی مسلم است که نرسیدن مواد مخدر موجب مرگ و میر نخواهد شد.

آسیب‌های روحی و روانی

اعتیاد ضربات بسیار مهلکی بر شخصیت و روان آدمی وارد می‌سازد. نیروی اراده معتاد در اثر مصرف مواد مخدر تضعیف شده و توانایی تصمیم گیری برای زندگی خویش را از دست می‌دهد. او از انجام کارهای بزرگ وحشت دارد و اگر کاری را شروع کند، نمی‌تواند آن را به پایان رساند.

نکته‌ای که شایان ذکر است این است که رابطه بین اعتیاد و شخصیت، متقابل است، اعتیاد به تدریج گسترش می‌یابد، شخصیت معتاد نیز تدریجاً انسجام خود را از دست می‌دهد.

پرخاشگری، اختلال در سازگاری روانی فرد و پیدایش افسردگی

و زمینه سازی برای بیماری‌های روانی، تخفیف حرکات ارادی، سلب ابتکار، پیدایش حالت جنگ و ستیزه با خود و بعدها با دیگران، نقصان میل و توانایی جنسی از عوارض اعتیاد است.

آسیب‌های اجتماعی و رفتاری

پیامدهای زیان بار اعتیاد تنها به جسم و روح معتاد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ابعاد این فاجعه دامن جامعه و انسان‌های مرتبط با معتاد را نیز می‌گیرد. از این رو می‌توان گفت: اعتیاد علاوه بر یک نوع بیماری، یک جرم هم تلقی می‌شود که در قانون برای سلامت و حفظ جامعه تدابیری در این خصوص اندیشیده شده است.

رابطه اعتیاد و بزهکاری یک رابطه معمولی است این معضل، بلای خانمان‌سوزی به شمار می‌رود که در تمام کشورهای دنیا و از جمله ایران هر روز قربانیان بیشتری را به دام خود می‌کشد. از سوی دیگر اعتیاد باعث ارتکاب دو جرم اصلی از سوی معتاد می‌شود. یکی حمل و خرید و فروش مواد مخدر و دیگر سرقت برای تهیه آن. که هر دو جرم برای دستیابی به مواد مخدر ضروری است.

در مطالعات صورت گرفته در یکی از مراکز نگهداری معتادان مشخص شده است که بین ایدز و اعتیاد در ایران رابطه مستقیمی وجود دارد و ۵۶ درصد از افراد مبتلا به ایدز در این مراکز از طریق استفاده از سرنگهای مشترک آلوده به ویروس اچ آی وی(HIV) به

این بیماری عفونی و کشنده مبتلا شده اند.

در این بررسی ۳۴ درصد طلاقهای کشور ناشی از اعتیاد و مسائل مربوط به مواد مخدر اعلام شده است و ۲۵ درصد ا زمعتادان از طریق غیر قانونی(سرقت، فساد، فحشا و .....)پول مورد نیاز خود را برای تهیه و تأمین مواد مصرفی مورث نیازشان به دست می‌آورند.

هم چنین در اثر انحطاط شخصیت و عدم تعادل روانی معتاد، رابطه عاطفی و معنوی معتاد با جامعه و دیگر انسانها کم‌کم قطع می‌شود. این گسیختگی ارتباط آرام آرام، به احساس تنهایی و غربت و بی‌کسی و بیگانگی منجر شده و حالت بی‌اعتنایی به جامعه و ضوابط اخلاقی و قانونی آن را تشدید می‌کند و به بروز عوارض گوناگون اجتماعی منتهی می‌گردد.

خسارت‌های اقتصادی

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد، خسارت‌های اقتصادی ناشی از مصرف و قاچاق مواد مخدر (شامل هزینه مصرف مواد، از کار افتادگی، افت تولید، هزینه مانورها و دستگیری‌ها، تلفات دشمن، شهادت و مجروحیت نیروهای خودی، بی‌سرپرستی خانواده‌های اعدامیان و زندانیان، هزینه نگهداری مجرمان مواد مخدر و معتادان در زندان‌ها، هزینه مراکز بازپروری و درمانگاههای ترک اعتیاد، هزینه‌ها و خسارات ناشی از مراقبت‌های بهداشتی ثانویه شامل

بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و .....) حداقل ۱۵۰۰ میلیارد تومان در سال است که در مقایسه با آمار معتادان و استعمال کنندگان مواد مخدر به طور میانگین هزینه سرانه هر فرد معتاد بالغ بر ۲۰۰۰ تومان در روز می‌شود.

بی تردید یکی از عوارض ناگوار مواد مخدر به هم زدن و از هم پاشیدن بنیادهای اقتصادی و از بین بردن ثروت فرد و اجتماع است. این امر با ایجاد مشاغل کاذب و بکارگیری افراد در رابطه با کشت، تولید و توزیع شروع شده و در نهایت به تحلیل نیروی انسانی و نابود کردن و خارج نمودن ثروت جامعه، جهت وارد کردن مواد منتهی می‌شود.

ابعاد سیاسی اعتیاد

در اینجا به یکی از اهداف عمده کشورهای سلطه‌گر از گسترش اعتیاد به ویژه در کشور خودمان می‌پردازیم: از دیر باز دشمنان انسانیت هرگاه می‌خواستند جامعه‌ای را به انحطاط و تباهی بکشند، بیشتر توجه خود را به نسل جوان جامعه معطوف می‌کردند؛ زیرا این قشر جامعه می‌تواند به علت استعدادها و نیروها و تحرک خود، شرایط موجود را تغییر داده و اجتماع را به سوی کمال و سعادت رهنمون ساخته و یا به طرف رکود و سقوط بکشاند. اگر در جامعه‌ای نیروی جوان در جهت تربیت صحیح قرار گیرد دیانت، شجاعت، علم

و عمل در آن شکوفا گردد. این جامعه هیچ گاه مقهـور سـتمگران و سلطه گران نشده و همچنان تسلیم ناپذیر در راه اهداف مقدس خود و مبارزه با مستکبران و عوامل مخالف رشـد خواهـد نمـود. جوانـان انقلابی کشور ما، بهترین الگوهای این ادعا هستند. متأسفانه آمـار و اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که جمعیت معتادان در حـال جوانتر شدن است به این معنی که میانگین سنی معتادان به تدریج پایین‌تر می‌آید.

دام گستردهٔ اعتیاد

مسأله اعتیاد در جهان امروز از مسائل مهم اجتماعی است کـه در بیش‌تر کشورها به صورت مشکل عمده‌ای مطرح شده و کشور ما نیز از این آسیب اجتماعی در امان نمانده است و هر روز در گوشه و کنار این مملکت شاهد قربانی شدن افرادی در دام مـواد اعتیـاد آور هستیم. آمارهای رسمی ارائه شده از سوی وزارت بهداشت و درمـان و ستاد مبارزه با مواد مخدر بیانگر وجود ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفـر مصرف کننده مواد مخدر است. که از این تعداد یک میلیـون و ۲۱۴ هزار نفر مصرف کننده تفننی مواد مخدر بودند.

بـر اسـاس آمـار ۶۰ درصـد کـل زنـدانیان را معتـادان تـشکیل می‌دهند. همچنین بر اساس آمار خـسارت‌هـای ناشـی از مـصرف و قاچاق مواد مخدر در ایران سالیانه بالغ بر ۴۸۰ میلیارد تومان که بـا

توجه به افزایش نرخ تورم، این رقم در هر سال رو به افزایش است.

ارزش مواد مخدری که در تیر ماه ۱۳۷۷ به مناسبت روز جهانی مبارزه با مواد مخدر در ایران سوخت، معادل ۷۰۰ میلیون دلار بود که به گفته معاون دبیر کل سازمان ملل این مقدار می‌توانست مصرف مواد مخدر یک سال کشورهای فرانسه، آلمان و انگلیس را تأمین کند.

رسانه‌ها باید پیشگام باشند

رسانه‌ها ابزاری پر ارزش در افزایش سطح آگاهی، افشاگری و اعتراض علیه فساد و تباهی هستند. هر جامعه‌ای با توسل به این ابزار در صورت استفاده صحیح و منطقی از آن می‌تواند راه سعادت و مهرورزی خود را هموار کنند.

قدرت رسانه‌ها در حدی است که می‌تواند در خصوص مشکلات اجتماعی به افراد جامعه هشدار داده و در عمل به نهادها و سازمان‌های اجرایی کمک بزرگی کنند. اعتیاد از جمله مشکلات اجتماعی است که از این قاعده مستثنا نیست. رسانه‌ها باید با آگاهی بخشی و اطلاع رسانی شفاف جامعه را در برابر خطرات این معضل اجتماعی بیمه سازند و از سوی دیگر دولت را در امر مبارزه با آن یاری کنند. رسانه‌های گروهی باید با ترتیب دادن برنامه‌های مختلف رادیو وتلویزیون، در خصوص اعتیاد و مواد مخدر با انتشار پوستر،

جزوه کتاب نوار، و سایت‌های رایانه‌ای برای گروه‌های سنی (نوجوانان و جوانان و بزرگسالان) آنان را از مضرات، خطرات و آسیب‌های مصرف مواد مخدر آگاه نموده و در پیشگیری از مصرف آن تعلیم دهند.

رسانه‌های جمعی باید برنامه‌های هنری جذّابی تهیه کنند که در آن هویت دینی و ملی جوانان را تبیین کرده و ارزش‌هایی از قبیل احترام به اعضای خانواده، احساس مسوولیت در برابر ارزش‌های مذهبی و رجوع به مشاوران تربیتی هنگام بروز مشکلات روحی و روانی و ..... راترویج نمایند. آفات بهداشتی و روانی اعتیاد، احتمال ابتلا به بیماری‌هایی نظیر ایدز و نیز اثرات اجتماعی آن نظیر محرومیت از حقوق ومنزلت اجتماعی، طرد شدن از جامعه و خانواده، را بیان نمایند.

راهکارها و پیشنهادات

در زمینه مبارزه با بلای خانمان سوز اعتیاد راهکارها و پیشنهادات مختلفی وجود دارد که ما در اینجا به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

۱ـ تقویت ارزش‌های مذهبی و رواج و پروش دادن باورهای دینی و اعتقادات مذهبی در کودکان و نوجوانان.

۲ـ جامعه می‌بایست از خطرهای واقعی مواد مخدر آگاهی پیدا

کند. به خصوص نسل جوان هر مملکت به عنوان سرمایه‌های اصلی و آینده‌سازان هر کشور می‌بایست با آثار ناگوار مخدرهایی چون تریاک، حشیش و هروئین آشنا شود. در این راستا می‌توان از معتادان مراکز باز پروری برای عبرت‌گیری نسل جوان بهره جست و با نشان دادن گذشته و حال آنها، پیامد شوم مصرف مواد مخدر را به جوانان نشان داد.

۳ـ والدین از همان دوران کودکی و خصوصاً نوجوانی مراقب فرزندان خود باشند و دوستان و رفت و آمدهای آنها را کنترل کنند تا از آشنایی فرزندشان به مواد مخدر و گرایش آنها به مواد افیونی جلوگیری کرده باشند. فرزندان صالح امروز، پدر و مادران خوب فردا هستند؛ اما نوجوانان معتاد و بزهکار، چگونه والدینی خواند بود؟!

۴ـ آشنا کردن مردم به ویژه جوانان با ماهیت اوقات فراغت و ارائهٔ الگوی صحیح، جاذب، متنوع و هدفدار برای پرکردن اوقات فراغت و نیز احداث فضای سبز، کتابخانه، پارک‌های کوچک در محله‌های مسکونی به ویژه در مناطق پرجمعیت، برگزاری اردوهای تفریحی و زیارتی و آشنا سازی جوانان با فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی، گسترش ورزش و به خصوص ورزش‌های قهرمانی و رقابتی مانند فوتبال و بالاخره برگزاری کلاس‌های معارف اسلامی به شیوه نوین و جذاب از مهمترین پیشنهادهایی است که در بحث اوقات فراغت باید مورد توجه قرار گیرد.

۵ ـ شدت عمل در برخورد با معتادانی که بیش از یکبار دستگیر شده‌اند و در نظر گرفتن یک دوره محکومیت خاص برای آنها، وجود پیگردهای قانونی و کیفر معتادان و عاملان ترویج اعتیاد، نوعی پیشگیری و بهترین درمان است؛ زیرا کیفرهای شدید قانونی و اجرایی، از تمایل و کشیده شدن افراد سالم به اعتیاد می‌کاهد و اگر باعث ترک معتادان نشود حداقل موجبات تخفیف گرایش به موادمخدر را در دیگران پدید می‌آورد.

۶ ـ آموزش نسل جوان از طریق مدرسه و نشان دادن آثار و نتایج منفی اعتیاد به آنها می‌تواند به نحو قابل ملاحظه‌ای از گرایش جوانان به مواد افیونی بکاهد؛ زیرا گاه نوجوانان و جوانان در اثر ناآگاهی و عدم شناخت واقعی از زیانهای اعتیاد، از مواد مخدر به عنوان وسیله‌ای جهت کسب اعتبار بیشتر در میان دوستان و گروه همسالان استفاده می‌کنند؛ اما اگر خطرهای واقعی مصرف مواد مخدر را به جوانان نشان دهیم، بهترین موقعیت را برای کنترل آنان در مقابل این مواد افیونی ایجاد کرده‌ایم.

۷ـ از آن جایی که اولین گام اعتیاد با روشن کردن اولین سیگار برداشته می‌شود، مبارزه با سیگار نیز قدمی اساسی جهت جلوگیری از بروز و اشاعه اعتیاد در جامعه است. کوچکترین گام در این راه ممانعت از تبلیغ و تشویق سیگار در وسایل ارتباط جمعی به هر شکل، مستقیم یا غیر مستقیم است. در برخی فیلمها سعی می‌کنند سیگار را در موقعیتهایی تصویر کنند که جالب و جذاب باشد، مثلاً

سیگار در دست هنرپیشه نقش اول، برای نشان دادن حالتهایی چون اندیشه و تفکر، افسردگی و یا عـصبانیت و ..... کـه ایـن چیـزی جـز تبلیغ سیگار نیست.

۸ ـ مسلّم است که نمی‌توان تمام مدت مراقب رفتـار و دوسـتان نوجوان بود؛ اما اگر ضرر و خطر جـدی و واقعـی اعتیـاد را از همـان دوران نوجوانی برای افراد جامعه و خصوصاً فرزندانمان روشن سازیم دیگر در سنین بزرگسالی راه مبارزه با مشکلات زندگی را در مصرف مواد مخدر نخواهند دید.

توجه به علائم اعتیاد می‌تواند برای والدین بسیار هـشدار دهنـده باشد. اگر نوجوان برای مدت طولانی در اتاق خود تنها می‌مانـد و در اتاق را بر روی دیگران قفل می‌کنـد. اگـر آثـار سـوختگی بـر لـب و دستان او مشاهده می‌کنید، اگر با افـت تحـصیلی فرزنـدتان مواجـه هستید و.... لازم است که برای جلوگیری از اعتیاد، بـیش‌تـر مراقـب دوستان و رفت و آمدهای فرزندتان باشید تا مشکل را قبل از شدت یافتن، حل کنید.

۹ـ کنترل مرزها، کوشش جهت جلوگیری از ورود مواد مخدر به داخل کشور یکی از راههای اساسی و کلان جهت پیشگیری و آلوده نشدن جوانان به مواد افیونی و تـرک معتـادان محـسوب مـی‌شـود. مبارزه با قاچاقچیان و قاچاق مـواد مخـدر مـی‌بایـست بـا همکـاری کشورهای همسایه و در نهایت با همکاریهای بین المللی و در سطح

جهانی صورت پذیرد تا با اقـداماتی اساسـی، ریـشه اعتیـاد در دنیـا خشکانده شود.

۱۰ـ مسأله نظارت نیروی انتظامی، مبـارزه بـا قاچاقچیـان مـواد مخدر و افزایش نیروهای گشتی در مناطق مرزی، خصوصاً در شـرق کشور تنها یک بُعد قضیه است. بُعد دیگر آن است که مردم منـاطق مرزی (که به راهها و وضعیت جغرافیایی منطقه آگاهی کامل دارند)، بر اثر فقر کمبود امکانات دست به قاچاق مواد مخدر می‌زنند، تـا بـا پول هنگفتی که از وارد کردن مواد افیونی به دست می‌آورند، زندگی مرفهی برای خود فراهم آورند. پس در این نبرد نباید تنها توجه خود را به مسائل نظامی و کنترل مرزها معطـوف داریـم. ایجـاد امکانـات رفاهی برای مردم مناطق مـرزی و تـلاش در جهـت ارتقـای سـطح فرهنگی، رفاهی، علمی، آموزشی و اقتصادی آنان می‌تواننـد بـه نحـو شایان توجهی از کشیده شدن مناطق مـرز نـشین بـه قاچـاق مـواد مخدر جلوگیری کرد.

با توجه به اینکه قاچاقچیان مـواد مخـدر کـه در منـاطق مـرزی زندگی می‌کنند، بر اثر فقر و بیکاری به این کـار رو مـی‌آورنـد؛ لـذا توجه به اشتغال جوانان در مناطق مـرزی یکـی از راههـای مناسـب برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر است؛ زیرا فقر، بیکاری، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر رابطه‌ی تنگاتنگ و غیر قابل انکار دارند.

۱۱ـ کاریابی برای معتادانی که از مرکز بازپروری مرخص شـده و ترک اعتیاد کرده‌اند نیز یکی از مهمتـرین روشـهای عـدم درگیـری

مجدد فرد با اعتیاد است. متأسفانه اکثر کسانی که از مراکز بازپروری مرخص می‌شوند با دید منفی جامعه روبرو می‌شوند و کاری پیدا نمی‌کنند؛ لذا در اثر فقر و مشکلات اجتماعی دوباره به طرف مواد مخدر و خرید و فروش آن کشیده می‌شوند و حتی از همسر و فرزندان خود نیز برای قاچاق مواد در سطح خرده‌فروشی استفاده می‌کنند. ایجاد اشتغال می‌تواند تا حد زیادی از آلوده شدن دوبارهٔ افراد و ترک مبتلایان به اعتیاد و قاچاق مواد مخدر بکاهد.

۱۲ـ ایجاد امکانات مناسب با تعداد معتادین در سطح جامعه برای بازپروری آنها نیز می‌تواند یکی از راههای عدم بازگشت مجدد معتادان به مواد مخدر باشد؛ زیرا اکثر کسانی که پس از ترک اعتیاد دوباره به طرف هروئین و دیگر مخدرها بازگشت می‌کنند به دلیل فشار و نیاز جسمانی فرد معتاد نیست؛ بلکه ناشی از افسردگی، احساس عدم رضایت و مشکلات شخصیتی و اجتماعی است.

۱۳ـ ایجاد مراکز تحقیقاتی برای بررسی شیوه‌های درمانی و میزان مؤثر بودن آنها نیز از عمده‌ترین فعالیت‌های مبارزه با مواد مخدر است؛ زیرا تغییر دادن شرایط و امکاناتی که فرد را به اعتیاد می‌کشاند نیازمند شناخت و درک صحیح از عوامل زمینه ساز اعتیاد است. تغییر شرایط محیط خصوصاً در محله‌های معتاد پرور از اصولیترین شیوه‌های درمانی محسوب می‌شود. از آنجا که علل اعتیاد به عوامل محیطی و شخصیتی، خصوصاً تأثیرات متقابل فرد و

جامعه بریکدیگر بر می‌گردد، باید درمان اعتیاد را نیز در همان رابطه جستجو کرد.

اصولاً برنامه‌های پیشگیری زمانی مؤثر واقع می‌شود که با نوع فرهنگ و برنامه‌های اقتصادی‌اجتماعی آن جامعه مطابقت داشته باشد. به همین دلیل هر جامعه باتوجه به خصوصیات فرهنگی موجود در ساختار خود باید به پیشگیری و درمان معضل اعتیاد اقدام کند.

علاوه بر موارد فوق، برای جلوگیری از اشاعه و درمان اعتیاد تکیه بر بعضی از جنبه‌های شخصیتی و اخلاقی، مثل داشتن اراده قوی و والا بودن شخصیت ضروری است تا دیگر مخدر به عنوان راهی برای مقابله با ناملایمات برای فرد مطرح نشود. داشتن اراده قوی اصل اول آلوده نشدن به مواد افیونی و حتی ترک آن است. مقابله با غرایز حیوانی و صبر در لذایذ دنیوی، انسان را به کمال می‌رساند. از نظر عالمان علم اخلاق صبر دو نوع است: اول، صبر در مصیبتها که چون اجباری است برای شخصیت انسان جنبه سازندگی ندارد؛دوم، صبر در لذایذ دنیوی و چشم پوشی از حالت‌هایی که در اثر مصرف مواد مخدر در او به وجود می‌آید، می‌تواند فرد را به شخصیتی سازنده و با اراده تبدیل کند و اعتیاد را ترک نماید. به علاوه درمانگر باید فردی صبور باشد تا در برابر فراز و نشیبهای درمان خسته نشده، از ادامه راه صرف نظر نکند و بتواند درمان را با موفقیت به انجام

برساند.

در مسأله درمـان معتـاد، اهمیـت حمایـت خـانواده، اطرافیـان و خصوصاً همـسر فـرد مبـتلا را نبایـد از نظـر دور داشـت. محبـت و حمایت عاطفی اطرافیان، می‌تواند فرد را به ادامه یک زندگی سالم و به دور از مواد افیونی ترغیب کند و از گـرایش مجـدد او بـه اعتیـاد جلوگیری نماید.*

* **منابع اصلی:**

۱ ـ روزنامهٔ اطلاعات: ۱۳۸۰/۴/۹ .

۲ ـ روزنامهٔ جام جم: ۱۳۸۲/۲/۲۴ .

۳ ـ نشریه کیهان: ۱۳۸۰/۴/۵ .

۴ ـ نشریه اسوه: شمارهٔ ۶۳ .

۵ ـ روزنامهٔ صدای عدالت: ۱۳۸۰/۱۰/۲۲ .

۶ـ نشریهٔ زن روز: شمارهٔ ۱۶۷۲ .

فصل پنجم

ایـدز

تاریخچه پیدایش ایدز

اولین بار در سال ۱۹۵۹ میلادی در پلاسمای خون یک مرد از کشور کنگو ویروسی ناشناخته مشاهده شد؛ ولی هیچگاه کسی فکر نمی‌کرد که این ویروس تا این اندازه خطرناک باشد. این تازه شروع ماجرا بود، بنا به گزارش پزشکان آمریکایی در سال ۱۹۸۱ هشت مورد وخیم از ابتلا به بیماری «کاپوسی‌سارکوما» یکی از انواع سرطان که معمولاً در بین افراد سالمند شایع است، در میان مردان همجنس‌گرای نیویورک گزارش شد و در سال ۱۹۸۲، این بیماری را ایدز نامیدند.

پس از این واقعه، جنجالها و هیاهوی فراوانی در سطح جهان در مورد علّت بروز بیماری و نحوهٔ انتقال آن آغاز شد؛ اما درست دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۴ «رابرت گالو» رئیس یک گروه محقق آمریکایی اعلام کرد عامل بیماری ایدز را کشف کرده است؛ لیکن ادعای «رابرت گالو» با اعتراض شدید «لوک مونتییر» پزشک و محقق فرانسوی روبرو شد؛ چرا که او مدعی بود ماهها قبل این ویروس را شناسایی کرده است. تحقیقات نشان می‌داد که ایدز طی یک قرن گذشته در جنگلهای غرب آفریقا ظهور کرده است؛ امّا در سال ۱۹۹۹ نشریهٔ « نیچر» در شمارهٔ ماه فوریهٔ خود یک نظریهٔ

علمی را منتشر کرد که مورد حمایت گستردهٔ کارشناسان این رشته قرار گرفت. بر اساس این نظریه ویروس عامل ایدز از طریق یکی از زیر گروههای شامپانزه در آفریقا به انسان سرایت کرده است.

به اعتقاد دانشمندان، احتمال دارد که انسان اولین بار در نیمهٔ نخست قرن گذشته، در نتیجهٔ شکار و خوردن گوشت شامپانزه (که این عمل در آفریقا هنوز رایج است) به این ویروس آلوده شده است.

«ادوارد هوپر» خبرنگار انگلیسی در کتاب خود که با عنوان «رود» چاپ شده نظریهٔ جدیدی ارائه داد. او بر این باور بود که: واکسن فلج اطفال ساخته شده در دههٔ ۱۹۵۰ در آفریقا، حاوی ویروس ایدز بوده؛ زیرا در آفریقا برای تولید نخستین نمونه‌های واکسن فلج اطفال ۴۰۰ شامپانزه را شکار کردند. هوپر معتقد است: برخی از دانشمندان برای تولید واکسن از شامپانزهٔ آلوده به SIV استفاده کردند، و در آن سالها واکسنهای خوراکی فلج اطفال حداقل به یک میلیون نفر در کنگو و به ساکنان رواندا خورانده شد و پس از یک جهش ژنتیکی به HIV تبدیل شده است.

با این تو صیفات، پروفسور «کلو دیو باسیلیکو» در آزمایشهای خود هیچگونه اثری از DNA شامپانزهٔSIV یاHIV در این واکسنها پیدا نکرد؛ امّا «ادوارد هوپر» دست بردار نبود و همواره می‌گفت: حقیقت این است که این مسأله را کتمان می‌کنند و این استتار و پنهان کاری عمل کسانی است که واکسن را تولید کرده‌اند.

از جمله نظرات دیگر در مورد ظهور ناگهانی ایدز این است که:

تخریب و نابودی جنگلها باعث تمـاس بیـشتر میمـون و گونـه‌هـای مختلف این حیوان با انسان شده و در نتیجه این بیمـاری در آفریقـا بروز کرد.

ایدز چیست؟

ایدز بیماری اکتسابیِ ناشی از خراب شدن سیستم دفـاعی بـدن می‌باشد. که ویروس مبتلا کننـدهٔ آن بنـامHIV مـشهور مـی‌باشـد، HIV باعث اختلال کامل دستگاههای دفاعی بدن در برابـر بیماریهـا می‌شود. در این بیماری وقتی میکروبـی وارد بـدن مـی‌شـود، بـدن هیچگونه دفاع و مقابله‌ای از خود نشان نمی‌دهد، و در اثر ساده‌ترین و کوچکترین عفونتها از پا در می‌آید. عفونتها و میکروبهـایی کـه در زمان سلامت جسم به راحتی توسط خود بـدن، بـدون هـیچ دارو و وسایل کمکی سرکوب می‌شد، در این بیماری بـه سـادگی بـر بـدن غلبه می‌کنند؛ چرا که با از کار افتادن سیستم دفاعی بدن، انسان در معـرض ابـتلا بـه انـواع و اقـسام بیماریهـا، تومورهـای سـرطانی و عفونتهای مهلک قرار می‌گیرد.

در حال حاضر در تمام کشورهای دنیا حـدود ۶۸ میلیـون بیمـار مبتلا به ایدز وجود دارد، که اگر به زودی راهی برای درمان آنها پیدا نشود، همهٔ آنان به کام مرگ گرفتار می‌شوند.

ایدز، سرماخوردگی ساده تا مرگ

اگر فرد بالغی دو علامت اصلی بیماری ایدز را همراه با یکی از نشانه‌های فرعی داشته باشد، به شرطی که برای نقص سیستم ایمنی بدنش علت مشخصی مانند سوء تغذیه شدید و سایر علل شناخته شده، وجود نداشته باشد، مبتلا به ایدز است.

علائم اصلی این بیماری شامل کاهش وزن بیشتر از ده درصد و اسهال مزمن بیش از یک ماه است. نشانه‌های فرعی آن سرفه پایدار به مدت بیش از یک ماه و عفونت پوستی همراه با خارش و تبخال‌های زونایی است. مجموعه این علائم، در نتیجه نقص سیستم ایمنی بدن انسان و رشد عفونت‌های فرصت طلب ایجاد می‌شوند.

دکتر «شیرین افهمی»، متخصص بیماریهای عفونی و گرمسیری و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، چگونگی استقرار بیماری ایدز در بدن انسان را شرح می‌دهد. به گفته وی، سه تا شش هفته پس از ورود ویروس به بدن علائم سرماخوردگی معمولی به صورت تب، گلودرد، بزرگی غدد لنفاوی، درد مفاصل و عضلات، سردرد، ضعف و بی‌حالی، بی‌اشتهایی، کاهش وزن، تهوع و استفراغ، اسهال و گاه ضایعات پوستی بروز می‌کند. این دوره بدون درمان پس از گذشت یک تا سه هفته خود به خود بهبود پیدا می‌کند. خطرناک‌ترین مرحله بیماری دوره بدون علامت HIV است. ویروس هشت تا ده سال بدون ایجاد هیچ علامت بالینی مشخصی در بدن

شخص باقی می‌ماند. شخص به ظاهر سالم، در این دوره بیماری را به سایرین منتقل می‌کند. بسیاری از افراد آلوده به ویروس HIV، بدون اطلاع از آلودگی خود در دوره بدون علامت، تعداد زیادی از افراد را آلوده می‌کنند. در این مرحله، تشخیص تنها از طریق بررسی‌های آزمایشگاهی انجام می‌شود.

در مرحله آخر، بیماری ایدز با عوارضی مانند: اسهال بیش از یک ماه، تب طولانی، کاهش وزن بیشتر از ده در صد، تعریق شبانه، خستگی و بی‌حالی، بزرگی غدد لنفاوی و عوارض عصبی چهره اصلی خود را نشان می‌دهد. در مرحله نهایی، این ویروس مرگبار به تماشای قربانی خود می‌نشیند و فردی که دچار ضعف سیستم ایمنی شده با یک عفونت ساده می‌میرد. عوامل متعددی باعث تسریع بروز مرحله فعال بیماری ایدز می‌شود؛ از جمله، برخی عفونت‌های میکروبی و ویروسی، تغذیه بد، استفاده از مواد مخدر و الکل، و استرس زیاد.

راه‌های انتقال، در هاله‌ای از ابهام و شرم

راه‌های انتقال ویروس HIV در چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

۱ـ تماس جنسی مشکوک: همه افراد، مرد و زن، پیر و جوان، ثروتمند و فقیر، بر اثر تماس جنسی با فرد آلوده به ویروس HIV

ممکن است آلوده شوند. این روش انتقال ویروس ۸۰ درصد از موارد آلودگی در سراسر دنیا را به خود اختصاص داده است. نکته مهم آنکه ابتلا به سایر عفونت‌های دستگاه تناسلی، به ویژه زخم‌هایی در این نواحی، خطر انتقال ویروس HIV در هر بار تماس جنسی را با ضریبی معادل ده تا صد برابر افزایش می‌دهد.

۲ـ مادر آلوده: مادران آلوده به ویروس HIV در صورت باردار شدن از طریق خون ویروس را به کودکان خود منتقل می‌کنند. مادرانی که بعد از زایمان به ویروس ایدز آلوده می‌شوند، نیز با احتمال ۳۰ درصد، از طریق شیردهی ویروس را به کودک خود انتقال می‌دهند. در حدود ۸ درصد از موارد انتقال ویروس HIV در سراسر جهان از طریق مادر آلوده به کودک است.

به زنان آلوده به HIV توصیه می‌شود که باردار نشوند و در صورت بارداری به آن خاتمه دهند.

۳ـ خون و فرآوردهای خونی آلوده: در حدود چهار در صد از حاملان ویروس در جهان، به علت دریافت خون یا فرآورده‌های خونی آلوده به این ویروس، مبتلا شده‌اند. البته هم اکنون، با کنترل دقیق نمونه‌های خون، انتقال از این روش به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

۴ ـ استفاده مشترک از لوازم تیز و برنده: وسایلی که در سطح بدن خراش یا سوراخ ایجاد می‌کنند، از قبیل ابزار حجامت و خالکوبی و ختنه و طب سوزنی و تیغ آرایشگاهی، مسواک، وسایل

سوراخ کردن گـوش، تجهیـزات دندانپزشـکی، سـرنگ و سرسـوزن، ماشین اصلاح و اپی لیدی، اگر بدون ضد عفونی کامل بطور مشترک استفاده شوند، ممکـن اسـت ویـروسHIV را منتقـل کننـد. طبـق آمارهای جهانی، ۱۲ درصـد از مـوارد انتقـال ویـروس HIV از ایـن طریق است. هر وسیله‌ای که به خـون فـرد آلـوده آغـشته شـود، در صورت تماس با زخم و مایعات بدن فرد دیگـر، ممکـن اسـت آلـوده کننده باشد.

در اغلب روابط سالم اجتماعی احتمال انتقال ویروس HIV وجود ندارد یا نزدیک به صفر است. دکتر «یگانه»، چنین توضیح می‌دهـد: برای انتقال ویروسHIV از طریق مایعات بدن یـک فـرد بـه فـردی دیگر، باید در هر سانتی متر مکعب آن حداقل ده عدد ویروس فعال وجود داشته باشد. مقدار ویروس در بزاق دهان و اشـک بـسیار کـم است؛ به علاوه، آنزیم‌های موجود در ایـن مایعـات ویـروس را نـابود می‌کند؛ بنابراین بزاق نمی‌تواند در انتقال ایدز نقش داشته باشد؛ اما اگر تماس از راه دهان باعث خونریزی شود، امکان انتقال وجود دارد.

خوردن غذای آغشته بـه خـون آلـوده بـه ویـروس HIV، نـیش حشرات به خصوص نیش پشه، تماس‌های معمولی مانند دست دادن و در آغوش گرفتن و بوسیدن، سرفه و عطسه، استفاده از رختخواب مشترک، استفاده از ظروف غذا خـوری مـشترک، اسـتفاده از تلفـن عمومی، استخر و توالت عمـومی، دسـت زدن بـه دسـتگیره وسـایل

نقلیه عمومی مانند اتوبوس یا تاکسی بیماری ایدز را منتقل نمی‌کند.

بهترین راه ضد عفونی کردن وسایل پزشکی استفاده از اتوکلاو است. الکل ۷۰ درجه نیز برای ضد عفونی کردن به کار می‌رود. اشیاء باید به مدت ۱۵ دقیقه در الکل باقی بمانند؛ اما برای وسایل جراحی این روش ضد عفونی کافی نیست و حتماً باید اتوکلاو استفاده شود.

ویروس HIV نسبت به حرارت بسیار حساس است و در برابر نور خورشید غیر فعال می‌شود. گزارش‌های مختصری در مورد پایداری این ویروس در لخته خون به مدت شش روز وجود دارد.

مراحل بیماری ایدز

الف) ابتلا: این ویروس بعد از انجام یک رفتار پُرخطر (تماس جنسی با افراد آلوده، استفاده از سرنگ مشترک و.....)وارد بدن می‌شود، ولی طی ۴ تا ۶ هفته اول ابتلا به این ویروس، تشخیص این ویروس در خون از طریق آزمایشهای معمولی در کشورمان قابل شناسایی نیست. بنابراین زمانی که این مدت سپری شد با آزمایش می‌توان به وجود HIV درخون پی برد.

از این رو پیشنهاد می‌شود خانواده‌های محترم قبل از قبول پیشنهاد ازدواج فرزندانشان، حتماً نسبت به عدم وجود رفتارهای پُرخطر در فردی که قرار است در آینده شریک زندگی فرزندشان

شود، اطمینان حاصل نمایند.

ب) مرحلهٔA : بعد از ابتلا، بیمار وارد مرحلهٔA مــی‌شــود. در ایــن مرحله، بیمار هیچگونه علائم بالینی ندارد و کاملاً مشابه فـرد ســالم است. ولی ویروسHIV دربدن او درحال تکثیــر اســت و فــرد کــاملاً آلوده و آلوده کننده می‌باشد. لازم به توضیح است که در این مرحله با اینکه شخص بیمار در نظر دیگران کاملاً سالم به نظر می‌رسد ولی هرگونه تماس جنسی و یا رفتارهای پُرخطـر او (اســتفاده از ســرنگ مشترک و تیغ آلوده و.....)به راحتی دیگران را هم مبتلا می‌کند. تـا مدتی که وضعیت ایمنی بدن بیمار دچار اختلال نشود بیمار در این مرحله باقی می‌ماند. که این مرحله ممکن است حتــی تـا ۱۲ ســال طول بکشد.

ج) مرحلهٔB: در این مرحله غُدَدِ لنفاوی بدن به طور مداوم بــزرگ می‌شود. غدد لنفاوی گره‌های کوچکی در مسیر جریان خون هستند که در نواحی گردن، کشالهٔ ران، زیر بغل، داخل شکم و قفسهٔ سینه، گستردگی بیشتری دارند. ایــن غــدد درهنگــام ابـتّلا بـه عفونتهــای مختلف، بزرگتر از حد معمولی می‌شوند و حتی مــثلاً در عفونتهــای دهان و دندان وسینوسها، غدد لنفــاوی گردنــی بــه انــدازه‌ای بــزرگ می‌شوند که توسط فرد به راحتی قابل لمس است. البته بزرگ شدن غدد لنفاوی مساوی با ابتلا به ویروس HIV نیــست و ایــن غــدد در فرآیند هر بیمــاری عفــونی، حتّــی در ســرماخوردگی ممکــن اســت

واکنش نشان دهد و بزرگ شود.

د) مرحلهٔ C: در این مرحله علائم بیماری کاملاً آشکار می‌شود و بیمار دچار تب‌های طولانی، اسهال بیشتر از یک ماه، کاهش وزن، عفونتهای لگنی و ضایعات قارچی مثل برفک دردهان یا واژن می‌شود.

مرحله و قسمت پایانی این بیماری، مرحلهٔ ایدز است که مرحله‌ای کوتاه و مختصر است که به مرگ بیمار خاتمه می‌یابد. ایدز فقط همین مرحلهٔ آخر و کوتاه بیماری را شامل می‌گردد، و در بقیه مراحل قبلی، بیمار فقط آلوده به ویروس HIV است و قابل ذکر است که تعداد کمی از افراد آلوده در این مرحله هستند. علامت مشخصهٔ مرحلهٔ پایانی، هجوم عفونتها و سرطانها به بدن بیمار می‌باشد.

علّت اصلی مرگ در افرادHIV مثبت، وارد شدن به مرحلهٔ ایدز است که باعث تخریب کامل سیستم ایمنی بدن می‌شود، و فرد مبتلا با هجوم اولین عفونت یا سرطان به سادگی از پا در می‌آید در این مرحله می‌توانیم فرد را تشبیه به یک کشور کاملاً بی‌سرباز و بی‌دفاع کنیم، که حتی ضعیف‌ترین اشغالگرها می‌توانند به راحتی کشور وجود او را خلع سلاح و مغلوب کنند.

اپیدمی ایدز

بر اساس تازه‌تـرین آمـار سـازمان ملـل متحـد دربـاره گـسترش بیماری ایدز در جهان، هم اکنـون نزدیـک بـه ۶۸ میلیـون نفـر بـه ویروس HIV آلوده‌اند. این ویروس از زمان کـشف تـاکنون بـیش از ۲۰ میلیون قربانی داده است. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد که بیماری ایدز به سرعت در تمامی منـاطق جهـان در حـال گـسترش است. فقط در سال گذشته میلادی، نزدیـک بـه ۵ میلیـون نفـر بـه بیماری ایدز مبتلا شده‌اند.

میزان شیوع بیماری ایدز در مناطق جهان متفاوت است. ساکنان برخی از کشورها بیش از کشورهای دیگر به ایدز مبتلا شده‌اند و در سطح یک کشور، حتی بین استان‌ها، تفاوت وجود دارد. سازمان ملل تعداد افراد آلوده به ویروس ایدز در قاره آسیا را حدود ۷/۴ میلیـون نفر اعلام کرده است. اعتقاد بر این است که در حـدود نـیم میلیـون نفر از جمعیت قاره کهن در سال گذشته به علت ابتلا به ایـدز جـان خود را از دسـت داده‌انـد و ۱/۱میلیـون نفـر بـه ویـروس آن آلـوده شـده‌انـد. در میـان مبتلایـان سـال گذشـته، ۰/۳ درصـد از زنـان و ۰/۴درصد از مردان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارنـد. جالـب آنکه میزان آلودگی مردم به ویـروس HIV در دو کـشور پرجمعیـت جهان یعنی چین و هند بسیار کم است.

در ایران، بر اساس آخرین آمار وزارت بهداشت، درمان و آمـوزش

پزشکی تعداد افراد آلوده به HIV، تا ابتدای تیر ۱۳۸۳، ۷۱۰۸ نفر بوده است. از این تعداد، ۶۷۶۱ نفر(۹۵/۱درصد) مرد و ۳۴۰ نفر (۴/۹درصد) زن هستند.

از تعداد ۶۷۶۱ نفر، ۱۱پسر و ۱۳ دختر زیر ۴ سال (در مجموع، ۰/۵درصد کل افراد آلوده)همچنین ۱۵ مرد و ۴ زن بالای ۶۵ سال (به ترتیب ۰/۳درصد و ۱/۴درصد)به این ویروس آلوده‌اند.

بر اساس همین نمونه‌گیری، بیشترین موارد آلودگی به HIV در رده سنی ۲۵ تا ۳۴ سال است؛ به صورتی که ۳۰۱۳ مرد و ۹۴ زن آلوده و مبتلا به ایدز در این رده سنی گزارش شده‌اند.

بر طبق گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بیشترین راه انتقال این بیماری در کشور، اعتیاد تزریقی است که ۴۱۰۷ نفر(۵۷/۸درصد) از این طریق مبتلا شده‌اند. پس از آن، ۲۲۹۲ نفر (۳۲/۲درصد)به شیوه‌های نامشخص، ۴۷۶ نفر (۶/۷درصد)از راه جنسی و ۲۰۱ نفر(۲/۸درصد) از طریق خون و فرآورده‌های خونی به این بیماری مبتلا شده اند. در ۳۲ مورد (۰/۵درصد)نیز انتقال از طریق مادر بوده است.

وزارت بهداشت تعداد موارد فوت شده بر اثر بیماری ایدز را تا کنون ۷۷۱ نفر اعلام کرده است که از این جمعیت، ۷۴۱ نفر مرد و ۳۰ نفر زن بوده‌اند.

آمارهای اعلام شده و رسمی موجود درباره بیماری ایدز تعداد کمی از جمعیت واقعی افراد آلوده به ویروس HIV را شامل می‌شود.

دکتر محمد مهدی گویـا، کارشـناس مـسائل ایـدز، پـس از انتـشار گزارش اخیر سازمان ملل متحد درباره وضع ایدز در جهان، در گفت وگو با یکی از روزنامه‌ها، تعداد افراد آلوده به ویروس این بیمـاری را در ایران ۳۰ تا ۳۵ هزار نفر اعلام کرده است.

به جـا آوردن آداب سـنتی‌ای نظیـر خـالکوبی‌هـای ویـژه، بـرادر خواندگی از طریق انتقال خون، ختنه سـنتی، بریـدن بنـد نـاف بـه طریق سنتی و حجامت سنتی بـه طـور غیـر بهداشـتی، بزهکـاری، استفاده از سـرنگ مـشترک در اعتیـاد تزریقـی، روابـط نامـشروع و خشونت با زنان و دختران از جمله رفتارهای پـر خطـر در گـسترش بیماری ایدز است.

متأسفانه رفتارهایی نظیر خالکوبی و حجامت مورد علاقه برخـی از معتادان تزریقی است و انجام غیر بهداشتی این قبیـل اقـدامات سرعت انتقال و گسترش ویروس HIV را افزایش [illegible]» رضا ملک زاده»، وزیر سـابق بهداشـت، درمـان و آمـوزش پزشـکی، درباره انجام غیر بهداشتی این اقدامات هشدار می‌دهـد و مـی‌گویـد: نباید ادعای هر شخص یا مرکزی را مبنی بر انجام حجامت بهداشتی پذیرفت، مگر اینکه مورد تأیید وزارت بهداشـت و معاونـت سـلامت باشد.

دکر« میترا معتمدی هروی»، بیش بینی می‌کند کـه در آینـده با افزایش تعداد مبتلایان زن در مقایسه با مبتلایان مرد در کشور رو

به رو خواهیم شد. او می‌گوید: در کشور ایران، در حال حاضر نسبت مبتلایان زن و مرد، در مقایسه با گذشته، تغییر محسوسی نداشته است و همچنان مردان ۹۵درصد مبتلایان را تشکیل می‌دهند؛ ولی در آینده به سمت تغییر این نسبت‌ها و افزایش شمار زنان مبتلا به ایدز حرکت خواهیم کرد.

متأسفانه در ۷۰ درصد از زنان آلوده به ویروس HIV در ایران، انتقال از طریق تماس جنسی با همسر آلوده صورت گرفته است.

دکتر« معتمدی هروی» می‌گوید: زنان، به علت وضعیت فیزیولوژیکی و اجتماعی، نسبت به ویروس ایدز آسیب پذیرتر از مردان هستند. بنابراین، انتظار می‌رود تعداد زنان مبتلا به بیماری ایدز در کشور افزایش یابد.

اولین زن آلوده به ویروس HIV در ایران در ۱۳۶۸ شناسایی شد. این زن یک سال بعد جان سپرد. در مردان ایرانی، شایع‌ترین شیوه آلودگی به ویروس ایدز استفاده از سوزن و سرنگ آلوده هنگام تزریق مواد مخدر است، در حالی که بیشتر زنان مبتلا به ایدز از طریق رابطه جنسی ناسالم آلوده شده‌اند. همان طور که گفته شد، زنان ۵ درصد از جمعیت آلوده به ویروس HIVکشورمان را تشکیل می‌دهند که ۴۶ درصد از این تعداد متأهل اند. نکته قابل تأمل در آمارها این است که احتمال انتقال ویروس از مرد به زن ۲۰ برابر بیشتر از احتمال انتقال آن از زن به مرد است.

ایدز و محرومیت از حقوق اجتماعی

بدنامی بیماری ایدز باعث پایمال شـدن حقـوق اجتمـاعی افـراد آلوده به ویروس می‌شود. افراد جامعه فرد آلوده را طرد می‌کنند و در نتیجه او از فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال محـروم مـی‌مانـد. بـه او حتی در مراکز ارائـه خـدمات بهداشـتی و درمـانی نیـز بـی‌تـوجهی می‌شود. بنابراین ایدز، به همان اندازه که یک مشکل بهداشتی است، معضل اجتماعی نیز هست. ایدز ارتباط تنگـاتنگی بـا مـصرف مـواد مخدر، همجنس‌گرایی و فساد و فحشا دارد که در تضاد با ارزش‌های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری از جوامـع مـی‌باشـد، بیمـاران مبتلا به ایدز نه به عنوان افـرادی دردمنـد بلکـه بـه منزلـهٔ افـرادی خاطی و گناهکار در اذهان عمومی محاکمـه مـی‌شـوند. همـسران و فرزندان چنین اشخاصی نیز در معـرض اتهـام‌انـد و رفتـار تبعـیض آمیزی با آنها می‌شود. اینها همه پیامد ناآگاهی مردم از بیماری ایدز است. با وجود تلاش فراوان مراکـز بهداشـتی و درمـانی بـرای آگـاه سازی مردم در مورد راه‌های انتقال ایدز، متأسـفانه سـوء تفـاهم‌هـا هنوز وجود دارد. ایدز قرنطینه ندارد و از طریق فعالیت‌های روزمـره منتقل نمی‌شود. بنابراین اینکه خانواده بیمار مبتلا به ایـدز، او را در اوج درد و احساس نیاز، طرد می‌کنند بسیار غم انگیز است.

برخوردهای غلط افراد جامعه با مبتلایان به ایدز آنهـا را وادار بـه مخفی سازی بیماری می‌کنـد. در نتیجـه، اطلاعـات لازم در زمینـه

راه‌های انتقال و پیشرفت بیماری در اختیار وی قرار نخواهد گرفت. ایدز بیماری جوانان است. وقتی یک جوان موفق با ابتلا به ایدز، ناگهان تمام حقوق اجتماعی خود را از دست می‌دهد و از کسب درآمد برای امرار معاش خود و خانواده محروم می‌ماند. نتیجه چنین روندی فقر و ناتوانی است که گریبانگیر او و اعضای خانواده‌اش می‌شود. از دست دادن شغل و محرومیت ا زحق استخدام، مبتلایان به ایدز را از زندگی طبیعی باز داشته است، از این رو، سازمان بین المللی کار، حقوق زیر را برای کارکنان در نظر گرفته است:

۱ـ کارفرمایان پیش از استخدام افراد یا در حین اشتغال آنها نباید از افراد آزمایش HIV بخواهند.

۲ـ وضعیت افراد از نظر ابتلا داشتن یا ابتلا نداشتن به ایدز نباید ملاک استخدام یا اشتغال آنان قرار گیرد و کارکنان مبتلا به ایدز موظف به افشای جواب آزمایش HIV مثبت خود نیستند.

حتی کارکنان مراکز بهداشتی و درمانی و متخصصان رشته‌های علوم پزشکی نیز با مبتلایان به ایدز رفتار تبعیض آمیزی دارند. اجتناب از ارائه خدمات، ایزوله کردن بی‌مورد، بی‌حرمتی و بی‌توجهی از جمله این رفتارها است.

اما مظلوم‌ترین قربانیان ایدز کودکان‌اند. کودکی که از مادر آلوده متولد شده از حمایت والدین و اجتماع محروم می‌ماند. گاه این کودکان مسؤولیت‌هایی نظیر مراقبت از والدین بیمار و کسب درآمد برای خانواده را بر عهده دارند. برخورداری از حق آموزش و تحصیل

در مراکز عمومی از جمله نیازهـای اولیـه کودکـان بیمـار محـسوب می‌شود. که در بسیاری کشورها از آن محروم‌اند. بـر طبـق اعلامیـه حقوق بشر، محروم کردن یک کودک از آموزش و تحصیل بـه علـت ابتلای وی به بیماری ایدز تجاوز به حقوق اولیه بشر است.

دکتر «صادق راشد»، مدیر منطقه‌ای یونیـسف در جنـوب آسـیا، اعلام کرده است: پنج میلیون کودک در هشت کـشور جنـوب آسـیا مبتلا به ایدز هستند بدون آنکه بداننـد چـرا؟! وی رهبـران مـذهبی سرشناس پنج دین بزرگ الهی را فرا می‌خواند تا بـا کمـک هـم بـه جنگ همه جانبه با این بحران خانمان سوز بروند.

آموزش، تنها راه پیشگیری

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کلینیک‌های مثلثی راه انـدازی کـرده اسـت. سـه رأس مثلـث نمـادین فعالیـت‌هـای ایـن کلینیک‌ها شامل مشاوره و درمـان اعتیـاد، مـشاوره و درمـان ایـدز، مشاوره و درمان بیماری‌های آمیزشی به غیر از ایدز است. در بخـش مشاوره و درمان ایدز، هدف طولانی کردن مرحله کمون بیماری ایدز است. درمان ایدز بسیار پر هزینه است. افرادی که در مرحلـه فعـال بیماری ایدز هستند سالانه به داروهـایی بـا قیمـت تخمینـی شـش میلیون تومان نیاز دارند که تمـام ایـن هزینـه را وزارت بهداشـت و درمان می‌پردازد.

کلینیک‌های مثلثی با حفظ کلیه اصول رازداری و تنها با ارائه یک کد به بیمار مبتلا به ایدز و بدون دریافت اطلاعات شخصی به این بیماران کمک می‌کنند.

دکتر «مینو محرز»، فعالیت این کلینیک‌های مثلثی را تشریح می‌کند: اولین کلینیک مثلثی در کرمانشاه تأسیس شد که بعدها بهترین مرکز مشاوره شناخته شد. بیماران به مکان‌هایی احتیاج دارند که پاسخگوی آنها باشد. کلینیک‌ها ابتدا در سه نقطه کشور تأسیس شدند، به همین علت، به آنها کلینیک‌های مثلثی گفته می‌شود. در حال حاضر این کلینیک‌ها در اکثر نقاط کشور تأسیس شده‌اند. پزشکانی که در این کلینیک‌ها فعالیت می‌کنند بیماران را معاینه می‌کنند و کارهای اولیه مانند واکسیناسیون و آزمایش‌های تشخیصی را برای آنان انجام می‌دهند. همچنین به آنها مشاوره می‌دهند.

به گفته دکتر« محبوبه حاج عبدالباقی»، اطلاعات بیماران مبتلا به ایدز دربارهٔ این بیماری کم است. حال آنکه آموزش مهم‌ترین و مؤثرترین راه جلوگیری از انتقال این بیماری است. وی می‌گوید: باید برخوردها در سطح جامعه به گونه‌ای باشد که صحبت از این مسائل و بیان مشکلات امری عادی تلقی شود. همچنین باید به جوانان، که گروه در معرض خطر ابتلا به بیماری ایدز هستند، راه‌های محفوظ ماندن از خطر را آموزش دهیم.

برخی منابع خبری بـه نقـل از وزارت بهداشـت تعـداد مبتلایـان کمتر از ۱۹ سال را در کشور ۱۴۰ نفر اعلام کرده‌اند. این آمار نگران کننده لزوم توجـه بـه آمـوزش دانـش‌آمـوزان و نوجوانـان را نـشان می‌دهد.

« علی زرافشان»، مدیر کل دفتـر تـألیف و برنامـه ریـزی کتـب درسی وزارت آموزش و پرورش، در گفت‌وگو با رسانه‌های داخلی، از توزیع حـدود دو میلیـون جـزوه آموزشـی «پیـشگیری از ایـدز» در دبیرستان‌های سراسر کشور خبر داد. دبیران زیست شناسـی مقطـع اول دبیرستان ملزم به گذرانـدن دوره‌هـای آموزشـی ویـژه‌ای بـرای آموزش دانش آموزان شدند و تدریس جزوه «پیشگیری از ایدز» بـه عنوان فصلی از کتاب درس زیـست شناسـی اجبـاری شـد. در ایـن جزوه، که به زبانی ساده نوشته شده، دانش آموزان با ویـروس ایـدز، راه‌های انتقال بیماری و نحوه مقابله با آن آشنا می‌شوند. بـا اجـرای این برنامه آزمایشی، در سال تحصیلی جاری طرح مشابهی به شـکل گسترده‌تر در مدارس کشور اجرا خواهد شد.

در این میان، رسانه‌هـای دیـداری، شـنیداری و نوشـتاری نقـش بسیار مهمی در آگاه‌سازی مردم و پیشگیری از بیماری ایـدز دارنـد. در کشورهای اروپایی، ساخت فیلم‌های مستند آموزشی ایدز به ویژه برای جوانان تجربه‌ای موفق در آگاه‌سازی عمومی بوده است. جوانان

تمایل زیادی به شنیدن نصیحت ندارند. با ساخت فیلم‌های آموزشی می‌توان ابعاد این بیماری را به تصویر کشید و راه‌های پیشگیری را آموزش داد. ساخت فیلم مستند داستانی ۷۵ دقیقه‌ای به نام متولد ایدز، به کارگردانی «علیرضا رزازی فر»، از جمله این تلاش‌هاست. این فیلم که با ساختاری دراماتیک بیماری ایدز و زندگی بیماران مبتلا را به تصویر می‌کشد زیر نظر کارشناسان و متخصصان نامداری نظیر «دکتر مینو محرز»، «دکتر رسولی نژاد» و «دکتر ستایش» تهیه شده است.

تجربه جهانی مقابله با ایدز نشان داده است که وزارت بهداشت نمی‌تواند به تنهایی این وظیفه سنگین را بر عهده گیرد و دخالت نیروهای مردمی بدون تردید اجتناب ناپذیر است.

عملی کردن شعار «هر نوع رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج ممنوع» از دیگر راه‌های کنترل بیماری ایدز است. باید به افراد جامعه تعلیم داد که، در یک زندگی زناشویی طولانی، در صورتی که زوج جنسی نسبت به هم وفادار باشند و خود را به رعایت اصول اخلاقی ملزم کنند، خطر انتقال ویروس ایدز از طریق تماس‌های جنسی آنها را تهدید نخواهد کرد؛ اما هر گونه رابطه جنسی خارج از این چارچوب مشکوک و پرخطر است.[۱]

۱- www. Zanan. co. ir

چند تذکّر مهم

۱ـ ایدز، زن و مرد و جوان و پیر نمی‌شناسد و هیچ محدودیت سنی و جنسی برای آلوده شدن به این ویروس وجود ندارد.

۲ـ ایدز، واکسن و درمان قطعی ندارد وتنها راه مبارزه با آن پیشگیری است.

۳ـ ایدز، تنها به فرد مبتلا آسیب نمی‌رساند؛ بلکه پیامدهای آن، خانواد و اجتماع را نیز تهدید می‌کند.

۴ـ بی بندوباری جنسی و تماس با زنان و دختران روسپی و فراری در سطح جامعه، و اعتیاد تزریقی خطر ابتلا به ایدز را به شدت زیاد می‌کند.

۵ ـ در بارهٔ ایدز تنها اطلاعات و دانستن کافی نیست. مهم تغییر و اصلاح رفتارهای پرخطر است.

در قسمت پایانی این فصل نمونه‌هایی از خاطرات تلخ مبتلایان به بیماری ایدز را بازگو می‌کنیم تا شاید درس عبرتی برای جوانان باشد.

اشک حسرت!

می‌گوید: ۴۵ سال دارم. عروس و داماد دارم. نوه‌هایم، تا می‌بینند، من گریه می‌کنم. می‌گن: «مادر بزرگ! چه کسی مرده که گریه می‌کنی؟» اونا نمی‌دونند دارم سرگور خودم گریه می‌کنم. گور

بی‌آبرویی..... . می‌گویم: چی شد که ایدز گرفتی؟!

اشکش را پاک می‌کند و می‌گوید: هیچی..... شوهرم که به رحمت خدا رفت، سه سال هر کسی که برام اومد، قبول نکردم. همه کارم گوشه نشینی بود و تصمیم داشتم دیگه برای آخرتم زندگی کنم. تا این که با عزیزخانوم قرار شد بریم مشهد، سر از شیراز در آوردیم. برادر عزیزخانوم، خیلی خوش صحبت بود. اون قدر گفت و گفت که خام شدم. بی انصاف‌ها نگذاشتند با بچه‌هام یا کس دیگه‌ای مشورت کنم، توی شیراز عقد کردیم. بچه‌هایم هم از من قهر کردند. یک ماه از ازدواج ما نگذشته بود که دیدم شوهرم به خودش تزریق می‌کنه. اولش گفت: مریضه، اما بعداً فهمیدم معتاده. چاره‌ای نداشتم، خود کرده را تدبیر نیست. برای همین به کسی چیزی نگفتم، تا این که یک شب برام اعتراف کرد که بیماری ایدز دارد. اونم بعد از یک سال که با هم زندگی کرده بودیم. حالا هم اومدیم هر دو طلاق بگیریم، طلاق توافقی، آخه من هم آلوده‌ام، بیچارهٔ بیچاره.

شکست بزرگ!

زن ازدواج مجدد کرده بود. او از همسرش که معتاد بود، جدا شده بود و پس از جدایی با مرد دیگری که دیوانه وار دوستش داشت، پیوند زناشویی بسته بود.

مدتیٰ پس از ازدواج، زن باردار شد. و برای آزمایشهای مقـدماتی به پزشک مراجعه کرد، پاسخ آزمایش باور کردنی نبود. او آلـوده بـه HIV بود، پس به طور حتم شوهرش هم مبتلا شـده بـود. از او هـم آزمایش به عمل آمد و معلوم شد او هم مبتلا به ایدز شده است. زن و مرد با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کردند. آنهـا حـالا بایـد بـا مـرگ دست و پنجه نرم می‌کردند.

تحقیقات مشخص کرده بود شوهر اول زن، که معتاد تزریقی بود، به وسیله سرنگ‌های مشترک به ویروس HIV مبتلا شده بود.

فصل ششم

فرار دختران

فرار دختران

یکی از معضلات اجتماعی جدید که در سالهای اخیر بسیار پیرامون آن صحبت شده است پدیدهٔ «فرار دختران» است که اگر دربارهٔ آن چاره اندیشی نشود، زمینه ساز بسیاری از مشکلات بزرگ در جامعه خواهد بود، در این فصل بر آن هستیم که دربارهٔ علل اصلی این معضل اجتماعی به بحث و بررسی بپردازیم، تا زوایای بیشتری از آن برای خوانندگان روشن شود.

فرار دختران به عوامل گوناگونی بستگی دارد و حتی گاه در انحراف فردی ریشه دارد، ولی آن گاه که خانه به یک محیط نا امن تبدیل می‌شود، دختران راهی جز فرار نمی‌بینند، ولی این رهیدن، سر آغاز لغزیدن در سراب است؛ سرابی که رفتن در پی آن، غلتیدن در چاه تباهی را به همراه دارد؛خیلی زود، دختران برای گذران زندگی‌شان، به کارهای غیر اخلاقی و انواع جرم‌ها روی می‌آورند و هر فرد فرصت طلبی می‌کوشد به گونه‌ای از جسم و روح شان بهره گیرد؛دختران فراری به خیال خویش از ناملایمات زندگی خانوادگی می‌گریزند، ولی نمی‌دانند که فرار دختران از خانه کم و بیش به گسترش فرهنگ زشت « دختران فراری» می‌انجامد.

« دختران فراری» با فرار خود، جدای از مسائل شخصی و

مشکلات عاطفی و روحی خویش. بـه گسترش روز افزون فـساد و فحشا در جامعه نیز کمک مـی‌کننـد و بـا رواج دادن بیمـاری‌هـایی مانند ایدز، سلامت کل جامعه را به خطر می‌اندازند.

دختران فراری استعداد و اعتماد به نفس خـود را صـرف جـرم و جنایت می‌کنند و هرگز آن گونه کـه بایـد احـساسات لطیـف مـادر بودن، در سرپناهی امن به نام خانواده سالم را تجربه نمی‌کنند.

اساساً خانواده پیکره اصلی جامعه اسـت و آینـده سـازان فـردای جامعه در خانواده پرورش می‌یابند. ایجـاد روابـط سـالم و دوسـتانه والدین با فرزندان بسیار اهمیت دارد. والدین باید با پای بندی عملی به اصول اسلامی و بها دادن به فرزندانشان آنها را از لحاظ شخصیتی سرخورده بار نیاورند؛ آنان باید در زمینه دوست‌یـابی فرزنـدان خـود بسیار حساس باشند. امروزه عمده مشکلات جوانان ناشی از دوستان ناباب و بی بندوبار است. وقتی پدر و مـادر بـه نیازهـای جـسمانی و روانی فرزندانشان بی‌توجه‌اند و نمی‌توانند محبت خود را به طور عینی بروز دهند، فرزند خواه و ناخواه خود را در وادی فراموشی می‌یابـد و به فرار روی می‌آورد. از سویی آزادی افسار گسیخته موجب می‌شود که هر دختری الگویی خاص برای زندگی داشته باشـد و بـر اسـاس همان الگو احتمالاً به فرار روی بیاورد.

دختران بد سرپرست و بی‌سرپرست و دختران خانواده‌های مجرم و معتاد و ..... با خیـال رسـیدن بـه آرامـش از خـانواده آشـوب زده می‌گریزند.

بیشتر آنان به دلیل فقر فرهنگی، اقتصادی و تربیتی خانه را ترک می‌کنند و به شهرهای بزرگی چون تهران پناه می‌برند و با پرسه زدن در میدان‌های اصلی شهر و یا پارک‌های بزرگ و حتی مساجد و زیارتگاه‌ها، سرپناهی برای خود می‌جویند. آنها می‌خواهند، به یک زندگی بهتر، با شرایطی مطلوب‌تر برسند و آرامش و امنیت و محبت را تجربه کنند؛ هرچند در آغازین روزهای فرار آنان نمی‌خواهند درگیر مسائل جرم‌زا و غیر اخلاقی شوند، ولی خواه و ناخواه دچار آسیب‌های جدی در جامعه می‌شوند و گرفتار چالش‌های مختلفی می‌گردند. یکی از این چالش‌ها، این است که آنان در دام گروه‌های سازمان یافته‌ای می‌اُفتند که هدفشان بهره برداری گسترده از دختران در باندهای فساد وقاچاق است. حتی دلالان از آنها می‌خواهند دختران مشابه خود را شناسایی و جذب کنند. این دختران چون می‌ترسند تحویل خانواده‌ها شوند و یا سر از دادگاه در بیاورند، از این رو، به سیستم نیروی انتظامی و مراکز دیگر اعتماد ندارند و خیلی زود فریب سود جویان را می‌خورند و به خواسته‌های آنان تن می‌دهند.

عوامل اصلی فرار دختران

۱ـ دلبستگی‌ها ونیازها

دل بستگی‌ها و نیازها، یکی از مسایلی است که در پدیده فرار مطرح است و در شمار زیر مجموعه‌های بحث دوران بلوغ، قرار می‌گیرد.

هر فردی در هر دوره از زندگی خود، نیازها و دل بستگی‌هایی دارد. یک نوجوان نیز نیازهایی دارد که بی‌شک، دل بستگی‌هایی نیز در پی‌خواهد داشت؛نیازهایی همچون: استقلال طلبی، محبت، محبوب شدن در نظر دیگران، اظهار وجود و..... با این حال، مسأله مهم این است که در گام نخست بدانیم چه نیازهایی، نیاز واقعی اویند و چه نیازهایی کاذب هستند و در گام دوم، حدود این نیازها را مشخص کنیم. به عنوان مثال، استقلال طلبی نیازی است که هر نوجوان به صورت بهنجار به آن نیاز دارد، ولی چارچوب این نیاز چیست؟ آیا استقلال طلبی باید بی حد و مرز باشد یا این که لازم است حدودی را برای آن در نظر بگیریم؟

حقیقت این است که حس استقلال طلبی یا دیگر دل بستگی‌ها، لازمه دوران نوجوانی است، ولی مشخص شدن حد و اندازه بهنجار آن نیز برای والدین و مربیان که استقلال یا دیگر نیازهای نوجوان را برآورده می‌کنند، لازم به نظر می‌رسد و در مرحله دوم باید این

حدود برای خود نوجوان نیز از سوی والدین شرح داده شود که او تا چه اندازه‌ای می‌تواند به این نیاز بیاندیشد و از آن استفاده کند.

متأسفانه در بیش‌تر موارد، والدین در تشخیص حد و مرز و برآوردن نیازهای فرزندان دچار اشتباه می‌شوند، یا راه افراط و یا تفریط را بر می‌گزینند که این مسأله آسیب جبران ناپذیری در روح و اندیشه نوجوان به جای می‌گذارد و پایه‌های فکری نوجوان به گونه‌ای نادرست پی‌ریزی می‌شود. بنابراین، نیازهایی کاذب در نوجوان شکل می‌گیرد. گاهی وقت‌ها نوجوان آن چنان در فشار قرار می‌گیرد که حتی داشتن یک شیء کوچک یا یک برنامه ساده برای او به صورت آرزویی خیالی در می‌آید و او را به سمت خیال بافی می‌کشاند. گاهی نیز آن قدر نوجوان آزاد گذارده می‌شود که دیگر هیچ مسأله‌ای او را راضی نمی‌کند و او را فردی با خواسته‌های بیجا بار می‌آورد. به دو مورد زیر توجه کنید:

اول: دختری۱۳ ساله، در مرکز مداخله در بحران شهر..... نگه داری می‌شود . علت فرار، سخت گیری پدر و نداشتن بعضی امکانات ابتدایی و ساده است که سبب شده او در رؤیای خویش، داشتن یک یا چند شیء ساده یا حق یک انتخاب ابتدایی را آرمانی‌ترین آرزو برای خود قلمداد کند. وقتی فرد دیگری، این وعده‌ها را به او می‌دهد، به راحتی به آن شخص اعتماد و همراه او فرار می‌کند. هنگامی که با پدر او صحبت می‌شود، می‌گوید: من اشتباه کرده‌ام و

نمی‌دانستم که باید به خواسته‌های عـاطفی و روحـی او نیـز توجـه کنم. من فقط به فکر تأمین نیازهای مادی او بودم.

دوم: دختری ۱۷ ساله، با وضعیت ویژه‌ای به لحاظ لباس، آرایش صورت و مو در مرکز بازپروری نگهداری می‌شود. او مـی‌گویـد: مـن آزادم با هرکس که خواستم رفت و آمد بکنم. به کسی ربط ندارد که من با کدام پسر یا دختر دوست هستم. این دیگر چه مملکتی است، من دلم می‌خواهد آزاد باشم.

هنگامی که با پدر و مادرش صحبت می‌شود. پـدرش مـی‌گویـد: من معتقدم: فرزندانم که به ۱۰ساله‌گی رسیدند، باید آزاد باشند و آن قدر افت و خیز داشته باشند تـا بـالاخره راه درسـت را پیـدا کننـد. آداب و معاشرت اجباری چه فایده‌ای دارد؟ انسان بایـد آزاد باشـد و خودش راه خودش را انتخاب کند. می‌گوییم: با وجود اینکه دخترت را در حال عمل خلاف با چند پسر دستگیر کرده اند، هنـوز هـم بـه این آزادی بی حد و حصر معتقدی! سرش را پایین می‌اندازد و معلوم می‌شود که جوابی ندارد.

اگر به این دو مورد خوب دقت کـرده باشـید، در مـی‌یابیـد کـه خواسته‌های هیچ کدام از این دو نوجوان در حدّ نرمال و بـه هنجـار نیست؛ یا خواسته‌هاشان در مورد آزادی بسیار زیاد است یا کم.

دین مبین اسلام، همیشه انسان را به میانه روی فرا خوانده است و معروف‌ترین شعار درباره چگونگی برخورد اسـلام بـا مـسائل، ایـن است که« اسلام دین وسط است»، یعنی اسـلام همیـشه بـه دور از

افراط و تفریط بوده و مسلمانان را نیز به این مسأله تشویق کرده است. درباره تربیت و آزادی و نیازهای دیگر نیز چنین نظری دارد. شمار قابل توجهی از موارد فرار، یا توقّع‌ها و دل بستگی‌های کاذب و غیر واقعی دارند یا افراط و تفریط در دل بستگی‌های آنان دیده می‌شود و بر اساس همین دل بستگی‌ها به سوی رابطه با افراد خارج از خانه کشیده شده و پس از مدتی، خانه را ترک کرده‌اند.

مسأله دیگری که در این زمینه بسیار مهم است و نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت«نیاز به توجه» دیگران است که یکی از حیاتی‌ترین نیازهای یک انسان، به ویژه نوجوان به حساب می‌آید.

نیاز به توجه؛یعنی این‌که هر فرد می‌خواهد که دیگران به خواسته‌های او توجه کافی داشته باشند و به او اهمیت بدهند. به چند مثال توجه کنید:

من هنگامی که مسأله‌ای را برای فرد مقابل خود شرح می‌دهم، انتظار دارم که حواسش پرت نشود و به حرف‌های من گوش دهد و حتی با تکان دادن سر، نشان دهد که به حرف‌های من دقت می‌کند.

مثال دیگر این که یک فرد برای خود سلیقه‌های ویژه‌ای دارد و می‌خواهد دیگران در برخورد با او، به این سلیقه اهمیت بدهند.

نکته قابل توجه این است که نباید نیاز به توجه را با نیاز به محبت اشتباه گرفت؛ زیرا محبت، چیزی است و توجه چیز دیگر.

بسیاری از زمان‌ها اتفاق می‌افتد که پدر یا مادر به حد کافی به فرزند خود محبت می‌کنند، ولی این محبت آن گونه است که خود پدر و مادر می‌خواهند یا به تعبیر دیگر، براساس سلیقه پدر و یا مادر است نه براساس سلیقه نوجوان؛ یعنی پدر و مادر می‌کوشند در حد خیلی زیاد به فرزند خود محبت کنند، ولی به سلیقه‌ها و خواسته‌های فرزند خود توجهی ندارند، در چنین موقعیتی است که نوجوان می‌پندارد پدر یا مادر به او توجهی ندارند، در حالی که پدر و مادر فقط از سلیقه نوجوان آگاه نیستند. تا آن گونه که او می‌خواهد به او محبت کنند. بنابراین، آگاهی از خواسته‌های درونی نوجوان از سوی والدین، یکی از عوامل موفقیت پدر و مادردر تربیت فرزند است. البته نباید این مطلب را نیز از نظر دور داشت که بعضی از زمان‌ها نیاز به توجه، یک نیاز حقیقی نیست؛یعنی در حقیقت، پدر و مادر به حد کافی به فرزند خود توجه دارند و نیازها و خواسته‌های او را در نظر می‌گیرند، ولی این نوجوان است که با توقع بالا و غرور خود می‌پندارد که والدین باید بیشتر به او توجه کنند واین انتظار توجه، کاملاً کاذب و بی‌جاست.

نظر کارشناسان این است که در بسیاری از موارد خانه گریزی، وقتی با دختر فراری صحبت می‌کنیم و او از بی توجهی والدین صحبت می‌کند، می‌پنداریم شاید درست بگوید، ولی وقتی او را با پدر و مادر رو در رو می‌کنیم و از بی توجهی والدین سخن می‌گوییم، از گفته‌های والدین پیداست که آنان توجه کافی داشته‌اند

و شاید بعضی زمان‌ها هم بیش از اندازه محبت کرده‌اند و این توقع کاذب نوجوان است که می‌پندارد پدر و مادر توجهی به او ندارند. با توجه به این که ما در مقام داوری نیستیم، ولی در مقام بیان واقعیت، باید به این نکته اشاره کنیم که به طور کلی موارد نیاز غیر واقعی دختران فراری به توجه والدین، به مراتب بیش‌تر از نیاز به توجه واقعی بوده و دختران فراری از این نوع توهّم در رنج و عذاب بیش‌تری هستند.

۲ ـ شخصیت و هویت متزلزل ونداشتن هدف

اولاً: نوجوان در زمان عبور از مرحله بلوغ به لحاظ هویت، در یک بحران و سردرگمی به سر می‌برد و ثانیاً: اگر در دوران بلوغ از سوی والدین حمایت و راهنمایی نشود، این بحران هویت در او باقی می‌ماند و پس از بلوغ هم دچار پوچی و بی‌هدفی می‌شود. در نتیجه هویت و شخصیتی متزلزل خواهد داشت. باید گفت که تعداد بسیاری از دختران فراری، دچار بی‌هویتی هستند و شخصیت متزلزلی دارند و عملکرد مناسبی ندارند. از مطالبی که آنان بیان می‌کنند، کاملاً آثار درهم ریختگی شخصیت و سردرگمی هوید است. به نمونه‌ای توجه کنید:

مریم دختری است که از خانه فرار کرده و پس از ارتباط با یک جوان و به ویژه چندین رابطهٔ جنسی، به دست پلیس دستگیر شده

است. وقتی با او صحبت می‌کنیم و از او می‌پرسیم: برای آینده چه هدفی داری؟شروع می‌کند به بیان آرزوهای دور و دراز و غیر واقعی، اما وقتی در می‌یابد که حرف‌هایش ما را قانع نکرده است، برنامه‌هایی را بیان می‌کند که معمولاً مورد پذیرش افراد اجتماع و جامعه است، ولی پیداست که مریم حتی یکی از آنها را نپذیرفته و فقط برای مشغول کردن روان‌شناس، آن برنامه‌ها را بیان می‌کند. وقتی از کارشناس مرکز درباره او می‌پرسیم، مطالبی را غیر از آن چه که مریم برای من گفته است، می‌گوید. پیداست که او هدفی ندارد و در واقع، نمی‌داند باید چه کار کند و یا می‌خواهد چه کاره شود. این موضوع از برخورد و گفته‌های متناقض او کاملاً معلوم است. در آخرین صحبتش با ما می‌گوید: «اصلاً این دنیا یعنی چه؟من فقط منتظر عزرائیل و بهشت زهرا هستم». در ضمن در پرونده‌اش سه بار تلاش برای خود کشی ثبت شده است.

به تأیید همه کار شناسان، بیش‌تر دختران فراری از احساس پوچی و بی‌هدفی در عذابند. این دختران از آینده تصویری روشن و مناسب ندارند و معمولاً دچار بی‌هویتی هستند. این بی‌هویتی سبب می‌شود که دنباله رو دیگران بوده و با هر نوایی هم نوا شده و استقلال رأی نداشته باشند و در همه مسائل زندگی، تقلیدی کورکورانه را دنبال کنند. بنابراین، اهمیت دوران بلوغ و تأثیر آن در هویت‌یابی و تشکیل شخصیت با ثبات، به روشنی دیده می‌شود.

۳ ـ الگو پذیری‌های نادرست

در دوران بلوغ، نوجوان به سبب این که از لحاظ فکری رشد یافته و توانایی‌هایی به دست آورده، نوعی جهش فکری در خود احساس می‌کند. بنابراین، می‌پندارد قدرت انتخاب پیدا کرده و می‌تواند در مسائل گوناگون به تنهایی تصمیم گیری نماید و به اصطلاح بزرگ شده است. از طرف دیگر، چون والدین از نورس بودن فکر نوجوان با خبرند، می‌کوشند تا او را راهنمایی کنند. این مسئله در نوجوان، نوعی تنفّر نسبت به پدر و مادر و سلیقه‌های آنان ایجاد می‌کند. بنابراین، او به سوی همسالان گرایش پیدا می‌کند و الگو پذیری او از همسالان خود بیشتر می‌شود. آن چنان که گفتیم این مسأله در مرحله نخست کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد، ولی اگر مراقبت از راه دور والدین نباشد، این گونه الگوپذیری‌ها، نوجوان را به سوی تقلید و عملکرد کورکورانه می‌کشاند. تقلید کورکورانه در بسیاری از موارد با اندیشه وتعقّل همراه نیست و به همین دلیل، به بیراهه کشیده می‌شود. تقلیدهایی از این دست در مواردی چون شیوه لباس پوشیدن، صحبت کردن، رفت و آمدها، دوستی‌ها و حتی رفتارهای اجتماعی کاملاً مشهود است و بسیاری زمان‌ها نوجوانان چنین تقلیدهآیی را برای خود مایه افتخار دانسته و به اصطلاح این عمل را به علّت بالا بودن کلاس انجام می‌دهند. غافل از این که این گونه تقلیدها نه تنها آنان را به سوی ترقی و تعالی رهنمون

نمی‌کند، بلکه از محبوبیت اجتماعی آنان نیز می‌کاهد. خطر آفرین بودن الگوهای غلط و نابهنجار، موضوعی نیست که از دیده هیچ عاقلی پنهان بماند، ولی در زمینه فرار تأثیر آن خیلی بیشتر از موارد دیگر است. در رفتارهای بیش‌تر دختران فراری، تقلیدهایی کاملاً نابهنجار و نامتناسب دیده می‌شود. به گونه‌ای که بیشتر زمان‌ها کارها و رفتارهای تقلیدی دختران فراری هرگز با موقعیت فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی آنان سازگار نیست.

دختری که اصولاً در مدرسه فردی منزوی و غیر اجتماعی بوده است، به سبب عقب نیافتادن از همسالان خود، به تقلید از آنان، حاضر می‌شود دوستی از جنس مخالف انتخاب کند یا حتی پا را فراتر نهاده و به کارهای نابهنجار دیگری دست بزند که اجتماع و خانواده‌اش هرگز آن را نمی‌پذیرند. اهمیت این مسأله زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم این الگوپذیری برای فرد، هویت و شخصیت کاذب ایجاد می‌کند و رفته رفته این مسائل تقلیدی به باور فرد تبدیل می‌شود و شیوه زندگی آینده او را معین می‌کند.

در مرکز مداخله در بحران شهر...... بادختری به نام فرزانه رو به رو می‌شویم. پس از مصاحبه با او درمی‌یابم که در زمینه مسائل جنسی، اطلاعات بسیار بالایی دارد، درحالی که سن او بیش‌تر از پانزده سال نیست. وقتی که با کارشناس مرکز صحبت می‌کنم، می‌گوید: وقتی برای بازدید به خانه او رفتیم، ساده‌ترین امکانات زندگی هم در خانه آنها وجود نداشت و تنها زیلویی که کف اتاق

خانه آنان را پوشانده بود، آن‌قدر کثیف بود که ما نتوانستیم بر روی آن بنشینیم. آنان حتی در خانه از لوله‌کشی آب شهری هم محروم بودند، ولی با کمال تعجب متوجه شدیم یک آنتن ماهواره و یک تلویزیون رنگی ۲۹ اینچ و یک ویدئو سی‌دی در خانه وجود دارد. از مادرش می‌پرسیم: شما که ابتدایی‌ترین امکانات را ندارید، چرا این وسایل غیر ضروری را تهیه کرده اید؟! پاسخ می‌دهد: خواهر! شما که نمی‌دانید نگاه کردن فیلم‌های سوپر و شوو(رقص) از غذای شب هم برای فرزانه و برادرهایش، واجب تر است.

خانم کارشناس می‌گوید: فرزانه خیلی از اطلاعاتی را که یک نوجوان ۱۲یا ۱۳ ساله باید بداند هم نمی‌داند، ولی نام تک تک خواننده‌ها و رقاص‌ها را می‌داند. او به تمام روش‌های جلوگیری از بارداری و روشهای گوناگون نزدیکی(مقاربت) آشنایی دارد و به این اطلاعات مباهات هم می‌کند!

وقتی از فرزانه می‌پرسیم: چطور شد که سر از بهزیستی در آوردی و به این راه کشیده شدی؟ می‌گوید: یک روز برای پرسیدن چند مسأله درسی از هم کلاسی‌ام به خانه آنان رفتم. به اصرار او وارد خانه آنان شدم. او برای خودش اتاق مجزایی داشت. لباسی پوشیده بود که تقریبا نیمی از بدنش بدون پوشش بود. او می‌گفت: آخرین مد هنرپیشه‌های اروپایی است. از آن جا بود که من هم با تعریف‌های او به این مسائل علاقه‌مند شدم و کم کم به این سمت و

سو کشیده شدم و بود که مرا به این وادی کشند.

با توجه به مطالب گذشته، روشن است که تأثیر الگوهای غلط و تقلیدهای کورکورانه، تا چه اندازه می‌تواند زندگی فرد را از مسیر درست خارج و بدون این که خود فرد این دگرگونی‌ها را درک کند، رفته رفته به بیراهه کشیده شود.

اساسی‌ترین مسأله این است که نوجوان در رو به رو شدن با الگوهای گوناگون، ابتدا باید به حد کافی بیاندیشد و پس از اطمینان از مناسب و بی‌خطر بودن، آن الگو را انتخاب کند. مهم‌ترین اشتباه هم در همین مرحله صورت می‌گیرد؛ چرا که با دیدن یک مورد پرجاذبه، فرصت تفکر از جوان سلب و به سرعت به سوی آن الگو کشیده می‌شود. رسالت والدین در این مرحله، این است که به هر شیوه ممکن بکوشند نوجوان را به سوی الگوهای مناسب و ارزش‌های دینی و ملی بکشانند و آنان را از انتخاب الگوها و مدهای غلط و ضد ارزش باز دارند. البته در کشاندن نوجوان و جوان به سوی بعضی از مدها و الگوهای نامناسب، به غیر از خانواده و خود فرد، اجتماع و رسانه‌های تصویری از جمله رادیو و تلویزیون و مطبوعات هم نقش مهمی دارند که در جای خود از آن بحث خواهد شد.

۴ ـ اعتماد به نفس پایین و فرار از جنسیت

نوجوانی و جوانی که اعتماد به نفس بالایی ندارد، نمی‌تواند به

راحتی تصمیم‌گیری کند. و معمولاً در تصمیم گیری‌ها از پدر، مادر یا دوستان و همسالان خود کمک می‌گیرد. در یک جمله باید گفت او متکی به دیگران است و به همین دلیل دچار تزلزل می‌شود و میزان اعتماد به نفس او بیش از پیش کاهش می‌یابد و به فردی بی‌کفایت تبدیل می‌شود که در بیش‌تر زمینه‌های زندگی مانند خانواده، مدرسه، همسالان، فامیل و... دچار مشکل است. این بی‌کفایتی در حقیقت زاییده اندیشه و برداشت‌های غلط او است در حالی که وی، فرد بی‌کفایتی نیست.

نوجوان باید بداند که هیچ فردی مثل دیگری نیست. ویژگی‌ها، خواسته‌ها و توانایی‌های هر فرد، ویژه خود اوست و نباید خود را با دیگران مقایسه کند. هر فردی در زمینه خاصی استعداد دارد شخصی در هنر، یکی در ورزش، دیگری در درس خواندن و فردی هم در کارهای عملی و همه این‌ها در جای خود مناسب است. هیچ کس نمی‌تواند برای یک زمینه نسبت به زمینه دیگر برتری قائل شود، بلکه هر کدام امتیازی است که افراد متفاوت می‌توانند از آنها بهره‌مند شوند و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد. به نمونه زیر توجه کنید:

سارا، دختری ۱۵ ساله است که در خانه داری، کارهایی مثل آشپزی و به اصطلاح کدبانویی، مهارت ویژه‌ای دارد. ولی دختر خاله او، نرگس نقاش است و به تازگی تعدادی از تابلوهایش را در

نمایشگاهی در کانون فرهنگی محله به نمایش گذاشته است. همه افراد فامیل از تابلوهای او سخن می‌گویند و به وجود او افتخار می‌کنند؛چون همه جا گفته می‌شود نمایشگاهی از آثار نقاش هنرمند، خانم نرگس..... این حرف‌ها سبب می‌شود که سارا احساس حقارت کند. او می‌پندارد چون هنری ندارد، پس در فامیل آن چنان توجهی به او نمی‌شود. باید گفت در این مورد افکار عمومی و روش برخورد دیگران نیز مؤثر است، ولی او باید به این موضوع بیاندیشد که نرگس اصلاً خیاطی بلد نیست. او حتی نمی‌تواند یک تخم مرغ را نیمرو کند، ولی سارا گل‌دوزی، خیاطی و خیلی کارهای دیگر را به خوبی انجام می‌دهد. مثلاً ته چین پلویی که سارا می‌پزد، در فامیل بی‌نظیر است.

در مثال بالا، اگر سارا گمان می‌کند که او هم باید مانند نرگس باشد و حالا که چنین نیست، خود را سرزنش می‌کند و در نتیجه اعتماد به نفس او کاهش می‌یابد، ولی اگر به توانایی‌هایی که نرگس، دختر خاله‌اش از آنها بی‌بهره است بیاندیشد، درمی‌یابد که او نه تنها از دختر خاله‌اش عقب نیست، بلکه شاید در بعضی موارد جلوتر هم هست و این به او کمک خواهد کرد تا اعتماد به نفس خود را بالا ببرد تا به سوی ترقی پیش رود و در همه زمینه‌ها پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. آن چه در مورد جامعه ما روی می‌دهد، خلاف این است. متأسفانه در جامعه ما بسیاری از نوجوانان، حتی بزرگسالان، اعتماد به نفس پایینی دارند و در صد بالایی از مشکلات

فردی و اجتماعی جامعه ما هم از این مسأله ناشی می‌شود و این موضوع به دو دلیل به وجود آمده است. دلیل اوّل، نگرش نادرست حاکم بر اندیشه مردم است که از ارزش‌ها و ضد ارزش‌های واقعی دست کشیده‌اند و بعضی مسائل اعتباری را بر اساس اندیشه غربی برای خود ارزش می‌پندارند. دلیل دوّم، درک نادرست افراد از توانایی‌های خویش است. و از بین رفتن اعتماد به نفس و احترام به خود را در پی‌دارد.

یکی از عوامل مهمی که در شمار عوامل پدید آورنده خانه گریزی دختران مطرح می‌شود، عامل کمبود یا نبود اعتماد به نفس در چنین افرادی است . اعتماد به نفس پایین و نشناختن توانایی‌های خویشتن، فرد را به پوچی می‌کشاند. او می‌کوشد با این هدف‌های پوچ و تو خالی، نداشتن اعتماد به نفس را جبران کند که بیش‌تر با تقلید از دیگران و تکیه بر آنان همراه است. چنین دخترانی معمولاً در خانه رابطه سازنده‌ای با برادر و خواهرانشان ندارند، اهل خلاقیت و ابداع و ابتکار نیستند، به درس خواندن یا مطالعه علاقه‌ای ندارند. یادگیری مهارت‌هایی مثل گل‌دوزی، گل‌سازی یا شرکت در کلاس‌های تقویتی را نمی‌پذیرند. این گروه، حتی در خانه به مادر خود کمک نمی‌کنند، ورزش را دوست ندارند و به طور کلی همواره در رویاهای خود به سر می‌برند. باید گفت: آنان به دلیل اعتماد به نفس پایین، نمی‌توانند به خواسته‌های

معقول خود در اجتماع جامهٔ عمل بپوشانند. بنابراین، به خیال پردازی روی می‌آورند و ناکامی‌هایشان را در ذهن و خیال خویش پرورش می‌دهند و با این عمل، خود را به صورت کاذب ارضا می‌کنند. این گونه افراد هرگز اهل کوشش و تلاش نیستند و پشتکار ندارند. آن چه مهم به نظر می‌رسد این است که تعداد زیادی از دختران فراری که علت فرار آنها اعتماد به نفس پایین تشخیص داده شده است، از خانواده‌های مرفه و یا نسبتاً مرفه و یا از خانواده‌هایی بوده‌اند که در زندگی به مادیات ارزش بیشتری داده‌اند.

فرار از جنسیت

یکی از موضوع‌هایی که در اثر اعتماد به نفس‌کم در دختران روی می‌دهد، بحث انفعال در جنسیت و فرار از جنسیت است. دختر نوجوان از یک سو در اثر نا آشنایی با قابلیت‌ها و توانایی‌های خود و جنس خود و از سوی دیگر، بعضی تبلیغ‌های مسموم و هنجارهای غلط مبنی بر برتری مردان و آزادی و قدرت آنان، جنسیت خود را بی‌ارزش می‌پندارد و احساس پوچی و توخالی بودن می‌کند و از زن بودن خود ناراضی است. او با خود می‌گوید: کاش پسر بودم و کارهایی همچون پسرها و مردها انجام می‌دادم! این موضوع دلیل‌های گوناگونی دارد که یکی از آنها به مطبوعات و رسانه‌ها برمی‌گردد؛زیرا به اندازه کافی به کرامت زن و توانایی‌ها و ویژگی‌های

او نپرداخته‌اند. دختر نوجوان به سبب جای گزینی ارزش‌های غربی و بیگانه به جای ارزش‌های دینی و ملی، کرامت خود را در خودنمایی و مُدگرایی و تجملات می‌بیند، غافل از اینکه ارزش اصلی زن در تربیت انسان است. حضرت امام خمینی(ره) درباره جایگاه والای زن می‌فرماید:

«مرد از دامن زن به معراج می‌رود»: این بدان معنی است که نقش اساسی در تربیت یک انسان، بر دوش مادر است. اگر زن‌ها و مادرها انسان‌های خوبی تربیت کنند، جامعه به سوی تعالی پیش خواهد رفت و اگر آنان انسان‌های بدی تربیت کنند، جامعه تباه خواهد شد. پس اثر گذاری زن آن‌قدر مهم است که آن را با هیچ کرامت دیگری نمی‌توان هم سنگ دانست. اگر دختران نوجوان و جوان و هم چنین زنان جامعه ما قدر و منزلت خود را بدانند، بسیاری از مفاسد اجتماعی از جامعه رخت برخواهد بست. آن چه امروزه در جامعه شاهد آن هستیم، نشان دهنده ناآگاهی این قشر جامعه از منزلت خود است. گرایش بیش از پیش زنان به کار در خارج از خانه، انتخاب شغل‌های نه چندان مناسب برای خانم‌ها، گرایش دختران به ورزش‌های نامناسب از جهت فیزیکی و جسمی، مثل کاراته و تکواندو و امثال آن یا انتخاب لباس‌های مردانه از سوی زنان، همه این ادعا را ثابت می‌کنند.

این زمینه در دختران فراری شدّت بیش‌تری دارد. بیش‌تر

دختران فراری کم و بیش به این نکته اشاره می‌کنند که دوست داشتند پسر بودند تا از آزادی‌های زیادتری برخوردار باشند.

دختری فراری، هنگام گفت‌وگو، شلوار مردانه به رنگ قهوه‌ای، بلوز کاموایی کرم رنگ پوشیده و موهای خود را هم کوتاه کرده است وفقط از یک شال زنانه به عنوان روسری استفاده می‌کند. او می‌گوید: من پیش از فرار هر روز به باشگاه پرورش اندام می‌رفتم تا هیکلم مثل مردان باشد. هرکس وارد اتاق من می‌شد از وسایل آن تعجب می‌کرد؛چون بیشتر وسایل من، پسرانه بود تا دخترانه.

دختر دیگری که در پایانه جنوب تهران دستگیر کرده‌اند. ۱۲ ساله است که با پوشیدن لباس پسرانه و کوتاه کردن موهای سرش، مدت۴۵ روز به عنوان شاگرد راننده اتوبوس کار کرده است تا این که به‌طور اتفاقی با یکی از آشنایان رو به رو و دستگیر شده است. وقتی از او پرسیده می‌شود: چرا خودت را به شکل پسرها در آورده‌ای؟ می‌گوید: از دختر بودن متنفرم، می‌خواهم مثل پسرها زندگی کنم. دخترها ذلیل هستند، کسی ارزشی برای دخترها قائل نیست.

باید گفت: این گونه اندیشه‌ها، از جمله باورهای منحرفی است که معمولاً در خانواده‌هایی وجود دارد که یا از لحاظ دینی و مذهبی، یا از لحاظ فرهنگی در سطح پایینی قرار دارند و از آموزش‌های انسان ساز دینی و الهی بی‌خبرند؛ زیرا اسلام برای زن و مرد از نظر انسانیت، ارزش یکسانی قائل است و تنها ملاک برتری را

تقوا می‌داند. در اسلام، زن و مرد وظایف ویژه‌ای دارند که هیچ کدام از این وظایف، دلیل برتری آنان نیست؛ بلکه بر اساس شرایط فیزیکی و روحی و روانی هر جنس وظایفی مناسب با او در نظر گرفته شده.

زن از لحاظ جسمی ضعیف‌تر و ظریف‌تر است، ولی به سبب روحی و عاطفی، حساس‌تر، زن روح لطیف‌تری دارد. بنابراین، وظایف او هم مناسب شرایط روحی و جسمی او خواهد بود. البته تصوّر نشود که هیچ زنی حق شرکت در اجتماع را ندارد. زن نباید رسالت اصلی خود را فراموش کند، بلکه باید فعالیت‌های دیگر را به صورت فعالیت جنبی در کنار مسؤولیت اصلی تربیت فرزندان و شوهرداری در نظر بگیرد. نمونه برجسته چنین زنی حضرت فاطمه زهرا﷭ است. ایشان با این که در همسرداری، زنی نمونه بود، از فرزندان نیز مراقبت می‌کرد و کارهای سخت خانه را انجام می‌داد. ولی با این حال، از هیچ فعالیت اجتماعی باز نمی‌ماند. در جنگ‌ها به عنوان پرستار حاضر می‌شد و برای زن‌های دیگر، کلاس تفسیر و تدریس قرآن برگزار می‌کرد. پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ نیز هنگامی که حریم ولایت را در خطر دید، بارها از ولایت دفاع کرد و در مسجد به سخنرانی پرداخت وخطبه خواند. حضرت زینب کبری﷭ نمونه دیگری از زنان نمونه است که نقش ایشان در نهضت عاشورا نیاز به بازگویی ندارد. در جامعه اسلامی ما، افرادی با دم زدن

از حقوق زن، قصد گمراه کردن این قشر را دارند و در واقع، کرامت و عفت زن را نشانه گرفته‌اند. آنان با این سیاست‌ها قصد دارند بانوان ایران اسلامی را با خود هم نوا کنند.

۵ ـ ارتباط با جنس مخالف

انسان موجودی اجتماعی است. اگر چه جنبه‌های فردی بسیاری هم در او وجود دارد، ولی ذات او چنین است که می‌خواهد در میان دیگر هم نوعان زندگی کند. برای آدمی، تنها زندگی کردن و گوشه نشینی بسیار دشوار است. از این رو، از ابتدای خلقت، در پی همدم و هم نشین بوده است و این به سبب نیاز به درد دل با دیگران و ابراز همدردی و همدلی از سوی آن‌هاست، ولی از آنجا که هر فرد در هر سنی شرایط ویژه ای دارد، طبیعی است که می‌کوشد فردی را برای دوستی وهم نشینی برگزیند که با شرایط او هم‌خوانی و سازگاری داشته باشد. بنابراین، اغلب افراد از لحاظ سنی، با هم سالان خود دوستی می‌کنند.

انتخاب دوست، یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های زندگی یک فرد است؛ زیرا انسان وقتی با کسی هم نشین می‌شود و با او نشست و برخاست می‌کند، بی شک از او تأثیر خواهد پذیرفت. این اثر پذیری، مسیر زندگی او را تغییر خواهد داد، ولی این تغییر مسیر برای فرد ملموس نیست و در بیشتر موارد، فرد متوجه این تأثیر پذیری‌ها

نمی‌شود. بنابراین، لازم است هر فردی در انتخاب دوست دقت کند تا دوستی که برمی‌گزیند از لحاظ فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، بهتر از خود او باشد. دین اسلام درباره آیین دوست‌یابی، شرایط یک دوست خوب و امتحان کردن دوست، توصیه‌های بی‌شماری دارد. امیرمؤمنان علیه‌السلام درباره انتخاب دوست به فرزندش امام حسن علیه‌السلام چنین توصیه می‌کند:

«پسرم، از دوستی با احمق پرهیز کن؛چرا که می‌خواهد به تو نفعی رساند، ولی زیان به تو می‌رساند. از دوستی با بخیل بپرهیز؛زیرا آن چه را که سخت به آن نیاز داری، از تو دریغ می‌دارد و از دوستی با بدکار بپرهیز؛ که او با اندک بهایی، تو را می‌فروشد و از دوستی با دروغ گو بپرهیز؛ که او به سراب ماند؛دور را به تو نزدیک و نزدیک را دور می‌نمایاند».[1]

آنچه از مطالعه کتاب‌هایی که در زمینه عوامل انحراف انسان‌ها نگاشته شده، برمی‌آید، این است که دوست ناباب و دوست بد، بیش‌ترین عامل انحراف انسان بوده‌اند. برای همگان کاملاً روشن است که انسان به خودی خود، راه خطا را پیش نمی‌گیرد و همیشه از سوی افراد دیگر راه‌های جرم و جنایت و خطا به او نشان داده می‌شود و ترغیب‌ها و تشویق‌ها از سوی دوستان ناباب صورت می‌گیرد. بنابراین، بی‌توجهی نوجوان به این مسأله و بی‌دقتی او در

---

۱. محمد دشتی، *پندهای جاودانه*، ص۹، حکمت ۳۹.

انتخاب دوست، یکی از بزرگترین خطرهایی است که او را تهدید می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که یکی از مهمترین عوامل فرار دختران از خانه، ارتباط و دوستی با جنس مخالف است. در بررسی‌های به عمل آمده از دختران فراری، بیشتر آنها به داشتن رابطه با جنس مخالف اعتراف کرده‌اند . تحقیقات نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد دختران فراری پیش از فرار، دوست پسر داشته‌اند و بیشتر این دختران به وسیلهٔ همین دوستان، گمراه شده و دست به فرار زده‌اند.

۶ـ شناخت و اطلاعات غلط

یکی از موضوع‌هایی که در مباحث روان شناسی مطرح می‌شود، مبحث باورهای نادرست است. در تعریف باورهای غلط گفته می‌شود: فردی که اطلاعات نادرستی را دریافت می‌کند، در نتیجه شناخت غلطی هم از جهان خارج دارد و این شناخت‌ها رفته رفته به باورهای نادرست تبدیل می‌شود. بنابراین، فردی که باورهای غلطی دارد، تجزیه و تحلیل او از واقعیات نیز بر اساس همین باورهای غلط خواهد بود. پس تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری نادرست و نابهنجاری از واقعیات خواهد داشت. این تجزیه و تحلیل نادرست، از انسان فردی می‌سازد که همه اندیشه و کارهای او براساس باورهای نادرست و پوچ پایه گذاری شده است. بنابراین،

همه تصمیم‌ها و زندگی او برپایه خیال‌های واهی خواهد بود. کار این فرد، شبیه کودکی است که وقتی می‌خواهد حبّه قندی را از قندان بردارد و بخورد، چشمان خود را می‌بندد؛زیرا گمان می‌کند با بستن چشمهایش، همچنان که او دیگر نمی‌تواند ببیند، دیگران هم او را نخواهند دید.

به عقیده روان شناسان، همه افرادی که اختلال‌های روانی دارند، باورهای نادرستی در ذهن خود می‌پرورانند. به همین سبب، هنگام روان درمانی این افراد، ریشه این اختلال‌ها را در باورهای غلط آنان جست‌وجو می‌کنند.

بیش‌تر دختران فراری یا شاید بتوان گفت همه دختران فراری به ضعف شناخت، کمبود اطلاعات و باورهای غلط دچار هستند و به جرأت می‌توان گفت که این مسأله زمینه ساز همه مشکلاتی است که پیش‌تر به آن اشاره شد. مشکلاتی هم‌چون الگوپذیری غلط، انتخاب دوست ناباب، اعتماد سریع، ارتباط با جنس مخالف، نداشتن اعتماد به نفس، دلبستگی‌های دور از واقع و کاذب، تصمیم گیری‌های آنی و نسنجیده، رفتارهای نابهنجار و نامتعارف و حتی اختلال‌های شخصیتی و روانی همچون: افسردگی و اضطراب را نیز می‌توان از این موارد دانست که هریک به تنهایی می‌تواند برای فرد مشکلاتی ایجاد و زمینه فرار او را فراهم کند. این حالت‌ها در تعداد زیادی از موارد یاد شده دیده می‌شود و کارشناسان، پس از

ریشه‌یابی فرار، به این مسأله رسیده‌اند که ریشه همه آنها شناخت و اطلاعات و باورهای غلط است. بعضی از موارد آنقدر ابتدایی و کودکانه است که کارشناسان، با دشواری آن مورد را باور می‌کنند. برای روشن شدن موضوع به چند مورد دقت کنید:

مینا دختری ۳۰ساله است که پیش از این یک بار ازدواج کرده و طلاق گرفته است، در مرکز مداخله در بحران می‌گوید: من برای یافتن کار به این جا آمده بودم، می‌گوییم چه کاری؟ می‌گوید: من کمی آرایشگری بلد هستم و یک گواهی هم دارم. در ادامه می‌گوید: من تا رسیدم تهران، دستگیر شدم. اگر تا شب دستگیر نشده بودم، حتماً در یک آرایشگری کار پیدا می‌کردم. می‌گوییم در تهران آشنایی داشتی یا قبلاً با کسی برای کار قرار گذاشته بودی؟

پاسخ منفی است. ضعف اطلاعات و شناخت نادرست کاملاً پیداست. دختری غریب با یک گواهی نامعتبر آرایشگری، گمان می‌کند از صبح تا غروب می‌تواند در شهری به بزرگی تهران کار مناسب پیدا کند و مشغول شود.

الناز دختری ۱۷ ساله از یکی از استان‌های جنوبی کشور به تهران آمده است و قصد دارد با آقای..... بازیکن معروف فوتبال و عضو تیم ملی دوست شود. به او می‌گوییم: مگر فلان بازیکن تو را می‌شناسد؟می‌گوید: نه. می‌گوییم: اول، این که از کجا می‌خواستی او را پیدا کنی؟دوم، این که گیریم او را پیدا می‌کردی، چطور می‌خواستی با او دوست شوی؟مگر بازیکن فوتبال بی‌کار است که

منتظر بنشیند و هر دختر شهرستانی که از راه برسد، با او دوست شود؟می‌گوید: نه من به او علاقه دارم. وقتی ابراز علاقه مرا ببیند، حتماً او هم به من علاقه‌مند خواهد شد.

شیما دختری ۱۲ ساله که به اتفاق دوستش فرار کرده است. می‌گوییم: چرا فرار کردی؟ می‌گوید: مادرم مرا دوست نداشت. می‌پرسیم: از کجا فهمیدی؟در پاسخ می‌گوید: مثل زهره که مادرش همیشه کتکش می‌زد. می‌گوییم: چطور شد با هم به تهران آمدید؟ می‌گوید: زهره گفت برویم تهران کار پیدا کنیم و وقتی که پولدار شدیم برادر کوچکت را هم می‌آوریم پیش خودمان. می‌پرسیم: چه کاری می‌خواستی در تهران بکنی؟می‌گوید: روزنامه فروشی.

این چند مورد نمونه‌ای است از صدها موردی که براساس داشتن باورهای غلط و کودکانه و اطلاعات غیر واقعی، فرار کرده‌اند. بیش‌تر این دختران، برای پیدا کردن کار، یا به سبب وعده و وعیدهای توخالی افراد سودجو یا در پی زرق و برق‌های دروغین شهرهای بزرگ به ویژه تهران، از شهر خود فرار می‌کنند و راهی کلان شهرها می‌شوند.

همه کارشناسان مراکز نگهداری که سال‌هاست به صورت شبانه روزی با پدیده فرار و دختران فراری سر و کار دارند و به عقیده ما، آگاه‌ترین افراد نسبت به این پدیده هستند، به وجود اختلال‌های شخصیتی و روانی و مشکلات عاطفی، دل بستگی‌های واقعی و

کاذب ارضا نشده، الگو پذیری‌های غلط، ارتباط با جنس مخالف، شناخت و اطلاعات غلط و اعتماد به نفس پایین در دختران فراری اعتراف دارند و تأکید می‌کنند که این عوامل در شمار مهم‌ترین عوامل فرار به حساب می‌آیند.

دختران نوجوان و جوان ما اگر با شخصیتی قوی، اطلاعات بالا و درکی درست از واقعیتها رشد کنند و فردی پرخاشگر، زود رنج وخیال باف نباشند، بی شک، احتمال انحراف و خطا و حتی فرارشان کاهش خواهد یافت[۱].

[۱] ـ ر. ک. *خانه گریزی دختران*، رضا مهکام: ص۷۴ـ ۷۱.

فصل هفتم

مشروبات الکلی

مشروبات الکلی

یکی از دام‌های خطرناکی که عده‌ای از جوانان ناآگاه در آن گرفتار می‌شوند مشروبات الکلی است. اگر کسی در گذشته در مضر بودن میگساری و شراب خواری شک داشت، امروز این تردید از بین رفته است و از نظر علمی ثابت شده است که این کار برای مصرف کنندهٔ آن عواقب ناگواری دارد؛ قرآن کریم با بیان ضررهای میگساری، قرن‌ها پیش از اثبات علم، به شدت از نوشیدن آن ما را بر حذر داشته و مهر تحریم بر آن زده است.

دکتر «ایتوف»، می‌گوید: نوشابه‌های الکلی پس از استعمال، سریعاً جذب خون می‌شود و خون در مسیر خود، مغز را بی‌نصیب نمی‌گذارد و در نتیجه، عمل سلسلهٔ اعصاب رو به ضعف می‌رود و خویشتن داری که ارادی بوده و منشأ حیا در انسان و مانع از بروز اعمال وقیحانه است از دست می‌رود؛ به عبارت دیگر، الکل عالی‌ترین اعمال مغزی یعنی اعمال توقفی آن را فلج می‌کند. جنایات جنسی، آدم کشی، ضرب و جرح، دزدی و ولگردی در بسیاری از موارد، متعاقب استعمال نوشابه‌های الکلی رخ می‌دهد. الکل، شرم و حیا را از بین می‌برد، پردهٔ عفت‌ها را از هم می‌درد و شخص را از کلیهٔ قیود

و رسوم اجتماعی، مذهبی و اخلاقی آزاد کرده، ندای وجدان را خفه می‌کند و فرشته را تبدیل به شیطان می‌کند[1].

«الکسیس کارل»، می‌گوید: مستی زن یا شوهر در لحظهٔ آمیزش، جنایت واقعی است؛ زیرا کودکانی که در این شرایط به وجود می‌آیند، اغلب از عوارض عصبی یا روانی درمان ناپذیر رنج می‌برند[2].

امروز آمار و تحقیقات نشان می‌دهد مرگ کودکانی که والدین آنها مشروبات الکلی می‌نوشند، بیشتر از سایر کودکانی است که بر اثر سایر امراض از بین می‌روند و اطفالی که از پدران شراب خوار به وجود می‌آیند، غالباً ضعیف، علیل و به تشنّج‌های شدید مبتلایند و قدرت دفاعی آنها در مبارزه با مشکلات زندگی، ناچیز است و در برابر عفونت‌های مختلف، بسیار حساس‌اند، نقص بدنی، انحراف ستون فقرات، کر و لالی و عوارض ناشی از نارسایی غدهٔ تیروئید و همچنین ضایعات مغزی، مانند عقب ماندگی، رشد نکردن، مالیخولیا، دیوانگی‌های حاد و غیره در آنان فراوان دیده می‌شود.

متخصصان می‌گویند: الکل به همان شکل خالص، بدون آن که تغییر ماهیت دهد وارد خون می‌شود و دستگاه گردش خون در معرض آسیب آن قرار می‌گیرد و نه تنها دستگاه گردش خون، بلکه

---

۱ ـ علوم جنائی: ص۸۳۱.
۲ ـ راه و رسم زندگی: ص۹۱.

تمام اعضای بدن به آفت الکل دچار می‌شوند و شراب خوار را به سوء هاضمه، تشنج معده، شکم درد و استفراغ گرفتار می‌کند. از کارهای مهم کبد، تجزیه و خنثی کردن سمومی است که به داخل آن راه پیدا می‌کند؛ اما متأسفانه در برابر سمّ الکل اثری ندارد و این الکل است که قدرت تحریکی خود را روی کبد نیز اعمال می‌نماید.

گفتنی است عده‌ای از جوانان آگاه به مضرات مشروبات الکلی، گاهی چنین وانمود می‌کنند که مصرف کم آن اشکال ندارد و ضرری به بار نمی‌آورد. گرچه چنین توهمی از نظر دستورات اسلام مطرود است و از وسوسه‌های شیطان برای گمراه کردن تدریجی انسان است[۱]. امروزه متخصصان ثابت کرده‌اند که نوشیدن مشروبات الکلی گرچه اندک باشد، آثار منفی خود را به جا خواهد گذاشت؛ زیرا جذب الکل در خون، گرچه میزان آن ناچیز باشد، درجهٔ دقت و فهم و ادراک را ضعیف می‌کند.

از آنچه گفته شد، معلوم گشت نوشیدن مشروبات الکلی، هم از نظر جسمی، هم از نظر روانی و هم از نظر اجتماعی، پیامدهای ناگواری برای کسانی که مرتکب آن می‌شوند به ارمغان می‌آورد و زمینهٔ بسیاری از جرایم را فراهم می‌کند: مشروبات الکلی آدمی را سست اراده، پست و بی‌شخصیت می‌سازد و موجب سلب توفیقات و

---

۱ ـ قرآن کریم در سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۰۸ می‌فرماید: « از گام‌های شیطان پیروی نکنید». این آیهٔ شریف می‌خواهد به ما بفهمند که شیطان برای گمراه کردن انسان، قدم به قدم و تدریجاً اقدام می‌کند.

دوری از خداوند می‌گردد و انسان را در سراشیبی سقوط قرار می‌دهد. به همین سبب است که قرآن شرابخواری را از گناهان بزرگ و عمل شیطان می‌داند و ما را از نزدیک شدن به آن نهی می‌کند[۱].

زیانهای مشروبات الکلی

۱ـ زیانهای الکل بر مغز و اعصاب

از نظر طبقه بندی فارما کولوژی، الکل تضعیف کنندهٔ سیستم مرکزی اعصاب است که جزء مواد سستی‌زا طبقه بندی می‌شود، و در پزشکی مصارف زیادی دارد ولی به علّت سوء استفاده در مصرف آن، مشکلاتی را در جامعهٔ بشری ایجاد می‌کند.

اثر اصلی و عمدهٔ کوتاه مدت الکل بر سیستم اعصاب مرکزی است.

مصرف نوشابه‌های الکلی در ابتدا موجب نوعی آرامش و رها شدن کاذب و افراطی می‌گردد. ولی پس از مدتی اثرات واقعی آن از جمله: ناهماهنگی در حرکات عضلات،اختلال در تصمیم گیری، آسیب اعمال حرکتی و مهارتی، کندی واکنش و فعالیت‌های دماغی و فکری، تشدید حالت تهاجمی و پرخاشگری، درهم و برهم حرف

---

۱ ـ ر. ک. سورهٔ بقره: آیهٔ ۲۱۹ و سورهٔ مائده: آیهٔ ۹۰.

زدن، سوزش قلب، پرحرفی، دوتا دیدن اشیاء و افراد و افـزایش ادرار می‌باشد.

پژوهشگران می‌گوینـد: مـصرف زیـاد الکـل موجـب فلـج شـدن فعالیت‌های مغزی و دستگاه تنفسی و در نتیجه مرگ می‌گردد.

شایع‌ترین اختلال سیستم عصبی در الکلیسم مزمن، آسیب قرنیه و اعـصاب چـشم اسـت. آسـیب بـه مغـز و ضـایعات نـسوج مغـزی، ناراحتی‌های قلبی از جمله آریتمـی و تاکیکـاردی از عـوارض رایـج استفاده از الکل می‌باشد.

۲ـ زیانهای الکل بر استخوان‌ها

اگر چه بسیاری از افراد از تأثیرات منفی مشروبات الکلی بر کبـد مطلع هستند، امّا تعداد کمی از آسیب‌های مشروبات بر استخوان‌هـا اطلاع دارند بررسی گروهی از پژوهشگران نشان داده کـه مـشروبات الکلی، سـبب ضـعیف شـدن و شکـستگی اسـتخوان‌هـا مـی‌شـود و استخوان‌های شکسته در طولانی مدت به سختی درمان خواهد شد. پزشکان می‌گویند مصرف مشروبات الکلی به تدریج مانع کار بافتهای استخوان ساز مـی‌شـود و در طـی چنـد سـال اسـتخوان‌هـا صـدمه می‌بینند و همچنین مصرف این مشروبات سبب کـشیدگی تانـدونها می‌گردد.

گفتار فلاسفه و متخصصان دربارهٔ الکل

۱ـ یکی از حکمای هند می‌گوید: مسکرات قاتل خرد و عقل در انسان‌ها می‌باشد.

۲ـ یکی از حکمای ایرانی می‌گوید: خریدن مسکرات، خریدن دیوانگی است.

۳ـ یک پژوهشگر آلمانی می‌گوید: بر درِ نوشابه فروشی‌های الکلی قفل بزنید و سپس زندان‌ها را از جنایتکاران خالی کنید.

۴ـ بنتام انگلیسی می‌گوید: مسکرات مردم را در شمال آبله و در جنوب دیوانه می‌کند.

۵ـ دکتر لاموته می نویسد: می‌دانی مِی خواره چه می‌نوشد؟! او قطرات اشک عقل و خون اطفالش را می‌نوشد!

۶ـ یک پژوهشگر ایرانی می‌گوید: معتاد به الکل، هر بار که یک گیلاس مشروب الکلی می‌نوشد، یک گام به سوی مرگ قطعی نزدیکتر می‌شود.

۷ـ یک پژوهشگر آلمانی می‌گوید: الکل بهترین زمینهٔ پرورش را برای میکروب سل دربدن، فراهم می‌کند.

مشروبات در روایات اسلامی

۱ـ امام باقر علیه‌السلام می فرمایند: «شرابخوار با رویِ سیاه، دهان کج،

زبان بیرون آمده و ناله و فریاد از شدت تشنگی وارد قیامت می‌گردد و به او از چاهی که در آن چرک بدن زنان زناکار ریخته شده، می‌آشامند»[1].

۲ـ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هرکس جرعه‌ای شراب بنوشد، خداوند و ملائکه و انبیاء و مؤمنان او را لعنت می‌کنند؛ زیرا مستی شراب، روح ایمان را از کالبد می‌برد و به جایش روح پست و کثیف و لعنت شده، قرار می‌دهد[2].

۳ـ به امیرمؤمنان علیه السلام گفتند: آیا شما فرمودید که شراب از دزدی و زنا بدتر است؟ آن حضرت فرمودند: «آری! چون زنا کننده ممکن است گناه دیگری مرتکب نشود و دزد نیز ممکن است گناه دیگری انجام ندهد؛ ولی شرابخوار چون مست شد، زنا می‌کند، آدم می‌کشد، نماز را رها می‌کند»[3].

۴ـ امام صادق علیه السلام فرمودند: «خدا شراب را حرام کرد؛ زیرا ریشهٔ تمام بدی‌ها و ناپاکی‌ها است.شرابخوار در حال مستی عقلش را از دست می‌دهد و خدای خود را نمی‌شناسد، هر گناهی را مرتکب می‌شود و هتک حرمت می‌کند و به ناپاکیها و هرزه‌گیها آلوده

۱ـ وسایل الشیعه: ج ۱۷، ص ۲۳۷.
۲ـ وسایل الشیعه: ج ۱۷، ص ۲۳۸.
۳ـ وسایل الشیعه: ج ۱۷، ص۲۵۰.

می‌شود. شخص مست افسارش در دست شیطان است. اگر شیطان به او دستور دهد در برابر بُت سجده کن، سجده می‌کند و به هر طرف که شیطان او را بکشاند، می‌رود».[1]

۱ـ وسایل الشیعه: ج ۱۷، ص۲۵۱.

فصل هشتم

ارتباط
و
دوستی با جنس مخالف

ارتباط و دوستی با جنس مخالف

در تمامی اقوام و مذاهب، ارتباط بین زن و مرد بیگانه، کم و بیش نابهنجار و غیر متعارف قلمداد می‌شود. به طور کلی، از اقوام باستانی گرفته تا ادیان و مذاهب‌گوناگون در جوامع بشری امروزی، هر کدام قوانین و ضوابطی خاص برای ازدواج زن و مرد دارند و تعامل خارج از آن ضوابط را ممنوع می‌دانند. دین مبین اسلام که کاملترین و جامع‌ترین دین است، در این زمینه از همه مکتبها و ادیان، دقیق‌تر وحساس‌تر است و می‌گوید: روابط بین دو جنس مخالف باید در چارچوب خانواده باشد و اگر از این چارچوب و ضوابط خارج شود، سبب انحراف اخلاقی و در نتیجه فساد فردی و اجتماعی خواهد شد. البته این سخن بدین معنا نیست که هیچ زنی حق صحبت کردن با مرد نامحرم را ندارد، بلکه این سخن در مواردی است که رابطه زن و مرد بیگانه از حالت عادی خارج شود و به دوستی و گفتگوهای طولانی کشیده شود که اسلام هرگز چنین روابطی را نمی‌پذیرد.

به عبارت دیگر، چون ارتباط و دوستی با جنس مخالف می‌تواند موجب بروز فساد شود، اسلام چنین ارتباطی را نمی‌پذیرد و فرهنگ و عرف جامعه اسلامی تنها زمانی اجازه رفت و آمد و همراهی دو فرد از جنس مخالف را می‌دهد که تحت ضوابط وعقد شرعی، محرم باشند و این محرمیّت نیز با نظارت و اذن ولی دختر صورت گرفته باشد. بنابراین همه دوستی‌های خیابانی میان دختر و پسر، نامه دادن‌ها، گفتگوهای تلفنی و مانند آن، چه از نظر عرفی و چه از نظر عقل و شرع، جایز نیست.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر دوستیها میان دختر و پسر، سرانجام خوشی نداشته است؛چرا که وقتی دختر، با عقیده و اندیشه‌ها، آرزوها و رؤیاهایش با پسری دوست می‌شود، با خود می‌اندیشد که او عاشق من است و از صمیم قلب به من علاقه دارد و حتماً مرا خوشبخت خواهد کرد و یا می‌پندارد پسری که به او ابراز علاقه کرده همان فرد ایده‌آل و رومانتیک آرزوهای اوست. غافل از اینکه پسر فقط برای ارضای شهوت و خوش‌گذرانی به او محبت می‌کند و پس از مدتی او را رها خواهد کرد. چه بسا افرادی که با شش یا هفت دختر دوستی بر قرار کرده‌اند! آیا به همه آنان عشق می‌ورزند؟! اگر پسری هم از روی صداقت با دختری دوست شود، معلوم نیست آیا ویژگی‌های اخلاقی، اعتقادی و خانوادگی مناسبی دارد یا نه؟!

آن چه از آمارها به دست می‌آید این است که فقط ۴ درصد

دوستی‌های میان دختر و پسر به ازدواج منتهی می‌شود، که البته بیشتر همان ۴ درصد هم زندگیشان به طلاق منجر خواهد شد. تعداد اندکی از جوانان که بر پایه دوستی‌های خیابانی، زندگی مشترک تشکیل داده‌اند، تا یکی دو سال احساس خوشبختی کرده‌اند، ولی در نهایت، در پیچ و خم زندگی به کاستی‌های یکدیگر پی برده و این نکته را درمی‌یابند که ازدواج آنها فقط بر پایه عشقی سطحی صورت گرفته است، و علاقه وافر به یکدیگر در آغاز دوستی به آنان اجازه نداده تا عیبهای یکدیگر را ببینند. در نتیجه هر یک دیگری را برای خود فردی ایده آل می‌بینند، لیکن بعد از ازدواج کمبودها و مشکلات اخلاقی دو طرف آشکار گشته است، از این رو آنها چاره‌ای جز طلاق ندیده‌اند. این‌ها گوشه‌ای از مسائل و مشکلات دوستی با جنس مخالف است که از پیامدهای دیگر آن می‌توان به کشیده شدن به باندهای فساد، اعتیاد، دزدی، جنایت، ایدز و.... اشاره کرد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین عوامل فرار دختران از خانه، دوستی و علاقه به جنس مخالف است. بیشتر دختران فراری به داشتن رابطه با جنس مخالف اعتراف کرده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد دختران فراری پیش از فرار، دوست پسر داشته‌اند و بیش‌تر این دختران به وسیله همین دوستان، گمراه شده و دست به فرار زده‌اند. شگفت اینجاست که

دختران فراری، یا نام واقعی دوست پسر خود را نمی‌دانند یا اگر هم می‌دانند به خیال خود برای وفاداری نام او را فاش نمی‌کنند و هنوز هم در خیال واهی خود، بر این باورند که دوست پسرشان به سراغ آنان خواهد آمد. علاوه بر این مطلب، تعدادی از دختران فراری هم به اشتباه خود پی‌برده‌اند و تباه شدن و بی‌آبرویی خود را به سبب ارتباط با دوستان پسر خود می‌دانند و علت فرارشان را وعده‌های پوچ دوستان پسرشان بیان می‌کنند.

باید گفت: در خانواده‌هایی که مسائل مذهبی به خوبی رعایت می‌شود، ارتباط و دوستی با جنس مخالف، کمتر اتفاق می‌افتد. در این خانواده‌ها، والدین مسائل محرم و نامحرم را به خوبی برای فرزندان خود بیان کرده‌اند که به طور طبیعی این ناهنجاریها در این حانواه‌ها به مراتب کمتر بوجود می‌آید. ناگفته نماند که بیشتر دختران، برای نخستین بار به صورت مستقیم با پسرها ارتباط برقرار نکرده‌اند. و ایجاد ارتباط آنان باپسرها به یکی از روشهای زیر می‌باشد.

۱ـ معرفی شدن به وسیله یکی از دوستان همجنس به یک پسر؛

۲ـ معرفی از سوی بعضی از زنان فامیل یا همسایه؛

۳ـ تحت فشار وتحقیر دوستان مبنی بر ناتوانی در جلب نظر یک پسر و همسان سازی با همسالان؛

بنابراین، این نکته را نباید فراموش کرد که معمولاً دختران نوجوان به خودی خود دست به انتخاب دوست پسر نمی‌زنند، بلکه

از سوی بعضی از دوستان و هم سالان تحریک یا ترغیب می‌شوند و این اهمیت تأثیر الگوها و هم سالان را نشان می‌دهد. برای اثبات این ادعا به چند داستان واقعی اشاره می‌کنیم:

الف ـ رؤیا دختری ۱۶ساله است که به همراه دوست پسر خود از یکی از شهرستانها به تهران آمده، و در ترمینال جنوب تنها و بی‌سرپناه دستگیر شده است.

از او می‌پرسم: برای چه به تهران آمدی؟

می‌گوید: با نامزدم! آمدیم تهران عقد کنیم و با هم کار کنیم و زندگی خوبی را درست کنیم.

می‌گویم: از نامزدت خبر داری؟ می‌دونی الان کجاست؟ در حالی که گریه می‌کند و اشک‌هایش آرام و قطره قطره روی گونه‌هایش می‌ریزد، می‌گوید: چند روز پیش که با عمه‌ام تلفنی صحبت می‌کردم، می‌گفت: با دختر خاله‌اش عقد کرده و قرار است چند ماه دیگر عروسی کنند. می‌گویم: پس معلوم می‌شود که چندان هم به تو علاقه نداشته است، شانه‌هایش را بالا می‌اندازد و پاسخی نمی‌دهد.

می‌گویم: چطور با هم آشنا شدید؟ می‌گوید: یک بار که به خانه عمه‌ام رفته بودم با دوست عمه‌ام آشنا شدم و پس از چند بار که او را دیدم، مرا به خانه‌اش دعوت کرد و در خانه آنها با بهروز آشنا شدم

و به هم علاقه‌مند شدیم و قرار فرار و ازدواج گذاشتیم[۱].

ب ـ فریبا با وجود عقد کردن با پسر خاله‌اش، به هنگام گردش با چند پسر دستگیر شده است. او چندین بار با یکی از دوست پسرهایش مرتکب عمل نامشروع شده است به او می‌گوییم: تو که عقد کرده بودی، چرا با دیگران دوست شدی؟! چرا دست به این اعمال نامشروع زدی؟! می‌گوید: پسرخاله‌ام به درد نمی‌خورد، می‌گوییم: از کجا می‌دانی؟ می‌گوید: او فقط سرش مشغول کار است، از دنیا و لذتهایش چیزی سرش نمی‌شود.

می‌گوییم: خُب از اول با اون عقد نمی‌کردی یا وقتی فهمیدی، طلاق می‌گرفتی دیگر چرا تن به عمل نامشروع با آن پسر دادی؟می‌گوید: اولش نمی‌فهمیدم توی دنیا چه می‌گذرد. خر بودم بعد که توسط سمانه با افشین آشنا شدم، فهمیدم توی دنیا چه خبره و من چقدر احمق بودم که با یک پسر پاپتی عقد کرده‌ام، ولی درباره عمل نامشروع، می‌خواستم یک کاری بکنم که پسرخالم من را طلاق بده تا با افشین ازدواج کنم.

می‌گوییم: افشین الان کجاست؟ از اون خبر داری؟ می‌گوید: زرنگی، می‌خواهی جایش را بفهمید تا دستگیرش کنید. می‌گوییم: ما که پلیس نیستیم. راستش را بگو اصلاً می‌دونی کجاست یا نه؟!

گریه‌اش می‌گیرد و می‌گوید: نمی‌دونم، مخفی شده، فرار کرده،

---

۱ ـ خانه گریزی دختران: رضا مهکام

نمی‌دونم کدوم گوریه؟ تازه بغضش می‌ترکه و دستهایش را روی صورتش می‌گذارد و شروع می‌کند های‌های گریه کردن. وقتی کمی آرام می‌شود، می‌گوید: سمانه چند بار رفته درخانه شان، من هم دو بار زنگ زده‌ام، که پدرم و بهزیستی موافقت کرده‌اند مرا به عقد او در آورند، ولی افشین خودش را آفتابی نمی‌کند و اصلاً از او خبری ندارم[1].

اندکی تأمّل کنیم!

به راستی از شما دختر جوان سؤال می‌کنیم پسری که در خیابان و کوچه یا در جشنها و مهمانی‌ها با چشم چرانی فراوان شما را پیدا کرده، و با سلام، نامه یا تلفن با شما ارتباط برقرار نموده و به هر طریق ممکن از شما دلبری کرده، چگونه می‌تواند مورد اعتماد واطمینان شما قرار بگیرد؟چرا پس از مدتی با چرب زبانیها و وعده‌های پوچ، تمام دل و جان خود را در اختیار او قرار می‌دهی و مطیع و فرمانبردار او می‌شوی؟

از خود پرسیده‌ای: چه تضمینی وجود دارد که با شما ازدواج کند؟ و نهایت، بر فرض این که روابط و آشنایی‌های شما زمینه‌ای برای ازدواج شد. از کجا می‌دانید که بعد از ازدواج با شما، با هزاران مثل شما رابطه‌ای برقرار نکند و از دختران دیگری بعد از شما

۱ ـ همان منبع

دلبری و دلربایی ننماید و پایبند به زندگی و روابط سالم زناشویی باشد؟! پسری که عادت به چشم چرانی کرده و هر روز دختر بیچاره‌ای را قربانی هوسرانیها وشهوترانی‌های خود می‌کند هرگز نمی‌تواند با یک دختر نجیب و سالم یک زندگی دائمی و زیبا داشته باشد.

حال که دربارهٔ دختران و دوستی آنها با پسرها صحبت کردیم سزاوار است چند کلامی هم دربارهٔ عکس این قضیه متذکّر شویم و مسأله دوست دختر را برای پسرها بررسی کنیم. به طور کلی دوستی و ارتباط جوانان با دختران کوچه و بازار که چراغ سبز به آنها نشان می‌دهند از دو حالت خارج نیست:

یا این دوستی و آشنایی جهت ازدواج و تشکیل خانواده است . و یا اینکه برای هوسبازی و شهوترانی‌های دوران جوانی است.

در صورت اول: دختری که در کوچه و خیابان با جلوه نمایی و آرایش خود، یا با بدحجابی و طنّازی به دلربایی و فریب دادن پسر جوان می‌پردازد، لیاقت همسری و مادر بودن را از دست داده و هرگز نمی‌توان به دیده همسر آینده با او ارتباط برقرار کرد؛ زیرا همان‌گونه که امروز از شما دلبری کرده، فردا جوانِ دیگری رابه دام می‌اندازد وهیچ تضمینی وجود ندارد که دختر بد حجاب و بی‌بندوباری که شما او را به دوستی برگزیده‌اید بتواند مادری سالم برای فرزندانتان و همسری متعهد و نجیب برای زندگی شما باشد.

در صورت دوم: اگر پسر جوان برای هوسبازی با دختران ارتباط

و دوستی برقرار می‌کند، کافی است بداند طبق آیات قرآن و احادیث ائمه معصومینﷺ و شواهد تاریخی انسان هر شیوهٔ رفتاری را که با نوامیس مردم برگزیند، مطابق همان روش با خواهر ومادر ونیز دختر و همسر او در جامعه برخورد خواهد شد. به زبان ساده بگویم اگر جوانی به دختر یا ناموس کسی خیانت کرد، مطمئن باشد به ناموس او هم خیانت خواهد شد.

امام صادق﵇ در این باره می‌فرمایند: خداوند به موسی﵇ وحی کرد که به مردم بگو: زنا نکنید که موجب می‌شود تا با زنان شما زنا کنند؛ چرا که همان‌گونه که با دیگران رفتار کنید، آنها نیز با شما همانطور رفتار کنند[1].

هر بد که می‌کنی تو مپندار کان بدی
گیتی فروگذارد و گردون رها کند
قرضی‌ست کرده‌های تو در نزد روزگار
هر فرصتی که وقت ببیند ادا کند

چه باید کرد؟

چه زیباست که دختر مسلمان ایرانی با کنار گذاشتن الگوهای غربی، خودش را بیابد و به ارزش والای خود آگاه گردد و ببیند دین اسلام به گوهر وجودی زن و دختر مسلمان چه بهایی داده‌است؟!

---

۱ ـ *بحارالانوار*: ج۷۹، ص۲۷ .

خداوند متعال بالاترین ارزشها را برای همسری و مادری زن قائل می‌شود. چنانکه پیامبرﷺ بهشت برین خداوند را زیر پای مادران می‌داند و بوسیدن پای این فرشته‌های آسمانی (مادران) را مثل بوسیدن خانه خدا معرفی می‌کند و نگاه محبت‌آمیز فرزندان به صورت او را در زمره عبادات بر می‌شمرد. خداوند احسان و نیکی به مادران را در قرآن کریم بلافاصله بعد از اطاعت خودش واجب کرده است. با این همه ارزشها و منزلتهای بلندی که یک دختر مسلمان می‌تواند داشته باشد چرا بدون توجه به این عظمت و ارزش والا، بعضاً خود را همچون کالایی پر زرق و برق در کوچه و بازار و خیابان عرضه می‌کند و گوهر گران قیمت نفس را به بهای اندک هوس می‌فروشد و همه هستیش را در تندباد هوا و هوس نابود می‌سازد. جوانی و طراوت خویش را در غفلت و مستی می‌گذارد و بقیه عمر را در حسرت و اندوه از دست دادن جوانی و پاکدامنی در ندامت وپشیمانی سپری می‌نماید. واقعاً چه خوب است که دختران و پسران با پدر ومادر روابطی نزدیک و دوستانه برقرار کنند. آنچنان که در تمام نیازها و مشکلات به آنها رجوع نمایند و از آنها صمیمانه‌ترین یاری‌ها را بطلبند. همانطور که برای درخواست غذا و پوشاک شرمساری و خجالت ندارند، برای درخواست و طلب همسر و ابراز نیاز روحی به جنس مخالف و ازدواج با او، نیز شرمساری و

خجالت و پنهان کاری را کنار بگذارند.

علاوه بر این، همان طور که پدر و مادر برای تأمین نیازهای مادی فرزندان تلاش می‌کنند و حاضرند برای تأمین پوشاک و خوراک و مسکن فرزندانشان شغلهای متعددی را برگزینند و مشقتهای زیادی به تن بخرند، باید تلاش کنند تا نیازهای روحی و معنوی دلبندان‌شان را نیز فراهم آورند و به دنبال برآوردن نیازهای روحی آنها باشند. تا دختران و پسران هنگام نیاز به جنس مخالف با راهنمایی‌های دوستانه پدر و مادر به دور از مخفی کاری و خود سری و با پرهیز از هرگونه تجملات و زیاده خواهی در پرتوی ازدواج و تحت حمایت‌های مادی و معنوی پدر و مادر تشکیل خانواده دهند و با عشق و بعلاقه به یکدیگر در زندگی زناشویی نگهبان بقای کانون خانواده و موجب عفت و پاکدامنی یکدیگر باشند.

آری! والدین برای جلوگیری از دوستی‌های نامشروع و مخرب فرزندانشان باید نکات زیر را به خاطر داشته باشند:

۱ـ روابطی بسیار دوستانه و نزدیک بین فرزندان و والدین ایجاد شود، به گونه‌ای که فرزندان مشکلات و نیازهای خود را باکمال ادب و احترام و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای با والدین مطرح نمایند.

۲ـ آگاهی دادن به دختران و پسران در خانه و مدرسه و تبیین مفاسد و عواقب شوم ارتباط و دوستی با جنس مخالف.

۳ـ درک نیازهای روحی فرزندان و تلاش برای بـر آورده کـردن به موقع آن توسط والدین.

۴ـ فرهنگ نمودن ازدواجهای آسان و به دور از تجملات و زیاده خواهی‌ها و نهادینه کردن این امر توسط مسؤولان.

فصل نهم

بدحجابی

هرچند بدحجابی بسیاری از زنان و دختران بـا انگیـزهٔ مخالفـت آنها با دین نیست و تنها نوعی بی‌توجهی و سهل انگاری است، ولـی با دقت و تأمل در این ناهنجاری اجتمـاعی در مـی‌یـابیم کـه اخیـراً عواملی سبب افزایش فوق العادهٔ بـدحجابی در سـطح جامعـه شـده است که اگر آگاهی‌های کـافی نـسبت بـه ایـن معـضل اجتمـاعی و پیامدهای منفی ناشی از آن بـه مـردم داده نـشود، بـدون شـک در آینده نزدیک با مشکلات بزرگتری روبرو خواهیم شد.

ابتذال و زوال فرهنگ

بدون شک در عصر مـا کـه بعـضی آنـرا عـصر برهنگـی و آزادی جنـسی نامیـده‌انـد، و بـی‌بنـدوباری زنـان را جزئـی از آزادی آنـان می‌دانند، سـخن گفـتن از بـدحجابی و پیامـدهای آن بـرای برخـی ناخوشایند و چه بسا مخالف تمدن و پیشرفت باشد!!

آری! مفاسـد بـی شـمار و مـشکلات و گرفتاریهـای اخلاقـی روزافزونی که از این آزادیهای بی‌قید و شرط به وجود آمـده، سـبب

شده که تدریجاً این مسأله به عنوان یک معضل اساسی اجتماعی مطرح گردد؛ چرا که بی‌حجابی علّت اصلی رواج فساد اخلاقی در جامعه است و فساد اخلاقی مهمترین عامل انحطاط و نابودی فرهنگ یک جامعه به شمار می‌آید.

وقتی فساد و بی بندوباری در جامعه زیاد شود، آن جامعه قادر به حیات واقعی نخواهد بود و در مقابل هرگونه هجوم بیگانگان نابود خواهد شد. مطالعه ادوار گذشته تاریخ بشری نشان می‌دهد هر قومی به فساد روی آورده به سرعت دچار نابودی گردیده است. نمونه بارز این واقعیت جامعه مسلمانان اسپانیا (اندلس سابق) است که به وسیلهٔ بی بندوباری و فساد اخلاقی نابود شد.

در تهاجم فرهنگی نیز رواج بی‌حجابی و هرزگی در جامعه بهترین ابزار دشمن به شمار می‌رود؛ در این باره رهبر فرزانهٔ انقلاب می‌فرمایند: «دشمن از راه اشاعهٔ فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می‌کند جوانهای ما را از دست ما بگیرد. فساد قلب یک مملکت را می‌پوساند و تمام فضایل و کمالات انسانیت را در خود غرق می‌کند و به دنبال آن تمام پیوندهای اجتماعی و روابط خانوادگی و افتخارات یک جامعه را در کام خود فرو می‌برد، و نیروهای مجهزی که بتواند با این سیل بنیان کن مقابله کند، پیدا نمی‌شود»[۱].

---

۱ ـ *حجاب دختران*: ص ۷۰.

باید توجه داشته باشیم بعد از آنکه رژیم ستم شاهی نابود شد و دست استعمارگران از مملکت ما کوتاه گردید، و ابر قدرتهای جهان با جنگ تحمیلی هشت ساله هم نتوانستند کاری از پیش ببرند، شیوه و روشی جدید در مقابله با جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفتند و آن اینکه فرهنگ و دین ایران زمین را مورد هدف قرار دادند، و در صدد انحراف اخلاقی و اعتقادی جوانان و ترویج فرهنگ ابتذال و بی‌بندوباری در بین آنها برآمدند.

امروزه استراتژی استکبار جهانی ترویج فساد و بی‌حجابی در بین زنان و دختران و دور کردن جوانان از معنویت و ایجاد زمینه‌های مختلف برای گرایش به فساد و منکرات است و از آنجا که زنان و دختران نقش اصلی در تربیت یک جامعه را به عهده دارند و تربیت نسلهای آینده یک جامعه بیشتر بر عهدهٔ آنان است، بنابراین ترویج فساد و بی‌بندوباری در بین زنان و دختران جامعهٔ اسلامی هدف اصلی مستکبران و جهان خواران است؛ چرا که اگر در یک جامعه دختر و زن پاک و سالم کم شود اولاً: سلامت نسل آینده آن جامعه به خطر خواهد افتاد و قطعاً فساد و ابتذال در بین آنها رایج خواهد شد، ثانیاً: دیگر مادر متعهد و متدینی پیدا نمی‌شود که بتواند نسل آینده را با ایمان و مؤمن تربیت کند.

چند تذکّر:

۱ـ زنان و دختران با بدحجابی امنیت خویش را در خطر قرار می‌دهند و چه بسا این امر خطرات جانی برای آنها فراهم خواهد نمود.

۲ـ زنان و دختران بدحجاب نه تنها با جهل و لجاجت خود، ارزشهای زیبای زن را ضایع می‌کنند، بلکه بنیاد خانواده‌ها را نیز سست می‌گردانند و کانون گرم خانواده را از هم می‌پاشند و در حقیقت جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند نا امن می‌سازند، جسم و جان خویش را نیز در معرض سوء قصد قرار می‌دهند.

۳ـ حجاب نه تنها آزادی زنان را محدود نمی‌کند و زنان و دختران را محصور نمی‌نماید، بلکه برعکس رعایت حجاب و پوشش صحیح اسلامی سبب آزادی و رهایی زن از چنگال شهوت پرستان و حیوان صفتان می‌شود .

کس غنچه نهان شده در برگ را نچیند

از بی حجابی است اگر عمر گل کم است

عوامل بدحجابی

عفت و پاکدامنی با آفرینش زن همراه بوده و زن از ابتدای خلقت عفت گرا و پاکدامن بوده است. پاکدامنی و نجابت در هویت زن جایگاه ویژه و مهمی دارد که خود زنان هم خواهان آن هستند. حال در این قسمت می‌خواهیم بدانیم که چرا عده‌ای از زنان، شخصیت انسانی خود را هیچ انگاشته و با بدحجابی، خویشتن را در معرض چشمان هرزهٔ هوا پرستان قرار می‌دهند و از نگاههای بیماردلان هیچ هراسی ندارند؟!

۱ ـ خودنمایی

برخی از زنان جامعه به بیماری خود نمایی‌گرفتارند. آنان دوست دارند محبوب دل مردها باشند و علاقهٔ همسری برای ارضای روحیهٔ آنها کافی نیست.

اینگونه زنها محبوبیت عمومی را می‌طلبند؛ لذا می‌کوشند با پوشیدن لباسهای مختلف، حرف زدنهای با ناز و کرشمه، استعمال ادکلن‌های تند، راه رفتنهای عشوه انگیز و..... ، دلهای مردان را به سوی خود جلب کنند. غافل از اینکه با این کار شخصیت و آبروی خویش را از بین خواهند برد؛ زیرا با این خودنمایی‌ها فقط انسانهای

چشم چران و شهوت پرست را که دل‌هایی بیمار و مریض دارند، بـه خود جلب کرده‌اند و هر لحظه ممکن است به چنگـال یکـی از آنهـا گرفتار شوند و تا مرز نابودی پیش روند .

واقعیت: وقتـی از سـیروس پرسـیدیم کـه چـرا همـسر بهتـرین دوستت شاهرخ را کُشتی؟! گفت: چند شب قبل از این حادثـه بیتـا همسر شاهرخ را در یک مجلس عروسی دیدم، آنقدر زیبـا و قـشنگ بود که دل از هر جوانی می‌برد، هر چه خواستم با او ارتبـاط برقـرار کنم ممکن نشد، سرانجام تصمیم گرفتم به خانهٔ آنهـا بـروم. آن روز ناهار مهمان آنها بودم، ناهار را که خـوردیم و شـاهرخ بـرای کـاری بیرون رفت. منم در این فرصت دیگر نتوانستم خودم را کنترل کـنم دیوانه وار به سوی بیتا رفتم، بعد از ساعتی که به خودم آمدم دیـدم دامن او را لکه دار کرده‌ام و بعد از آن به خاطر اینکه آبرویم نـرود او را کشتم.

در حالی که دستانش می‌لرزید، گریه می‌کرد و می‌گفت: به خـدا اگر در آن شب عروسی بیتـا را ندیـده بـودم، هرگـز چنـین اتفـاقی نمی‌افتاد.

۲ ـ ارضای تمایلات جنسی

برخی دختران و زنان که در طوفان تمایلات و غریزهٔ جنسی قرار گرفته‌اند برای اطفاء آتش شهوت به خود آرائی دست مـی‌زننـد، امـا

غافلند که این راه صحیح پاسخ گویی بـه تمـایلات جنـسی نیـست، بلکه این کار آتش شهوت را شعله ور می‌کند.

باید این دسته از دختران و زنان بدانند بهترین روش برای ارضای تمایلات جنسی ازدواج است و اگر وسایل و امکانات ازدواج برای آنها مهیا نیست، باید عفت و پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند آنـان را بـه فضلش بی‌نیاز سازد.

۳ ـ عدم موفقیت در ازدواج

عـده‌ای از دختـران و بعـضی از زنـانی کـه در زنـدگی زناشـویی شکست خـورده و از شوهرانـشان طـلاق گرفتـه‌انـد، خـود نمـایی و بـدحجابی را وسـیله‌ای بـرای ازدواج موفـق و ارضـای غرایـز خـود می‌پندارند. آنان تصور می‌کنند که با خود آرائی می‌توانند جوانـان را به سمت خود جلب کنند و سرانجام بـا شـوهر ایـده‌آل خـود ازدواج کنند. لیکن چنین افرادی در بیشتر مواقع نه تنها موفق نمی‌شـوند، بلکه وقتی آگاه و بیدار می‌شوند که خود را غرق در مـرداب فـساد و تباهی می‌بینند که هم آبروی و حیثیت خود و خانوادهٔ خویش را بر باد داده‌اند و هم دامن عفت و پاکدامنی خویش را آلوده کرده‌اند.

۴ ـ عقدهٔ حقارت

خود کم بینی یا عقدهٔ حقارت مجموعه‌ای از افکار اسـت کـه بـه

وسیلهٔ برخی از عواطف به هم پیوند یافته، ایجاد می‌شود و این احساس را در شخص به وجود می‌آورد که از دیگران و همسالان خویش کمتر و پایین‌تر است.

نا امیدی، ناکامی، پریشانی و شکست نشانه‌های بارز این مشکل روحی است، منشأ خود کم‌بینی ممکن است وضعیت جسمی، محیط زندگی، مسائل روحی و ذهنی، خواسته‌های سرکوب شده یا آمیزه‌ای از آنها باشد. در روایتی از پیشوای دهم امام‌هادی ﷺ آمده است: «هیچ‌گونه امنیتی از شر کسانی که خود را خوار و ناچیز می‌شمارند، وجود ندارد»[1].

آری! کسانی که عقدهٔ حقارت دارند و خویشتن خویش را خوار و ذلیل می‌یابند، جامعه را دچار مشکل می‌کنند و اجتماع و خانواده از شر آنها در امان نیست، این افراد برای جبران این مشکل و کمبود روحی چه بسا به کارهای خطر ناکی دست بزنند. به طور مثال برای این‌که در جامعه به آنها نگاه کنند و مورد توجه افراد کوچه و بازار قرار گیرند و عقدهٔ حقارت را به گونه‌ای جبران نمایند، به بدترین و زننده‌ترین وضع ممکن در جامعه حاضر می‌شود.

آری! بعضی با سکوت، عده‌ای با پرحرفی و زیاده‌گویی، گروهی با تملق و چاپلوسی و برخی با تکبّر و بلند پروازی، بعضی با هتاکی و فحاشی و اشخاصی هم با بدحجابی و بی‌بندوباری عقدهٔ حقارت خود

---

۱ ـ *تحف العقول*: ص۴۸۳.

را آشکار می‌کنند.

از نظر علمی اولین و مهمترین وسیلهٔ درمان نگرانیها و عقده‌های روحی محاسبهٔ نفس و تحلیل حالات روحی بیمار و شناختن علل واقعی احساس حقارت و متذکّر شدن نقاط قوّت و استعدادهای شخصی فرد می‌باشد.

۵ ـ فقدان آموزش‌های دینی در خانواده.

بدون شک عمده‌ترین خطراتی که نسل جوان اعم از دختر و پسر را تهدید می‌کند، عبارتند از: دوستیهای مخرب، معاشرت‌های آلوده و مشکوک، گرایش به فرهنگ غرب، انتخاب الگوهای نامطلوب، احساس پوچی، فقر معنویت، روی آوردن به اعتیاد، مشروبات و نظایر آنها.

امّا ریشه اصلی این خطرات را که زمینه ساز بسیاری از ناهنجاریها و بزه‌کاریهای اجتماعی است، فقدان آموزشهای دینی در خانواده است. علمای علوم تربیتی معتقدند، مهمترین نهاد تأثیر گذار در رشد فرهنگی دینی و تربیتی انسان، خانواده است.

این نهاد کوچک، اولین و با دوام ترین عامل در شکل‌گیری شخصیت و افکار و اعتقادات کودکان و نوجوانان است و تأثیرات به سزایی در اخلاق و رفتار آنان دارد. به طور دقیق رفتار یک نوجوان نشانگر تربیت و فرهنگ خانوادگی اوست؛ چرا که قبل از آنکه یک

نوجوان وارد جامعه گردد و از محیط‌های دوستانه تأثیر پـذیر شـود، این خانواده است که او را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

بنابراین زمانی‌که یک دختر جوان با مسائل و مفـاهیم دینـی در خانواده آشنا نشده و والدین نسبت به تربیـت صـحیح و اسـلامی او کاملاً بی‌تفاوت بـوده و از او دربـاره تکـالیف شـرعیش بـاز خواسـت نکرده‌اند، چگونه می‌تواند حجاب کامل داشته باشد و مسائل مَحرم و نامحرم را رعایت کنـد؟! پـس بـا توجـه بـه اهمّیـت نقـش تربیتـی خانواده‌ها اگر بخواهیم، دختران، با حجاب صحیح در جامعـه حاضـر شوند، باید از سن چهار یا پنج سالگی کـم کـم آنهـا را بـا حجـاب و آموزشهای ناب دینی آشنا کنیم و قبل از آنکه شخصیت دختران بـا بدحجابی رشد کند، آنان را با فرهنگ زیبای حجاب پرورش دهیم.

پیامدهای بدحجابی

عمده‌ترین پیامدها و آسـیبهای اجتمـاعی بـدحجابی در جامعـه عبارتند از:

۱ـ کاهش ازدواج

وقتی در جامعه بدحجابی افزایش یابد، طبیعتـاً روابـط نامـشروع نیز زیاد می‌شود. و زمانی‌که مردان بخش زیادی از نیاز جنسی خـود

را از غیر روابط مشروع و قانونی(ازدواج)به آسانی تأمین کنند، میل و رغبتی به ازدواج ندارند؛ چرا که تشکیل خانواده و پذیرش مسؤولیت، نوعی محدودیت و گرفتاری برای آنها به وجود می‌آورد. برخی از متفکّران معتقدند: یکی از فلسفه‌های حجاب این است که جذابیت زن‌ها برای مردان حفظ شود؛ زیرا در غیر اینصورت مردان هرگز حاضر به ازدواج نخواهند شد.

۲ ـ افزایش طلاق

یکی از پیامدهای مخرب بدحجابی در جامعه، آسیب دیدن کانون گرم خانواده است. وقتی مردان هر روز با انواع و اقسام خانم‌ها، آرایش‌ها، مدلها و لباس‌ها و چهره‌ها در محل کار، خیابان، دانشگاه و حتی در وسایل نقلیه روبرو می‌گردند. انگیزه آنها نسبت به همسرانشان کاهش می‌یابد. چنانچه طنازی و عشوه‌گری بعضی از دختران و زنان در کوچه و بازار مورد توجه مردی قرار گیرد، آن زمان است که به اشکال تراشی و بهانه‌گیری از همسر خود روی می‌آورد و زمینه برای از هم پاشیده شدن خانواده فراهم می‌شود .

بررسیها نشان می‌دهد که با افزایش بدحجابی در جامعه علاوه بر اینکه آمار طلاق زیاد می‌گردد ازدواجهای بدون شناخت و سطحی نیز که بیشتر آنها بعد از مدتی به طلاق منجر می‌شود، افزایش می‌یابد.

۳ ـ افزایش روابط نامشروع

وقتی با بدحجابی، جاذبه‌های جنسی در اجتماع زیاد شد. دیگر جوانان به نگاه یا چشم چرانی اکتفا نمی‌کنند. و تا مرحله‌ای پیش می‌روند که از ضوابط و شرع دست می‌کشند و به روابط نامشروع گرفتار می‌گردند و این همان بحرانی است که امروزه در غرب بیداد می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که آمار روابط جنسی نامشروع غرب را به چالش کشانده و به مصیبتهای لاعلاجی گرفتار نموده است. بیماریهای مقاربتی مثل: ایدز، فرزندان نامشروع، سقط جنین و..... . در کشورهای اروپایی آمار بسیار بالایی را به خود اختصاص داده است.

مجله «ریدرز دایجست» در سپتامبر ۱۹۹۶ نوشت: هر ساله سیصد و پنجاه هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین ۱۵تا۱۹ سالگی در نتیجه ارتباط نامشروع حامله می‌شوند و فرزندان غیر قانونی به دنیا می‌آورند که این آمار سال به سال رو به افزایش است.

۴ ـ افزایش آمار جنایت و خشونت علیه زنان

زمانی که بدحجابی در جامعه افزایش یابد آمار خشونت و جنایت علیه زنان بالا می‌رود، چنان که شاهد هستیم امروزه در غرب آزارهای جنسی و مسأله خشونت علیه زنان روز به روز افزایش می‌یابد.

روزنامهٔ اخبار جهان می‌نویسد: در سال ۱۹۷۹و ۱۹۸۰ در آمریکا حدود ۱۸ میلیون نفر از زنان کارمند به هنگـام کـار، مـورد اذیـت و آزارهای جنسی قرار گرفتند. بیش از نیمی از زنان رده بالای مشاغل حرفه‌ای و ۳۰ درصد از کارکنان امور اداری و دفتری در انگلستان و ۷۷ درصد در آمریکا با مزاحمت مدیران و همکارانشان در محیط کار روبرو هستند. اخیراً بحث نا امنی اجتماعی زنـان در کـشور مـا نیـز یکی از اصلی‌ترین تیترهای حوادث مطبوعات می‌باشد. که متأسـفانه آنان فقط دولت و نیروی انتظامی را مخاطب قرار می‌دهند، که چـرا شما فکری برای امنیت زنان نمی‌کنید؟! امّا هیچگاه مسأله نـا امنـی اجتماعی زنان را از این بُعد بررسی نمی‌کنند که افـزایش بـدحجابی چه میزان در افزایش خشونت علیه زنان و آزارهای جنـسی تـأثیری دارد؟

بدون شک بسیاری از تجاوزها، قتلها، مزاحمتهای خیابـانی و آدم ربائیها از پیامدهای منفی گسترش بـدحجابی در جامعـه بـه شـمار می‌رود.

۵ ـ کاهش میزان بازدهی‌کار و تحصیل در جامعه

یکی دیگر از پیامدهای منفی بدحجابی در جامعه کاهش میـزان بازدهی کار، تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. زمانی که یک کارمند یا یک دانشجو با یک دختر یا یـک زن بـدحجاب همکـار یـا

همدرس باشند. خود به خود کششها و جاذبه‌های کاذب پیش می‌آید. که این امر سبب عدم تمرکز در کار یا درس می‌شود. و این امر میزان بازدهی کار یا تحصیل را به شدت کاهش می‌دهد. امروزه برخی از کشورهای اروپایی مسأله جدایی دانش آموزان و دانشجویان دختر و پسر را در کلاسهای درس، تجربه می‌کنند که نتایج خوبی هم داشته است.[۱]!

۱ـ منابع اصلی:
الف ـ *ماهنامهٔ حورا*: شمارهٔ نهم، دی ماه ۱۳۸۳.
ب ـ *حجاب دختران*: فاطمه قاضی.
ج ـ *حجاب بیانگر شخصیت زن*: محمد محمدی اشتهاردی.

فصل دهم

چشم چرانی

چشم چرانی؛ سرآغاز فتنه‌ها

یکی از ساده‌ترین راههای ارتباط با دیگران نگاه کردن است؛ زیرا حواس دیگر انسان هر کدام در جای خود ساکنند و تا چیزی به آنها نرسد در طلب آن بر نمی‌آیند، ولی چشم از دور و نزدیک همه چیز را صید می‌کند و شعاعش تا آنجا که مجال دید است، همه چیز را در بر می‌گیرد. علما و بزرگان دین گفته‌اند: ساده‌ترین راه نفوذ شیطان در وجود انسان و تسخیر قلب، نگاه کردن است.

بر اساس تحقیقات انجام شده درباره انحراف جنسی جوانان، یکی از مهمترین و قوی‌ترین محرکهای غریزه جنسی، نگاههای شهوت انگیز است که در این میان چشم نقش اصلی را در انحراف اخلاقی ایفا می‌کند.

اگر چه مناظر شهوت انگیز مصادیق متعدد و فراوانی دارند و دیدن بدن نامحرم، دیدن انواع عکسها، فیلمهای ویدیویی، سینمایی، سی‌دی‌ها، ماهواره و اینترنت وغیره را در بر می‌گیرد، اما به لحاظ اینکه مردان بیشتر از زنان نسبت به مناظر شهوت انگیز حساس هستند، بنابراین روی سخن ما در این جا بیشتر مردان و پسران جوان خواهند بود.

به طور کلی، چشم دروازه ورود تصورات و اندیشه‌ها به وجود انسان است، در اکثر موارد ما ابتدا چیزی را می‌بینیم و سپس درباره آن می‌اندیشیم و در ذهن آن را پردازش می‌کنیم. از این رو نگاه، مواد اولیه و مصالح لازم تصوّر و تخیل را فراهم می‌کند؛ لذا اگر نگاه ما، شهوانی و نامشروع باشد، بدون شک زمینه ساز افکار خطرناک و دردهای روحی و روانی خواهد بود. بر اساس تحقیقات بیشتر موارد خود ارضایی و روابط نامشروع از نگاه‌های حرام آغاز شده است، افرادی که چشم‌های هرزه دارند، همیشه دستخوش رنج‌های روحی و دردهای درونی بی‌شماری می‌شوند که جملگی محصول نگاه‌های نامشروع و نظربازیهای آنهاست.[۱]

چشم چرانی که خود در واقع نوعی از انحرافهای اخلاقی و جنسی است، به تعبیر روایات اسلامی یک نوع زنا محسوب می‌شود[۲]. چشم چرانی افزون بر تأثیرات روحی و روانی فراوان، که مهمترین آنها به تعبیر روایات، حسرت و اندوه، گرفتاری در دام فساد و منکرات جنسی است، دارای عوارض مادی و منشا بیماری‌های جسمانی زیادی نیز می‌باشد که برخی از مهمتُرین آنها عبارتند از: دشواری تنفس، درد اطراف قلب، ضعف و خستگی عمومی و دایمی بدن، تپش قلب و.....[۳]

---

۱ ـ *دنیای جوان*: ص۲۱۲.
۲ ـ *وسائل الشیعه*: ج۱۴، ص۱۳۸.
۳ ـ اولین دانشگاه آخرین پیامبر: ج۱۹، ص۴۶.

در متون دین اسلام نیز به طور گسترده به زیانهای چشم چرانی و همچنین اهمیت و پاداش کنترل چشم از نگاه‌های حرام اشاره شده است که ما در این مجال کوتاه، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

زیانهای چشم چرانی

۱ ـ حسرت و اندوه طولانی

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «نگاه شهوت آلود، تیری مسموم از تیرهای شیطان است و چه بسا نگاه شهوت آلودی که حسرتی طولانی بر جای می‌گذارد»[۱].

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در این باره می‌فرمایند: « هر فردی که چشم خود را آزاد بگذارد و به هر چیزی نگاه کند، حزن و اندوهش زیاد می‌شود»[۲]. و نیز می‌فرمایند: « بسا نهال هوسی که از نیم نگاهی کاشته می‌شود»[۳].

کلام زیبای این دو معصوم را از دو بعد می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ اول، اینکه چه بسا افراد چشم چران با دیدن زنان و دختران زیبا همیشه در حسرت و آرزوی کامجویی از آنان باشند و هیچگاه

---

۱ ـ *فروع کافی*: ج۵، ص۵۵۹.
۲ ـ *تحف العقول*: ص۹۷.
۳ ـ *غرر الحکم*: ص۵۳۱۴.

این امر برای آنان میسر و مقدور نگردد؛ لذا حسرت و اندوه همیشگی برای آنها به وجود آید. و دوم، اینکه ممکن است افراد چشم چران در مقام مقایسه زنان خود با زنان و دختران کوچه و بازار برآیند و همیشه در این قیاس، همسران خود را ناقص و زشت ببینند و از انتخاب همسر خود برای زندگی پشیمان و محزون گردند. غافل از اینکه اگر با آنها هم ازدواج کند، باز هم زنانی زیباتر از آنان پیدا خواهند شد .....

مرگ در حسرت

مرد در بستر مرگ افتاده بود و ثانیه‌های آخر عمر را می‌گذراند. به سختی نفس می‌کشید، دست و پایش از ترس و وحشت می‌لرزید، رنگش زرد گشته بود، مثل اینکه خون در رگهایش منجمد شده باشد. دوستان که این حال رقت بار او را دیدند، دریافتند که مرگش حتمی است، شهادتین را به او تلقین می‌کردند و می‌گفتند: بگو أشهد ان لا اله الا الله و أشهد ان محمدا رسول الله؛ ولی او با صدایی آرام و شکسته می‌گفت: کجاست آن زن زیبایی که سراغ حمام را می‌گرفت؟! دوباره شانه‌هایش را تکان می‌دادند که شاید متوجه شود و شهادتین را بر زبان جاری کند، ولی مثل اینکه در عالم حسرت و اندوه غوطه ور بود و مکرر می‌گفت: کجاست آن زن زیبایی که سراغ حمام را می‌گرفت؟! اصلاً نمی‌توانست شهادتین را بگوید؛ لذا با همان

حال اسفناک در اوج حسرت و اندوه از دنیا رفت.

بعد از مرگش این سئوال برایم باقی ماند که: این چه جملاتی بود که به جای شهادتین می‌گفت، تا اینکه روزی این مسأله را از یکی از دوستان صمیمی‌اش پرسیدم، گفت: راستش را بخواهی وقتی اکبر آقا جوان بود و سرشار از شور جوانی؛ به چشم چرانی و نظر بازی عادت کرده بود. از قضا روزی که بر سر کوچه ایستاده بود و مردم کوچه و بازار را دید می‌زد. زن زیبا و عفیفی که به دنبال حمام می‌گشت و راه را گم کرده بود به طرف او می‌رود و از او می‌پرسد: ببخشید آقا ! می‌شود راه حمام زنانه را به من نشان دهید.

اکبر آقا هم نگاهی به زن جوان می‌کند و دلش به یکباره می‌لرزد، با تمام وجود شیفته او می‌شود؛ زیرا او زیباترین زنی بود که تا به حال دیده بود.

اکبر آقا در نیمه باز خانه خودشان را به عنوان حمام زنانه به خانم نشان می‌دهد. زن در کمال سادگی، بدون توجه داخل خانه می‌شود، اکبر آقا هم بلافاصله وارد خانه می‌شود و در را می‌بندد. زن بیچاره که دیگر هیچ راه فراری نداشته و خودش را در چنگال اکبر اسیر می‌بیند، می‌گوید: واقعیت این است که من هم بدم نمی‌آید ساعتی را با شما باشم، ولی هم کثیفم و هم گرسنه، بهتر است شما مقداری غذا تهیه کنید و من هم به حمام بروم و خودم را برای شما مهیّا کنم، اکبر آقا که تمایل و اشتیاق زن را می‌بیند، اجازه می‌دهد

زن به حمام برود، اما دیگر هر چه انتظار می‌کشد، زن بر نمی‌گردد. بعدها اکبر آقا می‌گفت: سالیان درازی است که بر سر کوچه می‌نشینم و انتظار آن زن زیبا را می‌کشم و از اعماق دل حسرت و افسوس می‌خورم که چرا او را از دست دادم؟!

آری! این افسوس و اندوه طولانی بود که موقع مرگ گریبان اکبر آقا را گرفت و نگذاشت شهادتین را بگوید![۱]

۲ ـ انحراف و هلاکت

خداوند متعال در حدیثی قدسی درباره چشم چرانی می‌فرماید: «نگاه اوّل (تصادفی) مال توست، ولی نگاه دوم به ضرر و زیان توست و نگاه سوم باعث انحراف و هلاکت توست»[۲].

۳ ـ غرق شدن در فتنه

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «نگاه بعد از نگاه، شهوت و میل جنسی را در دل می‌رویاند و همین برای غرق شدن صاحبش در فتنه کافی است»[۳].

در این روایت امام فساد جنسی را معلول نگاه‌های مکرر

---

۱ ـ *منازل الآخره*: شیخ عباس قمی، ص۳۶، با اندکی تصرف.
۲ ـ *من لایحضره الفقیه*: ج۳، ص۴۷۴.
۳ ـ *وسایل الشیعه*: ج۱۴، ص۱۳۹.

همراه با شهوت و چشم چرانی معرفی می‌فرمایند. در این باره امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز می‌فرمایند: «نگاه حرام، راهنمای فتنه‌هاست».[۱]

زندگی سوخته

تابستان سال گذشته بود که به شمال رفته بودیم و من مثل هزاران دختر دیگر بی‌خیال و چموش به دنبال چشمانی می‌گشتم که با محبت و عاشقانه نگاهم کند؛ لذا به هر پسر جوانی چشم می‌دوختم و به دقت براندازش می‌کردم.

سرانجام در یک میهمانی بر سر سفره، جوانی نظرم را جلب کرد، من دائماً به او نگاه می‌کردم و او هم مات و مبهوت من شده بود، و با یک لبخند رضایت بخش از طرف من، آشنایی ما شروع شد. چند روزی بیشتر از آشنایی و دوستی ما نگذشته بود که سامان به گونه‌ای باور نکردنی با چرب زبانی‌های زیرکانه اعتماد و اطمینان مرا جلب کرد، تا اینکه من در کنار او احساس آرامش و خوشبختی می‌کردم و وقتی با هم بودیم از همه چیز و همه کس صحبت می‌کردیم و من بی‌خبر از همه جا، دور نمای یک زندگی زیبا را در کنار او، در ذهنم مجسّم می‌کردم.

مدتی بود که در اثر خیالبافی‌های دخترانه کم خواب شده بودم و شبها تا دیر وقت با رؤیای یک زندگی شیرین در کنار سامان نمی‌خوابیدم. بعد از ظهر یک روز گرم که با سامان قدم می‌زدیم، از

۱ ـ *غررالحکم*: ج۱، ص۲۶۲.

بی‌خوابیها و رؤیا بافی‌هایم با او حرف زدم، او هم با مهربانی و دقت گوش می‌کرد. وقتی حرفم تمام شد، چند قرص از جیبش بیرون آورد و گفت: من هم گاهی دچار بی‌خوابی می‌شوم، اما این قرصها نجاتم می‌دهد! و بعد قرصها را به من داد و از هم خداحافظی کردیم. شب که شد دوباره بی‌خوابی به سراغم آمد و من یکی از قرصها را خوردم که این آغاز اعتیاد من بود.

بعد از آنکه به تهران برگشتیم، دوستی‌ام با سامان که فرشته رؤیاهای من بود، ادامه داشت، دیگر به قرصهایی که از او می‌گرفتم عادت کرده بودم و بدون آنها، همه وجودم درد می‌گرفت. یک شب که در خیابان قدم می‌زدیم من از او چند عدد قرص خواستم، او مرا به خانه خودشان دعوت کرد تا در آنجا قرصها را به من بدهد. من هم بی‌خبر از همه جا به خانه آنها رفتم و آن شب با نیرنگهای سامان و اعتماد و نفهمی من دامنم نیز آلوده شد.

از آن پس من یک معتاد شده بودم، کم‌کم با راهنمایی‌های سامان به هروئین روی آوردم، دیگر تمام فکر و ذهنم تهیه مواد شده بود و هیچ چیز جز هروئین برایم مهم نبود، کم‌کم برای تهیه مواد به خود فروشی و هرزگی روی آوردم.

حالا دیگر یک هروئینی کثیف و آلوده دامن هستم که نه در خانه جا دارم و نه در اجتماع، به خدا از خودم و زندگی نکبت بارم خسته شده‌ام، وقتی کتاب سوخته زندگیم را ورق می‌زنم، می‌بینیم خودم مقصرم؛ چراکه اگر جلوی چشمانم را می‌گرفتم، هیچ وقت

اسیر گرگ انسان نمایی چون سامان و چنگالهای خانمان سوز اعتیاد نمی‌شدم.[۱]

۴ ـ فساد جنسی

امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند: «نگاه کردن به موهای زنان شوهردار و غیر آنها (از دختران و زنان بدون شوهر)حرام شده است؛به دلیل آنکه اینگونه نگاه‌ها، باعث تحریک جنسی مردان می‌گردد، و تهییج و تحریک، باعث فساد جنسی و انجام کارهای حرام و ناشایست می‌شود».[۲]

۵ ـ رویش فسق و دوری از مسیر هدایت

نقل شده است که حضرت عیسی علیه‌السلام به حواریون فرمودند: «از نگاه کردن به دختران اجتناب کنید؛ زیرا نگاه بذر شهوت و تمایلات جنسی است و باعث رویش فسق (در وجود انسان)می‌شود».[۳]

در لسان العرب« فسق» به گناه و ترک دستورات خدای عزوجل و انحراف از مسیر حق معنا گردیده است.[٤] چه بسا انسان با چشم چرانی و نگاه به زنان و دختران آن چنان اسیر و پایبند شهوت شود

---

۱ ـ زنگ خطر: ۴۸، با اندکی تصرف.
۲ ـ *وسائل الشیعه*: کتاب النکاح، باب۱۰۴، روایت۶.
۳ ـ مستدرک *الوسائل*: کتاب النکاح، باب ۸۱، روایت۸.
٤ ـ *لسان العرب*: ج۱۰، ص۲۶۲.

که از دین خدا و مسیر هدایت خارج گردد و تمام هم و غمش ارضاء غریزه‌اش گردد و جز به شهوت و اطفا آن به چیز دیگری نیندیشد.

دام نگاه

حدود سی سال بود که بالای منارهٔ مسجد محله می‌رفت و اذان می‌گفت و همهٔ اهالی به صدای او عادت کرده بودند و با بانگ الله اکبر او سحرها از خواب بیدار می‌شدند و به نماز می‌ایستادند.

او که جوانی خود را در خادمی مسجد سپری کرده بودم، انسان محترم و آبرومندی بود. مردم نیز با کمکهایشان زندگی یک نفره او را تأمین می‌کردند. مردی قانع و خویشتن دار بود که دلسوزانه کارهای مسجد را به تنهایی انجام می‌داد.

دو سه روزی بود که خیلی با کسی صحبت نمی‌کرد و دائماً در فکر بود، اذان را به موقع نمی‌گفت. مثل اینکه مسأله مهمی ذهنش را مشغول کرده بود. من که با او رابطهٔ خوبی داشتم یک روز بعد از نماز ظهر و عصر کنارش نشستم و گفتم: حاجی!چیزی شده؟! خیلی تو فکری، می‌توانم کاری برایت انجام دهم؟

گفت: چه بگویم؟ راستش را بخواهی چند روز است که اسیر دل شده‌ام و می‌خواهم ازدواج کنم.

من که تا حالا از این حرفها از او نشنیده بودم، بلا فاصله گفتم: این که خیلی خوب است! دیگر از تنهایی هم در می‌آیی و به زندگی‌ات سر و سامان می‌دهی.

آهی کشید و گفت: آخر می‌دانی داستان چیست؟! در این چند سال عمر عاشق و دلباخته نشدم و اصلاً به فکر ازدواج نبودم، امّا حالا هم که عاشق شده‌ام، عاشق یک دختر مجوسی گشته‌ام!!

گفتم: حاجی!دست بردار، چیزی که زیاد است دختر نجیب و مسلمان، حالا چرا عاشق دختر مجوسی شدی؟!

گفت: خدا را گواه می‌گیرم که سی سال اذان گفتم، ولی از بالای منارهٔ مسجد خانه‌های اطراف را نگاه نکردم، چند روز پیش که برای گفتن اذان ظهر به بالای منارهٔ مسجد رفته بودم با خودم گفتم: برای یکبار هم که شده به خانه‌های اطراف مسجد از بالای مأذنه نگاهی بکنم.

ناگهان داخل حیاط یکی از خانه‌ها، چشمم به دختری زیبا افتاد که مشغول استحمام بود، دیدن آن دختر همان و عاشق شدن من همان، از آن روز به بعد نمی‌دانم چگونه نماز می‌خوانم؟! همیشه و همه جا چهرهٔ زیبای آن دختر در مقابل چشمانم بود، تا اینکه به فکر افتادم بروم در خانهٔ آنها که اگر شوهر نداشت از او خواستگاری کنم، همهٔ مصیبتها وقتی شروع شد که پدر آن دختر گفت: ما مجوسی هستیم و اگر بخواهی با دخترمان ازدواج کنی، باید تو هم مجوسی بشوی!

تا این مطلب را شنیدم. گفتم: حاجی! تو می‌خواهی چه کار کنی؟!

گفت: هر چقدر با خودم فکر کردم و خواستم آن دختر را از دلم بیرون کنم نتوانستم، دوباره به در خانهٔ آنها رفتم هر چقدر التماس کردم که شرط مجوسی شدن من را بردارند و از آن صرفنظر کنند، قبول نکردند که نکردند.

حال به این نتیجه رسیدم که به ظاهر از دین اسلام دست بردارم. به آداب آنها، دختر را به عقد خودم درآورم، بعداً مسلمان می‌شوم و از این کار توبه می‌کنم.

گفتم: دست بردار، اینها نقشه‌های شیطان است. متوجه باش که دینت را به خاطر آن دختر مجوسی از دست ندهی!

یک هفته‌ای بود که من در مسافرت بودم، وقتی که برگشتم به صحنهٔ عجیبی برخوردم. دیدم اعلامیهٔ مجلس ترحیم مؤذن به دیوار مسجد است، دیگر توان حرکت نداشتم از کاسب محلّه که دکانش مقابل مسجد بود، پرسیدم: چی شده؟! مؤذن چطور مُرد؟

گفت: مگر خبر نداری؟! گفتم: نه! من یک هفته نبودم و از همه جا بی‌خبرم؟

گفت: حدود شش روز پیش مؤذن با یک دختر مجوسی ازدواج کرد و در شب عروسی که می‌خواست به وصال دختر برسد، سکته کرد و مُرد. الآن هم چهار روز از تدفین او می‌گذرد!!

آهی کشیدم و با خودم گفتم: خدایا به تو پناه می‌برم که چگونه انسان با یک نگاه همهٔ دینش را از دست می‌دهد؟![1]

---

[1] ـ *داستان گنه کاران*: ص۵۵، با اندکی تصرف.

علّت چشم چرانی

چشم چرانی مردان یکی از انحرافات و بیماری‌های خطرناک است که نتایج شوم و خانمان سوز بسیاری دارد. منشأ اصلی این بیماری، بدحجابی زنان و هوسرانی مردان می‌باشد. وقتی نگاه مرد به زن می‌افتد، بدن نیمه عریان زن از یک طرف، و عشوه‌گری و طنازی و خود نمائیهای او از طرف دیگر، نگاه مرد را طولانی‌تر و حریصانه‌تر می‌گرداند، و شعله هوس را در او روشن می‌کند، در نتیجه همین نگاه‌های به نظر ساده، موجب حوادث ناگواری می‌گردد، به عنوان مثال گزارش می‌شود که در سال ۱۹۶۲ میلادی در نیویورک بر اثر چشم چرانی ۲۷۶۶ تصادف اتومبیل رخ داده و نیز در اثر این بیماری ۶۰ درصد ازدواجها مبدل به طلاق شده است و ۵۰۰۰ پروندهٔ نزاع و قتل شکل گرفته است[۱].

پاداش و آثار حفظ چشم

شایسته است در پایان این بخش اندکی از پاداش و آثار حفظ چشم بر اساس روایات اسلامی سخن بگوییم تا دریابیم که با حفظ چشم نه تنها از خطرهای بزرگ در امان می‌مانیم؛ بلکه فضیلت‌های با ارزشی را کسب خواهیم نمود:

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: «هیچ مرد مسلمانی نیست

۱ـ غریزهٔ جنسی: ص۱۷۶.

که نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را پایین اندازد؛ مگر این که خدای متعال به او توفیق عبادتی دهد که شیرینی آن را در دل خویش بیابد»[۱].

همچنین در روایت دیگری، آن حضرت حفظ چشم را از نگاه نامحرم، سبب درک حلاوت ایمان بیان نموده‌اند[۲].

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: « هرکسی نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را به طرف آسمان کند یا آن را برهم نهد، هنوز چشم برهم نزده خداوند از حورالعین به ازدواج او در می‌آورد»[۳].

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: « کسی که چشم خود را پایین اندازد، دلش را آسوده گرداند»[٤].

ونیز می‌فرمایند: « هرکه نگاههایش پاک باشد، اوصافش نیکو شود»[٥].

از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد: برای حفظ چشم از گناه، از چه وسیله‌ای می‌توان کمک گرفت؟ امام فرمودند: « با در نظر گرفتن قدرت خداوند که بر نهانی‌های تو آگاه است»[٦].

۱ـ *کنز العمّال*: شمارهٔ۱۳۰۵۹.
۲ ـ *بحار الانوار*: ج۱۰۴، ص۳۸.
۳ ـ *مکارم الخلاق*: ج۱، ص۵۰۵.
۴ ـ *غرر الحکم*: ۹۱۲۲.
۵ ـ *غرر الحکم*: ۹۰۵۰.
۶ ـ *بحارالانوار*: ج۱۰۴، ص۴۱.

فصل یازدهم

توبه
(راه بازگشت)

توبه در رحمت الهی است که خداوند به روی بندگانش باز کرده،که اگر این لطف و رحمت الهی نبود، کسی جز بندگان خاص خدا رستگار و سعادتمند نمی‌شد؛ چرا که انسان همواره با دو دشمن قوی که هدفی جز گمراه کردن او ندارند، دست به گریبان است؛ یکی نفس امّاره و دیگری شیطان. از این رو خداوند مهربان، توبه را دوای دردهای معنوی و پاک کنندهٔ آلودگیهای روحی قرار داده تا هرگاه انسان گرفتار گناه و معصیت گردید به واسطهٔ توبه پاک شود و نجات یابد.

خوشا به حال بندگانی که از درگاه غفران و رحمت الهی داخل شوند و قبل از آنکه گرفتار چنگال‌های تیز مرگ گردند، خود را در چشمه‌سار انابه و پشیمانی شستشو دهند.

در آخرین فصل این کتاب برآنیم که به مطالبی زیبا و آموزنده دربارهٔ توبه اشاره کنیم. تا معرفت و شناخت ما به حقیقت توبه و زوایای مختلف این موضوع، بیش‌تر شود و در پرتوی آن با دلگرمی تمام، به اصلاح گذشته و شستشوی دل و جان از آلودگی گناهان به پردازیم:

حقیقت توبه

حقیقت توبه، پشیمانی و ندامت از گناهانی است که انسان در برابر حق تعالی انجام داده؛ زیرا که خداوند در تمامی احوال و افعال شاهد و ناظر اعمال ما می‌باشد، توبه در حقیقت پشیمان شدن از جسارتی است که انسان ضعیف و غافل در مقابل پروردگار قدرتمند و بصیر خود انجام داده و برخلاف رضایت مولایش حرکت کرده است.

پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرمایند: « پشیمانی از گناه، توبه است»[۱]. و امام باقر علیه السلام نیز می‌فرمایند: « در توبه، پشیمانی کافی است»[۲].

امام صادق علیه السلام هم دربارهٔ پشیمانی و رابطهٔ آن با توبه می‌فرمایند: « نیست بنده‌ای که گناهی کند پس پشیمان گردد، مگر اینکه خداوند او را می‌آمرزد پیش از آنکه از او طلب آمرزش کند»[۳].

طبق روایات و سخنان معصومان همین پشیمانی و ندامت است که سبب ترک گناه می‌شود. بدون شک هر چه معرفت انسان به عظمت حق‌تعالی و نعمتهایی که خدا به او عطا فرموده بیشتر گردد، آتش ندامت او سخت‌تر و سوزاننده‌تر خواهد شد، و عزم او بر ترک

---

۱ ـ *وسائل الشیعه*: ج ۱۱، ص ۳۴۹.
۲ ـ *اصول کافی*: ج ۲، ص ۴۲۶.
۳ ـ *اصول کافی*: ج ۲، ص ۴۲۷.

معصیت و گناهانی که از او سر زده راسخ‌تر می‌گردد و در تدارک اعمالی که از او فوت شده سعی و تلاش بیشتری می‌کند.

امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرمایند: « پشیمانی از گناه است که سبب ترک گناه می‌شود»[1].

از روایات و احادیث چنین استفاده می‌شود که اولین مرحله و نخستین قدم برای توبه پشیمانی و ندامت از گناهانی است که از انسان سرزده است.

نقل شده است که شخصی در حضور امیرمؤمنان(ع) گفت: استغفرالله (در حالیکه استغفارش فقط با زبان بود و دلش از حقیقت توبه خالی بود) حضرت به او فرمودند: « مادرت عزا دارت شود، آیا می‌دانی استغفار چیست؟» آنگاه فرمودند: «استغفار، درجهٔ عالی رتبگان و صدر نشینان عالم بالا است و برای آن شش چیز لازم است:

۱ـ پشیمانی و ندامت از اعمال گذشته؛

۲ـ عزم بر ترک معصیت برای همیشه؛

۳ـ ادا کردن حقوق دیگران به گونه‌ای که وقت مردن هیچ حقی به گردن او نباشد؛

۴ـ قضا کردن واجباتی که از او فوت شده؛

۵ ـ آنچه از حرام به بدنش روئیده آب کند، تا پوست به

---

۱ ـ *وسائل الشیعه*: ج ۱۱، ص ۳۴۹.

استخوانش بچسبد و گوشت نو در بدنش بروید؛

۶ ـ زحمت و سختی عبادت را به بدن بچشاند، همچنان که خوشی و شیرینیِ گناه را چشیده است. هرگاه این شش چیز در تو پیدا شد، آنگاه بگو: استغفرالله[۱]؛

وجوب توبه

توبه از گناهان صغیره و کبیره به اتفاق همه علما، از نظر شرعی و عقلی واجب است. همان‌گونه که نماز، روزه، خمس و..... در شرع مقدس اسلام واجب و ترک آن موجب عذاب الهی است، توبه نیز از واجبات است و ترک آن نیز، مانند ترک سایر واجبات، عقوبت و عذاب الهی را به دنبال دارد. متأسفانه برخی افراد، آنرا از مستحبات می‌پندارند و به واجب بودن آن توجه ندارند. وجوب شرعی توبه از مسائلی است که مورد بی توجهی قرار گرفته و با اینکه توبه همچون نماز و روزه واجب است، ولی کمتر با این نظر به آن توجّه می‌شود. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرمایند: « گناه هر چه باشد چون مخالفت فرمانِ خداست، بزرگ است و ارتکاب به آن، به هیچ وجه جایز نیست و توبه از آن واجب فوری است»[۲].

۱ ـ *وسائل الشیعه*: ج۱۱، ص۳۵۶.

۲ ـ *رسالهٔ نوین*: ج۳، ص۲۱۸.

ایشان در « *تحریر الوسیله* » نیز می‌فرمایند: « توبه از گناه از واجبات است، پس اگر کسی مرتکب حرامی شد یا یکی از واجبات را ترک کرد، واجب است فوراً توبه کند و اگر توبه از او ظاهر نشد، بردیگران واجب است او را امر به توبه کنند. و همچنین است اگر در انجام توبه‌اش شک و تردید باشد»[۱].

در ضمن کلام امام خمینی(ره) آمده است که توبه از واجبات فوری است، و وجوب فوری بدین معنا است که درنگ و تأخیر در انجام آنها حتی برای یک لحظه هم جایز نیست و تأخیر در انجام آنها معصیت و نافرمانی خدا محسوب می‌شود. واجبات فوری مانند: پاسخ دادن به سلام و پاک کردن مسجد از نجاست است. بنابراین هرلحظه تأخیر در توبه، معصیت و گناه بوده و برای حتی یک ثانیه هم نباید در انجام آن درنگ کرد. پس به محض توجه شخص به خطای خویش در انجام حرام یا ترک واجب، باید بلافاصله توبه کند. که بدون شک تأخیر در توبه و بی‌توجهی به آن، خود معصیتی بزرگ است که توبهٔ دیگری را می‌طلبد.

---

۱ ـ همان منبع.

آثار و برکات توبه

۱ـ تبدیل گناهان به حسنات

به واسطهٔ توبه نه تنها تاریکی گناه برطرف می‌شود؛ بلکه نور ایمان جایگزین آن می‌گردد و تمامی گناهان تبدیل به نیکی و حسنات می‌شود. چنانکه خداوند در سورهٔ فرقان می‌فرماید: «کسانی‌که از گناه توبه کنند و با ایمان به خدا عمل صالح انجام دهند، خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می‌کند، که خدا در حق بندگان بسیار آمرزنده و مهربان است. و هرکس توبه کند و نیکو کار شود، البته توبه‌اش به درگاه خدا(و بارگاه قبول حق)خواهد رسید»[1].

بهتر است بدانید یکی از بهترین پاداشهایی که خداوند به بندهٔ تائب درگاه خود می‌دهد. علاوه بر این که با آغوش باز از او استقبال می‌کند و به تمامی شاهدان گناهان و معاصی انسان دستور کتمان و پرده پوشی می‌دهد. به فضل و رحمت خویش تمامی معاصی و گناهانی را که از بنده‌اش سرزده به حسنات و نیکی‌ها تبدیل می‌گرداند و به خاطر اینکه بندهٔ گناهکار تائب را خوشحال و امیدوار گرداند، حسناتی را که از تبدیل گناهان حاصل گشته، مضاعف و چندین برابر می‌کند.

---

۱ ـ سورهٔ فرقان: آیهٔ ۷۱ـ ۷۰.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: « خدای عزوجل به داوود پیامبر علیه السلام وحی کرد: ای داوود! هرگاه بندهٔ من گناهی کند و سپس از آن برگردد و توبه نماید و به هنگام یاد کردن از آن گناه از من شرم کند، او را بیامرزم و آن گناه را از یاد فرشتگان نگهبان اعمال، ببرم و آنرا به نیکی مبدل کنم، و از این (رحمت و بخشندگی زیاد)مرا باکی نیست که من مهربانترین مهربانانم»[۱].

۲ ـ محبوبیت نزد خداوند

زمانی‌که انسان توبه می‌نماید و با پشیمانی به درگاه حق باز می‌گردد و دست از مخالفت با خداوند بر می‌دارد، محبوب و عزیز حق تعالی می‌شود؛ چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «بدرستی‌که خداوند کسانی را که بسیار توبه می‌کنند، دوست دارد»[۲].

علاوه بر این‌که انسان با توبه، محبوب حق تعالی می‌شود. خداوند نیز با توبه بنده‌اش آنچنان خوشحال و مسرور می‌گردد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: « هر آینه شادی خداوند از توبهٔ بندهٔ خود بیشتر است از شادی نازایی که بچه‌دار می‌شود و گم کرده‌ای که گمشدهٔ خود را می‌یابد و تشنه‌ای که به آب می‌رسد»[۳].

---

۱ ـ *بحار الانوار*: ج۶، ص۲۸.

۲ ـ سورهٔبقره: آیهٔ ۲۲۲.

۳ ـ *کنزالعمال*: ج۴، ص۲۰۵.

امام صادق عليه‌السلام می‌فرماید: «خداوند عزوجل به داود عليه‌السلام فرمود: ای داوود! گناهکاران را مژده بده و صدیقان را بیم داوود عليه‌السلام فرمود: چگونه به گناهکاران مژده و به صدیقان درگاه تو بیم دهم؟ فرمود: به گنه‌کاران مژده بده که من توبه را می‌پذیرم و از گناه آنان می‌گذرم و صدیقان را بترسان که مبادا به کردار خود مغرور و خودبین شوند؛ زیرا هیچ بنده‌ای را به پای حساب نیاورم، مگر آنکه هلاک باشد».[1]

۳ـ برخورداری از دعای ملائکه

خداوند در قرآن می‌فرماید: «فرشتگانی که عرش را حمل می‌کنند و فرشتگان حول عرش، در تسبیح و حمد پروردگارشان هستند، و مؤمن به خدایند، و برای اهل ایمان طلب مغفرت می‌کنند (و می‌گویند:) خداوندا! علم و رحمتت همه چیز را فراگرفته، آنان که توبه کردند و راهت را پیروی نمودند، مورد مغفرت قرار بده، و از عذاب جهنم نگه دار، خداوندا! آنان را در بهشت جاودانی که وعده دادی، با پدران و همسران و فرزندانشان که صالح شدند، داخل فرما همانا تو عزیز و حکیمی، و آنان را از بدیها حفظ کن، و کسی را که امروز از بدیها حفظ کنی او را مورد رحمت قرار داده‌ای و این است

۱ ـ *اصول کافی*: ج۲، ص۳۱۴.

آن فوز و رستگاری عظیم»[1].

شگفت از این که انسان با توبه به چه مقام با عظمتی دست می‌یابد؟! که ملائکه و حاملان عرش الهی دعاگو و ثناگوی او می‌شوند و تردیدی نیست در این‌که دعای ملائکه خداوند در حق تائب مستجاب خواهد بود.

۴ ـ بهره‌مندی از نعمتها

زمانی‌که انسان به خدای خود رو می‌آورد و از او به خاطر گناهان و معاصی پوزش می‌طلبد، خداوند به فضل و رحمت خویش او را از نعمتهای دنیوی و اخروی بهره‌مند می‌سازد که بعضی از آن نعمتها عبارتند از:

الف) طول عمر:

یکی از بزرگترین نعمتهایی که خداوند به انسان عنایت کرده، و مردم تا زمانی که از آن محروم گردند، قدر آن را نمی‌دانند، نعمت حیات است. از سخنان معصومان ﷺ استفاده می‌شود که حیات و طول عمر انسان به وسیلهٔ گناه و معصیت کوتاه می‌شود.

امام صادق ؑ می‌فرمایند: «کسانی‌که به وسیلهٔ گناهان عمرشان کوتاه شده و می‌میرند، بیشترند از کسانی که به اجل

---

۱ ـ سورهٔ غافر، آیات ۹ـ ۷.

مقدرشان می‌میرند»[۱]. پیامبر اکرمﷺ نیز در روایتی فرمودند: «هرگاه زنا (روابط نامشروع جنسی) زیاد شود، مرگ ناگهانی بسیار می‌شود»[۲].

خداوند هم در قرآن کریم می‌فرمایند: «هرگاه توبه کنید(خداوند)شما را (از نعمتهای خود)به طور شایسته، تا آخر عمرهایی که برای شما مقدر شده است، بهره‌مند می‌سازد»[۳]. بنابراین طبق آیات و روایات گناه عمر را کوتاه می‌کند، و توبه سبب طولانی شدن عمر و برخورداری بیش‌تر انسان از نعمت حیات می‌شود.

ب) وسعت رزق:

یکی از نعمتهایی که حق تعالی به واسطهٔ توبه و استغفار به توبه کننده عنایت می‌کند، وسعت رزق و نازل شدن برکات بر اوست.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: « از خداوند طلب مغفرت کنید که او آمرزندهٔ گناهان است، (و به دنبال توبه و انابه و استغفار شما) آب فراوان از آسمان بر شما می‌بارد، و شما را با مال (فراوان) و فرزندان مدد می‌نماید، و باغهای خرم و نهرهای آب برای شما قرار می‌دهد»[۴]. و در سورهٔ اعراف نیز می‌فرماید: «چنانچه مردم شهر و

---

۱ ـ *سفینه البحار*: ج۱، ص۴۸۸.
۲ ـ *نصایح*: باب پندهای ده گانه.
۳ ـ سورهٔ هود: آیهٔ۳.
۴ـ سورهٔ نوح: آیات۱۲ـ ۱۰.

دیار هم ایمان آورده و پرهیزگار می‌شدند(از شرک و بت پرستی و گناه توبه می‌کردند)ما، درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم»[۱].

نقل شده است که : مردی به امام حسن مجتبی علیه‌السلام از قحطی و گرانی شکایت کرد، حضرت به او فرمودند: « از گناهانت استغفار کن». شخص دیگری در حضور امام حسن مجتبی علیه‌السلام از تهیدستی و فقر گله کرد، حضرت به او فرمودند: « برای گناهانت از خدا طلب مغفرت کن». مرد دیگری به حضرت گفت: دعا کنید خداوند فرزندی به من عنایت کند، حضرت فرمودند: « از گناهانت استغفار کن»، یکی از اصحاب به حضرت گفت: (فدایت شوم) شکایت‌ها و درخواستهای مردم مختلف بود، ولی شما همه را امر به توبه و استغفار فرمودید! حضرت پاسخ دادند: « من این حقیقت را از پیش خود نگفتم، بلکه از آیات سورهٔ نوح آنجا که خداوند می‌فرماید: استغفروا ربکم..... . استفاده نموده و آنان را راهنمایی کردم که حل مشکلات شما به وسیلهٔ توبه میسر می‌شود»[۲].

در هرحال از آیات قرآن و روایات معصومان به طور صریح استفاده می‌شود که استغفار و توبه سبب وسعت رزق و جلب روزی می‌گردد.

---

۱ ـ سورهٔ اعراف: آیهٔ۹۶.

۲ ـ مجمع *البیان*: ج۱۰، ص۳۶۱.

ج) استجابت دعا:

یکی دیگر از نعمتهایی که به واسطهٔ توبه و انابه به انسان روی می‌آورد، مستجاب شدن دعای او است. زمانی‌که انسان به جهاد و مبارزهٔ با نفس اماره بر می‌خیزد و از گناهان و معاصی‌که مرتکب شده توبه می‌کند، خداوند او را در آغوش رحمت خویش می‌نوازد و زیباترین هدایا را به بنده‌اش می‌دهد. گناهان او را می‌امرزد و آنها را به حسنات تبدیل می‌کند و دعا و خواستهٔ او را نیز مستجاب می‌گرداند.

امام سجاد (علیه السلام) کلامی به این مضمون دارند: « خداوند دعای خائفان و توبه کنندگان درگاهش را مستجاب می‌گرداند»[1].

۵ ـ همه گناهان پاک می‌شود

گناهان و نافرمانیهایی که انسان مرتکب شده هر چه و هر اندازه که باشد، به واسطهٔ توبه و بازگشت به درگاه خدا بخشیده می‌شود. خداوند مهربان در سورهٔ زُمر می‌فرماید: «(ای رسول رحمت)به بندگان من بگو، آنانکه بر نفسهای خود اسراف کرده‌اند(یعنی گناهان از حد گذرانده‌اند) [illegible] بخشش خدا نا امید نشوند، بدرستی‌که خداوند همهٔ گناهان را می‌آمرزد»[2].

---

۱ ـ *اصول کافی*: ج۲، ص۶۹.

۲ ـ سورهٔ زمر: آیهٔ ۵۳.

پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمودند: «اگر بدان اندازه گناه کردید که گناهان شما به آسمان رسید، سپس پشیمان شدید، خداوند شما را می‌بخشد»[۱].

حضرت رضا علیه السلام شنیدند که بعضی از اصحابشان می‌گویند: خدا لعنت کند کسی را که با علی علیه السلام جنگید. حضرت فرمودند: «بد گویید مگر کسی‌که توبه کرد و حال خود را اصلاح نمود». سپس فرمودند: «گناه کسی‌که علی علیه السلام را یاری نکرد و پشیمان هم نشد، بزرگتر است از گناه کسی‌که با علی علیه السلام جنگید و پشیمان شد و توبه نمود»[۲].

هر گناهی توبه‌ای دارد

از آیات و روایات مذکور استفاده می‌شود که بزرگترین گناهان و معاصی با سرشک ندامت و توبه پاک می‌گردد و بخشیده می‌شود، ولی نباید از این نکته غافل باشیم که هر گناهی توبه‌ای خاص به خودش را دارد. عده‌ای تصور می‌کنند که همهٔ گناهان با عذر خواهی از خداوند و استغفار و گریه و رفتن به زیارت معصومین پاک می‌شود؛ در صورتیکه چنین نیست و توبه برحسب اختلاف گناهان، مختلف است و برای هرگناهی توبه‌ای خاص مقرر گردیده است.

۱ ـ *محجت البیضاء*: ج۷، ص۲۴.
۲ ـ *وسائل الشیعه*: ج۱۱، ص۲۶۵.

بطور خلاصه گناهانی را که انسان مرتکب می‌شود سه دسته اند:

۱ـ ترک واجبات مثل ترک نماز، روزه، خمس و .....

۲ـ انجام محرّمات و چیزهایی که خداوند ما را از انجام آن نهی‌کرده است که این گناهان نیز خود دو قسم‌اند:

الف) محرّمات و نواهی که فقط مربوط به حقوق خداوند است و در آنها رعایت حق و حرمت خداوند نشده و انسان با بی‌حیایی و بی‌شرمی از او این اعمال را مرتکب شده: مثل نوشیدن شراب، چشم چرانی، زنا، قُمار، استمناء، لواط، دیدن فیلمهای مبتذل، شنیدن موسیقی حرام و.....

ب) گناهان و معاصی که علاوه بر نافرمانی خدا، حق مردم نیز در آنها ضایع شده و اصطلاحاً به عنوان حق الناس تعبیر می‌شود، مثل: دزدی، ربا، غیبت، رشوه، خسارت زدن به بدن یا مال مردم و.....

توبه از گناهان دستهٔ اول به انجام و تدارک واجبات ترک شده است. یعنی نمازهایش را بخواند، روزه بگیرد و عزم راسخ بر انجام واجبات و تدارک اعمال گذشته داشته باشید، سپس استغفار کند و از خداوند طلب مغفرت نماید.

توبه از گناهان دستهٔ دوم به واسطهٔ استغفار و پشیمانی و عزم بر ترک جدی نسبت به آن گناهان است؛ به گونه‌ای که آنچنان انسان منقلب گردد که هیچ یک از اعضا و جوارح او هوس بازگشتن به گناه را ننماید و از گناهانی که کرده بیزار باشد.

توبه از گناهان دسته سوم با رجوع به مردم و دادن حق آنها و

راضی کردن آنان میسر می‌شود. اگر دزدی کرده اموال مردم را محترمانه پس دهد و از آنها حلالیت بطلبد، اگر ربا خورده باید تمام پولهایی را که از این راه بدست آورده به صاحبانش برگرداند و اگر غیبت کرده باید از کسانی‌که غیبتشان را کرده حلالیت بطلبد و آنها را راضی کند و سپس به درگاه خدا روی نیاز آورد و با سرشک توبه آثار گناهان را بشوید.

دو نکته مهم

۱ـ در توبه همیشه باز است

امام باقر علیه السلام فرمودند: «حضرت آدم به خداوند عرض کرد: پروردگارا ! شیطان را بر من مسلط ساختی و مانند خون در بدن من جاریش گرداندی. (در عوض) برای من نیز چیزی مقرر فرما. خداوند در پاسخ فرمود: ای آدم! برای تو مقرر کردم، هر کدام از فرزندانت قصد گناه کند، برایش چیزی نوشته نشود و اگر انجام داد، برایش یک گناه نوشته شود. هرگاه قصد کار خیر کرد برایش یک حسنه نوشته شود و اگر آنرا انجام داد برایش ده حسنه نوشته شود. عرض کرد: پروردگارا! برایم اضافه فرما. خداوند فرمود: برای تو مقرر کردم هر کدام از فرزندانت گناهی کرد و سپس آمرزش خواست او را بیامرزم. عرض کرد: پروردگارا! برایم اضافه فرما. خداوند فرمود: برای

فرزندانت توبه را مقرر داشتم تا آنکه نفس به گلوگاهشان برسد(مرگشان نزدیک شود). عرض کرد: پروردگارا! برای من بس است»[۱].

پیامبر اکرمﷺ فرمودند: « هرکس یک هفته پیش از مرگش توبه کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد. سبس فرمودند: یک هفته زیاد است، هرکس یک روز پیش از مرگش توبه کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد. سپس فرمودند: یک روز زیاد است هرکس پیش از دیدار آخرت(یقین به مرگ)توبه کند، خدا توبه‌اش را قبول می‌کند»[۲].

توضیح اینکه از آیات قرآن استفاده می‌شود که جز در دو مورد در تمامی موارد توبهٔ انسان قبول درگاه حق واقع می‌شود:

۱ـ هنگام یقین به مرگ؛

۲ـ هنگام نزول بلا و آشکار گشتن غضب خدا بر مردم؛

البته اینکه گفتیم: توبه تا زمان مرگ میسر است، دلیل نمی‌شود که ما توبه را به تأخیر بیندازیم و در انجام آن قصور کنیم؛ چرا که اولاً: انسان از زمان مرگش خبر ندارد و هر لحظه ممکن است مرگ فرارسد و انسان غافل، با کوله باری سنگین از گناه و معصیت از دنیا کوچ کند و ثانیاً: تأخیر توبه سبب افزایش گناهان و سیاهتر شدن قلب انسان می‌شود و چه بسا با کثرت گناه اصلاً انسان تا آخر عمر

---

۱ ـ *اصول کافی*: ج۲، ص۴۴۰.

۲ ـ *اصول کافی*: ج۲، ص۴۴۱.

نتواند توبه کند؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: « هیچ چیز برای قلب زیانبخش‌تر از گناه نیست. هر زمانی‌که قلب در ظلمت گناه واقع شود، آن ظلمت با قلب هست تا آنکه تمام قلب را می‌گیرد و قلبش وارونه می‌گردد و صاحب این قلب دیگر به خیر برنمی‌گردد»[۱]. این روایت دلیل روشنی است بر این‌که صاحب چنین قلبهایی هیچگاه از گناه دست نمی‌شویند و توبه نمی‌کنند. و اگر هم توبه کنند، ظاهری و زبانی است.

۲ـ توبه با شکستن باطل نمی‌شود

محمد بن مسلم می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمودند: «گناهانی را که مؤمن از آن توبه کرده آمرزیده می‌شود. و باید برای آینده ـ پس از توبه و آمرزش ـ کار خوب انجام دهد. به خدا سوگند! این فضیلت نیست مگر برای آنها که ایمان دارند».

من گفتم: اگر پس از توبه دوباره گناه کرد و توبه نمود(آیا توبهٔ دوباره‌اش قبول می‌شود)؟

حضرت فرمودند: « ای محمد بن مسلم! تو می‌پنداری خدا توبهٔ بندهٔ مؤمنش را بعد از استغفار و پشیمانی قبول نمی‌کند؟»

گفتم: چند بار گناه کرده و توبه کرده و از خدا آمرزش طلبیده.

حضرت فرمودند: « هر اندازه مؤمن از خدا طلب آمرزش و توبه

---

۱ ـ *گناهان کبیره*: ج۲، ص ۴۱۲.

کند خدا هم او را می‌آمرزد و از گناهش می‌گذرد. به راستی‌که خداوند بسیار آمرزنده و مهربانست، توبه را می‌پذیرد و از بد کرداریها در می‌گذرد. مبادا: مؤمنین را از رحمت خدا نا امید سازی»[1].

از این روایت استفاده می‌شود، اگر شخص تائب عهد خود را با خدا شکست و باز مرتکب گناه شد، توبهٔ قبلیش باطل نمی‌گردد، ولی واجب است از گناه جدیدش توبه کند. که خدا او را می‌آمرزد.

خدا در قرآن می‌فرماید: « ای کسانی‌که ایمان آوردید، توبه کنید به سوی خداوند، توبهٔ نصوح»[2].

ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق‌عليه‌السلام گفتم: معنای توبهٔ نصوح چیست؟حضرت فرمودند: « آن توبه از گناه است در حالی‌که هیچ گاه به آن باز نگردد». گفتم: کدام یک از ما به گناه باز نمی‌گردد؟حضرت فرمودند: « ای ابا محمّد! به درستی‌که خداوند بندگانی را که زیاد فریب خورده و زیاد توبه می‌کنند، دوست دارد»[3].

توبهٔ کامل و مستحبات آن

همانطور که قبلاً هم بیان شد، حقیقت توبه، همان پشیمانی قلبی است که در دل شخص گنه‌کار از گناهان و معاصی خود به

۱ ـ *اصول کافی*: باب توبه، حدیث۶.
۲ ـ سورهٔ تحریم: آیهٔ۸.
۳ ـ *اصول کافی*: ج۲، ص۴۳۲.

وجود می‌آید، و عزم او را بر ترک گناه جزم می‌کند . در این مرحله هر اندازه غم و اندوهش بیشتر باشد، امکان قبولی توبه‌اش به درگاه خداوند بیشتر است. اندوه و پشیمانی از گناه تابع دو مطلب است: اول، اینکه انسان مذنب و گنه‌کار به بزرگی خیانت و گناهش پی ببرد و دریابد که خداوند این همه نعمت و لطف را به او ارزانی کرده و او را در مقابل، به مخالفت و سرکشی و غفلت از خدا عمر را گذرانده، و نیز ببیند خداوند چگونه او را در مقابل مردم پوشانده و گناهانش را آشکار نساخته و آبرو و احترامش را حفظ فرموده است، با اینکه انسان گنه‌کار حرمت خداوند را در خلوت معصیت نگه نداشته و از او شرم ننموده است.

دوم، به عذابی که در انتظار اوست و برای گنه‌کاران در قیامت مهیّا شده بیندیشد، و فکر کند چگونه می‌توان عذابی را که آسمانها و زمین از تحمل آن عاجزند، تحمل نماید؟! عذابی که خداوند دربارهٔ آن می‌فرماید: « به درستی‌که نزد ما غل و زنجیر عذاب و آتش دوزخ برای کیفر کافران مهیا شده و طعامی که گلوگیر باشد، نه فرو رود و نه بیرون آید و عذاب دردناک برای آنهاست»[۱] ، و نیز می‌فرماید: «همانا روز قیامت، روز جدایی مؤمن و کافر و وعده‌گاه جمیع خلایق است. روزی است که هیچ حمایت و یاوری، کسی را از عذاب نجات ندهد و احدی را یاری نکنند. مگر آنکه خدا به او رحم کند، که او

۱ ـ سورهٔ مزمل: آیات۱۳ـ ۱۲ .

تنها برخلق مقتدر و مهربانست. همانا درخت زقّوم جهنم قوت و غذای بدکاران است، که آن غذا در شکمهایشان، چون مس در آتش گداخته می‌جوشد، آن‌سان که آب روی آتش می‌جوشد. خطاب می‌رسد که بدکاران را بگیرید و میان آتش افکنید، پس از آن آب جوشان برسرش فرو میریزند و به او بگویند: عذاب دوزخ را بچش!» [۱].

آیات قرآن درباره شدت و سختی عذاب قیامت بسیار است و انسان گنه‌کار باید با نظر کردن در آنها پریشان و نالان، بسوزد تا خداوند او را بیامرزد و از تقصیر او درگذرد و یقین بداند که هر چه اشک و نالهٔ او به خاطر گناهانش بیشتر باشد به رحمت خداوند نزدیکتر و از عذاب و خشم الهی دورتر می‌شود، به طوری‌که گنه‌کار تائب می‌تواند تمام گناهانش را با سرشک ندامت بشوید و آتش جهنم را نیز خاموش گرداند. پیامبر اکرمﷺ می‌فرمایند: « کسی که از گناهانش توبه می‌کند مثل کسی است که گناه نکرده است» [۲].

در این‌جا شایسته است به برخی از اعمال مستحبی که سبب کامل شدن توبه ما می‌شود، اشاره کنیم:

الف) غسل: پیامبر اکرم ﷺ به شخصی که می‌خواست توبه کند فرمودند: « برخیز و غسل کن و برای خدا سجده به جای آور» [۳].
شاید استحباب غسل برای توبه از این باب باشد که هماهنگی و

۱ ـ سورهٔ دخان: آیات۴۹ـ ۴۰ .
۲ ـ *اصول کافی*: ج۲، ص۴۳۵ .
۳ ـ مستدرک *الوسائل*: کتاب طهارت، باب ۱۲ .

طهارتی در جسم و روح توأماً ایجاد گردد؛ چراکه انسان تائب با اشک ندامت روح را از گناه و معصیت شستشو می‌دهد و با غسل، جسم را نیز پاک و طاهر می‌کند.

ب) روزه: حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «توبهٔ نصوح که خداوند به آن امر فرموده، روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه است»[۱].

ج) نماز: امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: « هر بنده‌ای که گناهی کرد، پس برخیزد (وضوبگیرد)و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند طلب آمرزش کند. برخداوند است که توبه‌اش را بپذیرد. چون خودش فرموده است: هرکس که کار زشتی کند یا به خودش ستم نماید، پس استغفار کند، خدا را آمرزنده و رحمت کننده می‌یابد»[۲].

یک گنجینه الهی: در کتاب اقبال سیدبن‌طاوس در باب اعمال ماه ذیقعده نقل شده که در روز یک‌شنبه ماه ذیقعده، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به اصحابشان فرمودند: « ای مردم! چه کسی می‌خواهد توبه کند؟» گفتند: همهٔ ما می‌خواهیم توبه کنیم، پس فرمود: غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید، در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ اخلاص را سه مرتبه و معوذتین[۳] را یک مرتبه بخوانید. پس از نماز هفتاد بار استغفار کند(استغفر الله ربی و اتوب الیه)و بعد از استغفار

---

۱ ـ *وسائل الشیعه*: ج۱۱، ص۳۶۲ .
۲ ـ *وسایل الشیعه*: ج۱۱، ص۲۶.
۳ ـ سوره‌های فلق و ناس را گویند.

یک مرتبه بگوید: «لاحول ولا قوة الّا بالله العلی العظیم» سپس بگوید: « یا عزیز یا غفار، اغفرلی ذنوبی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات فانّه لایغفر الذنوب الا انت».

سپس پیامبرﷺ فرمودند: « هرکس از امت من این عمل را به جا آورد، از آسمان به او ندا شود، که توبه‌ات پذیرفته و گناهانت آمرزیده شد، و فرشته‌ای از عرش گوید: برکت خدا بر تو و اهل تو و فرزندانت باد و فرشته‌ای دیگر می‌گوید: دشمنان و مخالفان تو در روز قیامت از تو راضی خواهند شد، فرشتهٔ دیگری گوید: ای بندهٔ با ایمان! قبرت وسیع و روشن خواهد بود و فرشته‌ای دیگر می‌گوید: پدر و مادرت از تو راضی شدند و به واسطهٔ عمل تو رحمت و مغفرت الهی شامل آنها و فرزندانت گردید و توسعهٔ رزق پیدا می‌کند و جبرئیل می‌گوید: هنگام مرگت با عزرائیل می‌آیم و سفارشت را خواهم کرد که جانت به آسانی گرفته شود.

اصحاب گفتند: ای رسول الله ﷺ! اگر کسی این عمل در غیر این ماه (ذیقعده) به جا آورد چگونه است؟ فرمود: « مثل همان است که بیان کردم، آنگاه پیامبر ﷺ فرمودند: به درستی‌که این کلمات را جبرئیل در شب معراج به من یاد داد»[۱].

د) **توبه و استغفار** : امام صادق علیه السلام فرمودند: « هرگاه بنده‌ای زیاد

---

۱ ـ *مفاتیح الجنان*: اعمال ماه ذیقعده.

طلب مغفرت کند، نامهٔ عملش بالا می‌رود در حالی‌که می‌درخشد»[۱].
طبق روایاتی که از معصومان به ما رسیده، تکرار استغفار به ضمیمهٔ ترک گناه و تدارک واجبات، سـبب نـزول رحمـت و وسـعت رزق و فراری شدن شیطان از انسان می‌گردد.

۱ ـ *اصول کافی*: ج۲، ص۵۰۴.

داستانهای عبرت آموز

نجات عابد

درکتاب « *روضهٔ کافی*» نقل شده است که: در میان بنی اسرائیل مرد عابدی بود که هیچ توجهی به دنیا نداشت. و به هیچ چیز آن، آلوده نمی‌شد.

روزی شیطان همه لشگریانش را جمع کرد و گفت: کدامیک از شما می‌تواند این مرد را فریب دهد و گمراه کند؟

یکی گفت: او را به من بسپار که به وسیلهٔ زنان گمراهش می‌کنم. شیطان به او گفت: تو نمی‌توانی او را فریب دهی چون او با زنان در ارتباط نبوده است. دیگری گفت: او را از راه خوردن و خوشگذرانی گمراه می‌کنم، شیطان گفت: تو هم مرد او نیستی؛ زیرا او توجهی به این امور ندارد. شیطانک دیگری گفت: از راه کردار نیک و عمل صالح گمراهش می‌کنم، شیطان گفت: تو مرد او هستی و می‌توانی او را مغلوب کنی. پس او هم به محل عبادت عابد رفت و در برابر او ایستاد و بی وقفه نماز خواند. عابد می‌خوابید یا غذای اندکی می‌خورد، ولی او پیوسته بدون خواب و خوراک عبادت می‌کرد. بعد از مدتی عابد خود را در مقابل او کوچک دید و نزد او رفت و گفت: ای بندهٔ خدا ! باکدام نیرو این همه نماز می‌خوانی و عبادت می‌کنی؟! او پاسخی نداد. دوباره عابد سؤال را تکرار کرد، ولی پاسخی نشنید. بار سوم سؤال کرد، او گفت: ای عابد! من گناهی

کردم و از آن توبه نمودم و هر زمان که آن گناه به یادم می‌آید بر نماز و عبادت نیرومند می‌شوم. عابد گفت: چه گناهی کردی که این‌چنین برای عبادت از آن نیرو می‌گیری. بگو تا من هم مرتکب شوم تا برای عبادت خدا نیرومند گردم. گفت: به شهر برو و خانهٔ فاحشهٔ معروفه را پیدا کن، دو درهم به او بده و شبی با او باش. عابد گفت: دو درهم را از کجا بیاورم. اصلاً دو درهم چیست؟ دو درهم به او داد و عابد هم برخاست و به شهر رفت و از خانهٔ فاحشهٔ معروفه سؤال کرد؟! مردم عابد را راهنمایی کردند و همه پنداشتند عابد برای هدایت و توبه دادن آن زن آمده است.

عابد به خانهٔ زن بدکاره رسید و دو درهم را به او داد و گفت: برخیز و آماده شو. زمانی‌که داخل اتاق شدند، زن به عابد گفت: هیچ می‌دانی گناه نکردن از توبه کردن آسان‌تر است. چنین نیست که هرکس گناه کرد و دنبال توبه رفت، توبه را دریابد و به آن موفق شود. چه کسی تو را این‌گونه راهنمایی نموده است؟ عابد داستان خود را برای زن باز گو کرد، پس آن زن گفت: حتماً کسی‌که تو را به گناه راهنمایی کرده، شیطان بوده که در غالب انسان برای گمراه کردن تو مجسم شده است. عابد با شنیدن این حرف، از آن زن دست کشید و برگشت. آن زن هم در همان شب درگذشت. چون صبح شد بر درخانه‌اش نوشته شده بود: «بر جنازهٔ این زن حاضر شوید که او اهل بهشت است». مردم همه در حیرت افتادند و تا سه

روز او را به خاک نسپردند و نمی‌دانستند، چه کنند؟! خداوند به موسی بن عمران وحی کرد که برو بر آن زن نماز بخوان و به مردم بگو که بر او نماز بخوانند؛ زیرا من او را آمرزیدم و بهشت را بر او واجب کردم، برای اینکه عابد درگاه مرا از گناه کردن و مخالفت با من بازداشت[۱].

دستش به آتش نمی‌سوخت!

وارد مصر شدم در کوچه و بازار شهر می‌گشتم و برای آشنا شدن با فضای این شهر باستانی به در و دیوار به دقت می‌نگریستم، در بازار قدیمی آهنگران صحنهٔ عجیبی نظرم را جلب کرد، یکی از آهنگران، آهنی گداخته و سرخ شده را از کوره در می‌آورد با دست آنرا می‌گرفت و چکش می‌زد. آهن گداخته و سوزان به دست او آسیبی نمی‌رساند! با خود گفتم: این مرد حتماً یکی از اولیای خداست، به او سلام کردم و گفتم: ای بندهٔ خدا ! به حق آن کسی که این کرامت را به تو داده، در حق من دعایی بفرما! دیدم آرام آرام اشک از چشمانش جاری شد و گفت: تو اشتباه می‌کنی من از اولیای خدا نیستم. گفتم: این کاری را که تو می‌کنی فقط از بندگان صالح خدا ساخته است، آهنگر گفت: نسوختن بدن من به آتش علتی دارد، گفتم: بر من منت گذار و سببش را بگو . آهنگر گفت:

۱ ـ گناهان کبیره: ج۲، ص۴۲۱.

روزی در دکان خود مشغول کار بودم که زنی بسیار زیبا وارد دکان شد و از فقر و پریشانی خود نزد من شکایت کرد، من که شیفته جمالش شده بودم، گفتم: اگر مرا از خود بهره‌مند کنی حاجت تو را می‌دهم و تو را بی‌نیاز می‌سازم. زن گفت: ای مرد! از خدا بترس، من اهل این کارها نیستم. من هم گفتم: برو دنبال کارت، و آن زن با حال پریشان رفت. بعد از چند روز آن زن دوباره به من مراجعه کرد و گفت: اضطرار و بیچارگی، مرا به اینجا کشانید که به تو پاسخ مثبت دهم؛ لذا من با آن زن به خانه رفتیم و پس از ورود، در خانه را قفل کردم. زن گفت: چرا در خانه را قفل می‌کنی؟! گفتم: ترسیدم کسی وارد خلوتمان شود و یا مردم مطّلع گردند. زن گفت: چرا از خدا نمی‌ترسی؟! گفتم: خدا بخشنده و مهربان است.

چون نزدیکش رفتم. دیدم مثل بید به خود می‌لرزد و سیلاب اشک از چشمش جاری است، به او گفتم: چرا گریه می‌کنی؟گفت: از خدای خود می‌ترسم؛ چرا که او حاضر و ناظر بر عمل ما است، سپس گفت: ای مرد آهنگر! اگر دست از من برداری، ضمانت می‌کنم که خداوند آتش دنیا و آخرت را بر تو حرام کند. کلام آن زن در من اثر گذاشت و دست از او کشیدم و آنچه پول داشتم به او دادم و گفتم: ای زن! برو به سلامت، که تو را از ترس خدا رها کردم.

نمی‌دانم آن زن چه کسی بود و چه دعایی کرد؟! ولی بعداً متوجه شدم آن زن از نسل پیامبر و از علویان بوده است. روز بعد از

این واقعه در دکانم مشغول کار بودم که تکه‌ای از آهن گداخته جدا شد و روی پایم افتاد، دیدم اصلاً نمی‌سوزم، بعدها کم‌کم با ترس و لرز آهنهای سرخ شده از آتش را می‌گرفتم و اصلاً به من ضرر و آسیبی نمی‌رسید و خدا را سپاسگزاری می‌کنم که به من توفیق ترک معصیت داد[1].

آتش‌پرست نامهربان

مرحوم ملا احمد نراقی درکتاب «*طاقدیس*» آورده است: یک روز که حضرت موسی عليه السلام به طرف کوه طور می‌رفت، در میان راه پیر مرد(آتش پرستی) را دید که آلوده به کفر و گمراهی بود. پیر مرد به موسی عليه السلام گفت: کجا می‌روی؟ و با چه کسی قصد ملاقات داری؟ موسی عليه السلام گفت: به کوه طور می‌روم تا با خداوند مناجات کنم و از گناهان و معاصی شما از پیشگاهش عذر خواهی و طلب مغفرت نمایم.

پیرمرد گفت: می‌توانی از جانب من پیامی برای خدا ببری؟ موسی عليه السلام گفت: پیامت چیست؟

پیرمرد گفت: از طرف من به پروردگارت بگو: در این گیرودار خلقت و در این غوغای آفرینش، مرا از خداوندیِ تو عار می‌آید، اگر روزی مرا تو می‌دهی، هرگز نده، من منّت روزیِ تو را نمی‌برم، نه تو

---

۱ ـ *اسرار معراج*: ص۸۴، اندکی تصرف.

خدای منی و نه من بندهٔ تو!

موسیعليه‌السلام از سخنان پیر مرد آتش پرست بسیار ناراحت شد و با خود گفت: من به مناجات حق می‌روم ولی شایسته نیست این سخنان را برای خداوند بازگویم، اگر بخواهم در حریم قرب، ادب را رعایت کنم، باید از این گفتار خاموش بمانم. موسیعليه‌السلام به کوه طور رفت و با خدا راز و نیاز کرد، وقتی از مناجات با خداوند فارغ شد و قصد بازگشت به شهر را داشت، خطاب رسید موسی! پیام بنده‌ام چه شد؟ عرضه داشت: من از سخنان او شرمنده‌ام، خود بینا و آگاهی که آن آتش‌پرست چه حرفهای زشتی گفت!

خطاب رسید: از جانب من به سوی او برو و از طرف من به او سلام کن وآنگاه با نرمی و مُدارا این پیام را به او برسان: اگر تو از ما عار داری، ما را از تو عار و ننگ نیست و هرگز با تو سر جنگ و ستیزه نداریم، اگر تو ما را نمی‌خواهی، ما تو را با صد عزّت و جاه می‌خواهیم، اگر روزی‌ام را نمی‌خواهی، من روزی و رزقت را از سفرهٔ فضل و کرمم عنایت می‌کنم، اگر منّت روزی از من داری، من بی‌منت روزی تو را می‌رسانم، فیض من همگانی، فضل من عمومی، لطف من بی‌انتها، و جود و کرمم ازلی است. هنگامی که موسیعليه‌السلام از کوه برمی‌گشت، پیر مرد آتش پرست به موسی گفت: اگر برای پیامم جوابی آورده‌ای بگو، موسیعليه‌السلام آنچه را که خداوند فرموده بود برای او بازگو کرد. ناگهان این جواب، وجود تاریک و پرگناه او را

همچون آفتاب روشن کرد؛ لذا از شدت شرم و خجالت سر به زیر افکند، و با چشمی اشکبار و دلی سوزان گفت: ای موسی! در جان من آتش افروختی، و با این سخنان جان و دلم را سوختی، ای موسی! ایمان را به من عرضه کن و حقیقت ایمان را برای من بازگو، آنگاه پیرمرد رو به آسمان کرد و گفت: خدایا! جانم را بگیر تا از عذاب و شرمندگی این سخنان که با تو گفتم، راحت شوم. موسی ایمان به خدا را به او تعلیم داد و او هم با اقرار به توحید و توبه از گذشته در همان لحظه جان به جانان تسلیم کرد و مرد[1].

حقّ نمک

روزی یکی از باج بگیران قُلدر با علامه محمد تقی مجلسی(ره) هم سفره شدند، لحظاتی علامه به آن مرد قلدر نگاه کرد و او نیز علامه را به دقت نگریست. ناگهان مرد دستی به سبیل خود کشید و گفت: ببخشید حاج آقا! حرف حساب شما روحانیون در این دنیا چیست؟ مجلسی عبایش را مرتب کرد و گفت: شما لطف کنید بفرمایید: حرف شما چیست؟ مرد قلدر نگاه معنی داری به علامه کرد و گفت: امثال ما در فرهنگ قلدری حرفهای بسیاری داریم؛ از جمله می‌گوییم: اگر کسی نمک کسی را خورد باید حق نمک را ادا کند و با او در مروّت و صفا باشد، علامه گفت: چند سال از عمر شما

---

۱ ـ توبه آغوش رحمت: ص۱۴۶ .

می‌گذرد؟ مرد پاسخ داد: شصت سال، علامه گفت: در این شصت سالی که نمک خدا را خورده‌ای آیا حق او را رعایت کرده‌ای و نسبت به او صفا داشته‌ای؟ مرد قلدر سخت یکّه خورد، سر به زیر انداخت، اشکش جاری شد و مجلس را ترک کرد و شب تا صبح در فکر سخنان علّامه بود. صبح روز بعد به محضر علامه آمد و با تواضع و فروتنی توبه کرد و از کردار زشتش دست برداشت، و از نیکان روزگار شد[۱].

یکبار به خاطر خدا گناه نکرد!

در زمان پیامبرﷺ در شهر مدینه مردی بود با چهره‌ای آراسته و ظاهری پاکیزه، آنچنان که گویی در میان اهل ایمان، انسانی برجسته و نمونه است.

او در بعضی از شبها به دور از چشم مردم، دزدی می‌کرد و به خانه‌های اهل مدینه دستبرد می‌زد. یک شب که برای دزدی رفته بود. خانه‌ای بزرگ نظر او را جلب کرد. از دیوار خانه بالا رفت. وقتی داخل خانه را دید از خوشحالی چشمانش برق زد؛ زیرا هم اثاث زیادی درون خانه بود و هم زن زیبا و جوانی در میان خانه تنها خوابیده بود. با خودش گفت: امشب هم اثاث قیمتی این خانه را می‌برم و هم از این زن جوان بهره‌ای می‌گیرم! در این حال و هوا بود

۱ ـ توبه آغوش رحمت: ص۱۴۱ .

که ناگهان برقی از غیب بر دل و جانش زد و فکرش را روشن کرد که: مگر من بعد از این همه گناه و معصیت نمی‌میرم، مگر خداوند مرا مؤاخذه نمی‌کند، آیا در آن روز از عذاب دردناک خداوند راه فراری هست؟! یقین بدان که با این اعمال در آن روز دچار خشم خدا می‌شوم و در آتش جهنم برای همیشه می‌سوزم. پس از این فکر، با خود گفت: این بار را به خاطر خدا گناه نمی‌کنم؛ لذا از دیوار پایین آمد و با دست خالی به خانه رفت.

صبح روز بعد با همان ظاهر آراسته و چهرهٔ غلط انداز نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و گوشه‌ای نشست. ناگهان دید صاحب خانهٔ شب گذشته یعنی همان زن زیبا و جوان به خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا ! من زنی بدون شوهر با ثروتی زیاد هستم که قصد داشتم هیچ وقت شوهر نکنم. شب گذشته به نظرم آمد دزدی به خانهٔ من آمده، اگر چه چیزی نبرد ولی، مرا به وحشت و ترس انداخته، دیگر جرأت اینکه به تنهایی در آن خانه زندگی کنم را ندارم، اگر صلاح می‌دانید شوهری برایم انتخاب کنید. ناگهان حضرت نگاهی به اطراف کردند و به آن مرد اشاره نمودند که جلو بیا، آنگاه به زن فرمودند: آیا میل داری تو را هم اکنون به عقد این جوان در آورم، زن گفت: مانعی ندارد، پیامبر ﷺ آن زن را برای مرد توبه کننده عقد کرد و مرد به همراه آن زن به خانه‌اش رفت[1].

۱ـ توبه آغوش رحمت: ص۱۳۶.

«فهرست مطالب»

فصل اول
اینترنت و پیامدهای منفی چت

فصل دوم
ماهواره

فصل سوم
اکســـتــازی

فصل چهارم
سیگار و اعتیاد به مواد مخدّر

فصل پنجم
ایــــدز

فصل ششم
فرار دختران

فصل هفتم
مشروبات الکلی

فصل هشتم
ارتباط و دوستی با جنس مخالف

فصل نهم
بدحجابی

فصل دهم
چشم چرانی

فصل یازدهم
توبه [راه بازگشت]



طرح و اجرا / سید حسین موسی زاده

امروز مبارزه با تهاجم فرهنگی، کم‌تر از جهاد نیست

مقام معظم رهبری



انتشارات عطر یاس

تلفن: ۰۹۱۲۵۵۳۴۰۴۹ - ۰۹۱۲۵۵۳۲۱۶۱

شابک: ۹-۲-۹۶۶۸۸-۹۶۴

ISBN: 964-9688-2-9

E-mail: atreyas18@yahoo.com

ISBN 964-96688-2-9

9789649668826